فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً

مجاهد

نشریه مجاهدین خلق ایران

سال اول (شماره ۴) - دوشنبه ۲۴ مرداد ماه ۱۳۵۸ - تکشماره ۱۵ ریال

لیلة القدر یا مرحلهٔ جهش

برداشتی از سوره "قدر" و تفسیر "شب قدر" بمناسبت شبهای پر اوج ماه رمضان

انا انزلناه فی لیلة القدر - ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم.

وما ادریک ما لیلة القدر - و چه بدانی که شب و مرحلهٔ "قدر" چیست؟

لیلة القدر خیر من الف شهر - مرحله قدر گرنده تر از هزار ماه است.

تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر - فرشتگان و روح در آن به اجازهٔ پروردگار تکامل بخشان همی آیند با کل امر. بطور کلی سوره های آخر قرآن مطلو ...

(بقیه در صفحهٔ ۵)

ملی کردن سرمایه های وابسته در شهرک اکباتان

در صفحه ۴

نقش امپریالیزم در روستاها

در صفحهٔ ۳

مردم و مجاهدین

در صفحه ۵

آیا ضعف آگاهی مردم علت نارسائی های انتخاباتی است

آیا اساساً نمیشد انتخاباتی داشته باشیم که فاقد این اشکالات باشد؟

به مسأله انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی از وجوه مختلفی نظر شده است. از یکطرف اشکالات وانتقادات زیادی مطرح میگردد، تا آنجا که قانونی بودن ومشروع بودن نتایج آن نیز مورد عدم قبول واقع میشود. از طرف دیگر بانیان و دست اندرکاران این انتخابات، انتقادات واشکالات را کوچک کرده و در نهایت غیرقابل اجتناب دانسته، مدعی میشوند که در بهترین و دموکراتیک ترین انتخابات نیز اینقدر اشکال بوجود می آید.

در این مقاله هدف بررسی میزان اشکالات و انتقادات وارد به اجرای انتخابات را دنبال نمیکنیم، بلکه می خواهیم این مسأله را بررسی کنیم که آیا واقعاً "نمیشد انتخاباتی داشته باشیم که اساساً" فارغ از این اشکالات باشد؟ در بررسی سؤال فوق دو نظرگاه در دو سر طیفی قرارگرفته اند که بقیهٔ جوابها به گونه ای بینابینی به آن دو مربوط میباشد. یک جواب واقع بینانه نیز وجود دارد که به تشریح آن هم میپردازیم.

مهمترین تقلبات برون صندوقی:

تقلب های انتخاباتی به دو نوع متفاوت تقسیم میشوند:

۱ - تقلب درون صندوقی، عبارت است از آراء بدون صاحب به صندوقی ریختن و تقلب در شمارش آراء و...

۲ - تقلب برون صندوقی که به شیوهٔ تبلیغات و تحت تاثیرهای کاذب قرار دادن مردم بر میگردد و به اجبارهای اقتصادی و سیاسی و .... که از دوران رضاخان کاملاً "تا آن آشنا هستیم.

در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی مهمترین تقلب برون صندوقی که انجام شد در درجهٔ اول استفادهٔ عوام فریبانه از عادت به عمومی امام بود. و در درجهٔ بعد استفادهٔ از عدم آشنائی مردم به ضوابط دمکراتیک یک انتخابات آزاد. در مورد تقلب فوق الذکر تفرگاهی نمونه وجود دارد، تا آنجا که هرکس میتواند خود در این زمینه صاحب تجربه شخصی نیز باشد.

دو برخورد غیرواقعی با مسأله انتخابات:

در برخورد با تقلبهای انتخاباتی عده ای میگویند که سطح پائین آگاهی مردم باعث شده که این تقلب ها صورت گیرد. بیسوادی، فشرگری، دنباله روی ناآگاهانه و امثالهم، سبب انتخابات این چنینی بوده است. از این جواب این نتیجه هم گرفته میشود که حد اقل در این مقطع امکان هیچ انتخابات بهتری نبوده است. بایستی زمان بگذرد، مردم آگاه شوند، تا خودشان مانع اینگونه سوء استفاده ها گردند.

بقیه در صفحهٔ ۲

مجلس بررسی قانون اساسی براستی فاقد نمایندگان طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است.

با مدّ سرکشاده جنبش، جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)، جنبش مسلمانان مبارز، سازمان اسلامی شورا (ساش) و سازمان مجاهدین خلق ایران

به

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

درباره مخدوش بودن انتخابات تهران

"بسم الله الرحمن الرحیم"

حضرت آیت الله امام خمینی

گروههای امضاء کننده نامه حاضر در پاسخ بدعوت شما مبنی بر شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی، فعالانه در انتخابات مزبور شرکت کرده و بمعرفی کاندیدا نیز اقدام نمودند. این در حالی بود که مبارزها و محدودیتهای بسیاری که متأسفانه هنوز هم مستقیم و غیرمستقیم تحت نام شما اعمال میشود کمترامیدی در جهت تأثیرگذاری انقلابی برای ما برجا گذاشته بود. بهمین دلیل نتوانستیم بسیاری از هواداران خود را بشرکت در انتخابات قانع کنیم. آنها بر این عقیده بودند که شرکت ما در جوّ موجود مفید هیچ فایده ای نخواهد بود.

اگرچه ما همیشه بر این عقیده بوده ایم که مقام رهبری شما فراتر از وابستگی به هر جمعیت وحزب مخصوص بوده ومتعلق بفرد فرد آحاد ملت ایران است، با این همه در جریان انتخابات ما شاهد دخالتهای غیرقانونی گسترده احزاب وجناحهای مخصوص بودیم که به اتخاذ طرق، تودهٔ مردم را تحت نام شما به رأی دادن به فهرستی وامیداشتند که در واقع امر انتخابات را به انتصابات تبدیل مینمود. این دخالتها که در چند مورد با جان وصوحی صورت گرفت که آراء صندوقهای مربوطه بنا به اعتراض بازرسان ما باطل اعلام گردید، از یاره کردن اوراق تبلیغاتی دیگران تا رأی نویسی غیرمجاز و ممانعت از رأی دادن به نامزدهای مورد نظر ما دستکاری در صندوقها و اعمال نظر در شمارش آراء و امثالهم گسترش داشت. اعمال بی رویه ای که مدارک آن طی قریب بیش از ۲۰۰ عفوه شکایت به مسئولین امر تسلیم شده وجناحه علاج یابد آماده ایم تا در ملاقات حضوری به خود آن حضرت نیز تقدیم داریم.

مسأله اساسی برای طرفداران ما اینست که حضرت برنده انتخابات که چند ماه از تأسیس آن نیز نمیگذرد، چگونه میتواند بدون اینکه همه خیر خود را به شما منتسب دارد در اکثریت قاطع کشور حائز اکثریت آراء گردد. و آیا این استفاده نابسنده ای از رجوع دهها هزار شهید انقلاب ایران که در اعتماد عمومی به شخص آن حضرت منعکس گردیده است محسوب می شود؟ وانگهی در شرایطی که وزراء ومعاونین آن بخاطر مسئولیت های اجرائی خود از نامزدی مجلس محروم شدند چگونه اعضای شورای انقلاب که هم اکنون در دولت نیز ادغام شده است میتوانند به رغم مسئولیتها واقتدار گسترده خود راهی مجلس شوند.

از همه اینها نا راحت کننده تر این بود که علیرغم تکذیبهای مکرر رادیو در روز انتخابات، قویاً در روزهای قبل از انتخابات شایعه کرده بودند که شخص آن حضرت فهرست به خصوصی را امضاء کرده اند که قابل انتشار نیز هست. مجموعهٔ این دخالتها ومحدودیتها هم اکنون ما را با مجلسی مواجه ساخته است که بجز شمار قلیلی از علما و افراد شرکت کننده در آن، به راستی فاقد نمایندگان طرز تفکر

بقیه در صفحهٔ ۲

آیا بازسازی دستگاههای اطلاعاتی آریامهری را می توان اقدامی مردمی تلقی کرد؟

بیرون آمدن از دوران طولانی و کمرشکن اختناق آریامهری هشتاد ری عجیبی در خلق ما بوجود آورده است. نوعی آگاهی ویژه سیاسی که بوی اختناق و مرگ را میتواند بشناسد احساس کند. حدیثی است شواهد واخبار دلالت بر آن دارد که تولد نامیمونی در شرف انجام است. شاید هم مولود تازه به، بلکه همان هیولائی که خود را آراسته. دیگر بار قصد دارد نامیمونی تازه بجان مردم بیفتد. قبل از اظهار نظر اخیر بر کشور، در موارد متعددی دولت و مقامات مسئول یادآور شده بودند که ما به یک "دستگاه اطلاعاتی" احتیاج داریم و باید از امکانات رژیم قبل در این مورد استفاده کنیم و .... گرچه در جفا فعالیتهائی در جریان بود که گمگاه با هشدارهائی از جانب نیروهای انقلابی روبرو میشد، اما صریحاً سخنی در این باره گفته نشد تا اخیراً "صاعقه ورشکستور در (روزنامه اطلاعات ۵/۱۱) عنوان کرد که: "... *دخالت ارتش را در مناطق نمیتوان پیش بینی کرد. ولی طبیعی است اگر مشکلی پیش بیاید، ارتش باید به وظیفه خود عمل کند...* هیچ مملکتی بدون *مسائل اطلاعاتی قادر به انجام کارهای موفقیت آمیز نخواهد بود. بنابراین ماهم بعنوان اداره کنندهٔ مملکت احتیاج به یکنوع اطلاعات داریم. و تا تشکیل این مرکز در نخست وزیری، فعلاً "اطلاعات برای مسائل و سیاست های کلی مملکت جمع آوری میشود* ... "مخصوصاً" عنوان کردن این مسأله در کنار اصطلاح "ضرورت دخالت ارتش" امری تصادفی نبوده که بعداً به آن اشاره ای خواهیم داشت. همچنین این نکته که سیستم مزبور با چه مکانیزمی و توسط چه افرادی بکار خواهد افتاد نیز سناریوهای تأمل است.

دستگاه اطلاعاتی مردمی یا ...؟

اساساً" هیچ دستگاه تحملی وپلیس ساخته ای که توسط طبقات حاکم (نه مردم) بوجود آمده وباکرسی درخدمت منافع آنها باشد، نمیتواند ماهیتی مردمی داشته باشد. مخصوصاً" وقتی این ماهیت را بمنصهٔ ظهور میرساند که برای کنترل داخل هم بکار رود. مثلی جنس سیکه اطلاعاتی را بر ضد توده ها و مبارزات آنها وسعی در سرکوب وحشی نمودن آن، تشکیل بدهد.

بقیه در صفحهٔ ۸

ماهیت روابط فعلی ایران و امریکا

یک سیاست مستقل و انقلابی در زمینهٔ روابط خارجی مستلزم چه عواملی است؟

مبارزهٔ آزادیبخش خلق ایران، که گام نخستین آن یعنی سقوط دیکتاتوری شاه با پیروزی همراه بود، ضرورتاً بایستی با گامهای بلندتر و استوارتری دنبال شود. این گامها اساساً" در مسیر بلوغ مبارزهٔ ضدامپریالیستی است. کما اینکه یعنی رژیم هم می بردند مرحله ای مهم به غلبه و حیات منافع امپریالیستی در ایران بود. چرا که دیکتاتوری ایران ماهیتی امپریالیستی داشت. یعنی تمام حیاتیها وعارضه های امپریالیسم، دقیقاً" در پناه آن دیکتاتوری صورت میگرفت.

همانطور که می دانید آمریکا بعنوان سردمدار امپریالیسم جهانی دشمن و عارضه همه خلقها و بخصوص" مسئول درجه اول تمام بدبختی های ملل زیر سلطه است. از اینرو حرکتهای آزادیخواهانه ورهائی بخش هم در هر گوشه ای از جهان بدون یک سر علیه آمریکا خواهد بود.

بقیه در صفحهٔ ۲

آیت الله طالقانی در دیدار با هیئت کوبائی: از نظر ما در هر منطقه دنیا

"هر انقلاب علیه ظلم، علیه استبداد و علیه استثمار یک انقلاب اسلامی است"

شب گذشته (۱۳ مرداد) در دیدار هیأت کوبائی با حضرت آیت الله طالقانی بین اعضای این هیئت و آیت الله طالقانی بحث و گفتگوهای مفصلی پیرامون "اسلام و مارکسیسم" صورت گرفت. از آنجا که دقت و تعمق در این بحث می تواند رهنمودهای ارزنده ای برای عموم خواهران و برادران در بر داشته باشد، اقدام به توضیح و سرچاتی در بارهٔ برخی قسمت های این گفتگو نمودیم.

آیت الله طالقانی در این گفتگو بیان داشتند که: "ما انقلاب کوبا را انقلابی عظیم می دانیم .... در واقع هر انقلاب علیه ظلم و علیه استبداد و علیه استثمار در هر جای دنیا که باشد از نظر ما یک انقلاب اسلامی است. چرا که روح اسلام و تعالیم اسلام در جهت رفع ظلم از همه ابنای بشر، همه انسانها، و همهٔ مظلومین و مستضعفین است."

این واقع بینانه ترین و در عین حال عالیترین دفاعی است که می توان از ایدئولوژی اسلام بعمل آورد.

این همان نحوه برخورد شایسته و اصولی است که یک مسلمان انقلابی همواره بایستی در مواجهه با افکار و اندیشه های دیگران در پیش گیرد.

معیار ترقیخواهی و انقلابی بودن از دیدگاه توحیدی:

از دیدگاه ایدئولوژی ما، هر فرد یا جریان به اندازه ای که در مسیر

بقیه در صفحهٔ ۶

دیدگاههای ایدئولوژیک مجاهدین خلق

برداشتهائی از نهج البلاغه (عمدتاً خطبه های ۹۱ و ۱۹۶) (قسمت دوم)

امام علی

میکوشد ستم اجتماعی را بطور بنیادی نابود سازد.

اصل اساسی "عدل" و مساوات در توزیع ثروت اجتماعی

بر اساس این بینش و درک عمیق امام علی، از کار مکتبی و حرکت اصولی است که در پاسخ کسانی که او را نصیحت می کردند که چرا اعطاء و بخشش بیت المال و غنائم را میان مردم، مساوی تقسیم می نماید و اشخاصی را که در اسلام سوابق طولانی تر داشته و دارای "شرافت و بزرگی" بوده اند، برتری نمی دهد، قاطعانه جواب می دهد که "آیا بمن دستور می دهید که با ستم روا داشتن بر کسانی که بر آنان حکومت می کنم پیروزی را بجویم؟!

"بخدا قسم تا روزگار می گردد و تا ستاره ای در آسمان، ستاره دیگر را قصد می کند، چنین نخواهم کرد. اگر دارایی مال خودم هم بود، به تساوی تقسیم می کردم چه رسد به اینکه مال اساساً" از آن خداست" خطبه ۱۲۶

از دیدگاه امام علی این یک اصل اساسی است. اصلی که یک موحد انقلابی را ملزم می دارد که همهٔ مصلحت ها و منافع رودگذرانی دیگر را بخاطر آن فدا دارد. اصل "عدل" و قیام بخاطر برپا داشتن "قسط". همان هدف والا و بلندپایه ای که خدا پیامبر خود را برای محقق ساختن آن فرستاده بود. و بنابر این باید کمترین خدشه ای بدان وارد شود. این همان چیزی است که انبیاء رئیس توحیدی و انقلابیون تاریخ، بخاطرش قیام کردند، و در این راه هستی خود را فدا ساختند. اصول بلند و فشرده و مظهر واقعیت های سرسخت و غیرقابل نقض و اجتناب هستند. و اگر می شود که گردش روزگار را مانع شد و حرکت ستاره ها را تغییر داد، از این اصول هم می توان عدول کرد. بنابراین تاکید علی بر این مسأله که "بیت المال باید بطور مساوی قسمت شود" یک شعار توخالی نیست، بلکه دقیقاً" مبین جهت و هدف تکاملی "یکانه سازی" است که می بایستی بر تمام فعالیت های ما در دنیای واقعی در زمینه های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و غیره حاکم باشد. ولذا دیگر جای هیچگونه کوتاه آمدن و تخفیف دادن در مورد آن ها نیست.

فرصت طلبان از امام علی امتیاز و "سهم سیاسی" طلب میکنند

اینست که علی از همان نخستین روزی که عهده دار رهبری جامعه میگردد، اعلام می نماید که بر طبق سنت دیرین رسول خدا و بر اساس مساوات و عدل عمل می کند. در این باره در خطبه ۱۹۶ خطاب به طلحه و زبیر می گوید: "اینکه مطرح کردید که چرا در قسمت کردن بیت المال بطور مساوی عمل کردم، من مطابق میل شخصی انجام ندادم. و از راه هوای نفس حکم نکردم. بلکه خارج از تمایلات ما، احکام و معیارهایی است که خدا برقرار کرده و پیامبر آورده است. و من ناگزیر بایستی بر مبنای آن رفتار کنم و

بقیه در صفحهٔ ۹

ماهیت روابط فعلی ایران و امریکا

بقیه از صفحه ۱

ضرورت مبارزه ضد امپریالیستی بعنوان تنها راه رهائی

این حقیقت از آنجا ناشی میشود که امریکا دوام و بقاء خود را در غارت و چپاول خلقها می‌بیند . پس طبیعی است که هر جا هم با مخالفت و آزادیخواهی مردم زیر سلطه روبرو شود ، از حمایت و سرکوب و وحشیگری خودداری نکند . مدافع اکثریت رژیم های دیکتاتوری ضد خلقی و فاسد است . همچنین تمام جنگهای تجاوزکارانه و امپریالیستی ، همه کودتاهای ضد انقلابی ، فتنه‌گریها ، آشوبها و جنایاتی که هر روز در گوشه و کنار شاهدیم ، مستقیم یا غیر مستقیم بوسیله آمریکا طرح‌ریزی و پیاده می‌شود. درست به این دلیل هر جنبش انقلابی و خلقی قلب آمریکا را نشانه می‌رود . و ضربه‌های حیاتی او را قطع می‌کند ، و راه را بر گلوگاه شقی‌اش می‌بندد . و در یک کلام تا آنجا که به رسالت یک انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی مربوط میشود : کلیه نیروها را در جهت ضربه زدن به سلطه ، منافع و بالاخره موجودیت امپریالیسم بسیج می‌کند . و این انقلاب مستمری است که تا نابودی کامل نظام ضد بشری مزبور ادامه خواهد داشت .

به بیان دیگر از آنجا که در مقطع کنونی تاریخ ، تضاد اصلی حاکم بر جامعه بشری ، تضاد بین خلق ها و امپریالیسم است ، نیروها ، احزاب و رژیم‌ها بایستی در اردوی خلقها و همراه آنان با امپریالیسم جهانی (سرکردگی امریکا) در نبرد و ستیز باشند ، وگرنه احزاب حزب و افکار امپریالیسم و به موضع ضدیت با خلقها سقوط می‌کنند !!

ملاک حقانیت سیستمهای سیاسی در دوران ما

با توجه به توضیحات فوق اهمیت نوع برخورد با آمریکا (این پرچمدار جهانخواران) را درمی‌یابیم ، و به حق باید گفت که چگونگی این رابطه به بهترین وجه بیانگر درجه اصالت یک انقلاب و بطور کلی ست انقلابی هر سیستم و جریان سیاسی است . بعبارت دیگر هر جریان و سیستم سیاسی که بهتر بتواند با امپریالیزم مبارزه کند و به منافع و موجودیت آن شدیدتر ضربه وارد نماید ، از حقانیت ، ترقیخواهی و دینامیزم بیشتری برخوردار است . و برعکس هر نظامی که در جهت سازش و به اصطلاح تفاهم و دوستی با آن گام بردارد ، عناصر ارتجاعی و کهنگی ذاتی خود را آشکار می‌کند . و خبر از پوسیدگی و میرائی خود می‌دهد . این هم روشن است که وقتی جریانی پویائی و زندگی سیاسی خود را از دست داده باشد دیگر نمیتواند از پویائی و دینامیسم ایدئولوژیک و مکتبی او سخنی بمیان آورد .

برخورد نیروهای خلقی ایران با امریکا (درسالهای سکوت)

در جریان انقلاب اخیر ، خلق ما هر روز با پوست و استخوان دشمنی ها و ضربات آمریکا را درک می‌کرد . و به همین جهت شعله‌های خشم و کینه‌اش علیه این دشمن فروزان‌تر می‌گشت . و بی تردید هرچه زمان انقلاب طولانی‌تر می‌شد ، لبه تیز آن نیز بیشتر متوجه امریکا می‌گشت . و بدین ترتیب از اصالت و عمق بیشتری برخوردار می‌شد .

بدیهی است که برای سازمانهای انقلابی که از چندین سال پیش‌تر دست به نبردی قهرآمیز و مسلحانه علیه رژیم و حامیان امپریالیستش زده بودند ، نوع رابطه با آمریکا بطور عینی و علمی روشن بود . حتی بسیاری از عملیات انقلابی مستقیماً بر علیه آمریکایی‌های جنایتکار بود . من باب مثال : ترور ژنرال پراپس، سرهنگ هاوکینز و بطور کلی ست انقلابی اعدام جلادان آمریکایی و انفجار تأسیسات امریکائی که مبتکر و مجری آن هم عمده مجاهدین خلق بودند ، از افتخارات جنبش انقلابی ایران در سال‌های سکوت و خفقان محسوب می‌شود .

خلق ایران دشمن اصلی خود را بازمی‌شناسد

اما طی دو سال اخیر دشمنی آمریکا معرفت ما برای تمامی خلق ایران آشکار گردید . کما اینکه هرروز که به وحشیگری شاه خائن افزوده می‌شد ، حمایت اربابان آمریکایی‌اش هم غلیظتر میگشت . تا آنجا که بدنبال بزرگترین قتل‌عامهای رژیم دست‌نشانده (۱۷ شهریور ، حکومت نظامی ، دولت نظامی) ، آمریکا سریعاً مراتب پشتیبانی خود را از بازگرداندن نظم و قدرت به شاه خائن اعلام میکرد . اما مهمتر اینکه خلق ما به عینه می‌دید این توپ و تانک و هواپیما و مسلسل و تفنگ آمریکایی است که بدست شاه مزدور همه هستی او را تهدید می‌کند . و هر روز خون دهها و صدها بیگناه را بیاکترین فرزندان این میهن بوسیله گلوله‌های و مزدوران آمریکائی بر زمین ریخته می‌شود .

این حمایت‌های مادی و معنوی از رژیم شاه ، و در واقع از منافع خود آمریکائی‌ها ، نمی‌توانست از دید مردم ما پوشیده بماند . در نتیجه در همان شرایط ، نبرد مردم برای سرنوشت خود احتناب‌ناپذیر می‌شد (البته در صورتی که آمریکا بر حفظ شاه پافشاری می‌کرد) .

اما آمریکا علیرغم همه کوته‌بینی‌هایش که ناشی نظام طاغوتی و روبه افزایش می‌باشد ، این حقیقت را بخوبی درک می‌کرد که دیگر شاه نه تنها حافظ منافع او نیست ، بلکه بصورت یک تهدید جدّی درآمده است . و آتش خشم مردم ایران دیگر به شاه هم ختم نمی‌شود ، بلکه هستی اربابان او را هم خواهد سوخت !! لذا بایستی شاه را قربانی کرد .

موضع تردیدآمیز جناحهای حاکم در قبال امریکا :

بعد از سقوط رژیم شاه ، مردم ما بیشترین آگاهی و آمادگی را برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی داشتند . و گرمی انقلاب و جود آنرا قوت و تحرک می‌بخشید ، تا بقول خودشان " بعد از شاه نوبت امریکا " را تحقق بخشند . در مقابل این قاطعیت مردم ما سفارت و موضع دولت و دیگر جناحهای حاکم در برخورد با آمریکا مشخص و واحد نبود.

مثلاً " در موارد متعددی امام خمینی با تأکید بر ضرورت ادامه انقلاب و محو کلیه آثار و عوامل استعمار ، و اینکه " ما چه بسیاری به رابطه با آمریکا داریم " ، " آمریکا محتاج رابطه با ما است " ، " آمریکا از رابطه با ما سود می‌برد " ، و از این قبیل تمایل و جهت خود را ابراز کرده‌اند . اما از سوی دیگر مقامات و دیگر جناحهای حاکم هرگز با صراحت و قاطعیت بر ضرورت مبارزه ضد امپریالیستی (که طبیعتاً " قبل از همه دامن آمریکا را خواهد گرفت) ، انگشت نگذاشته اند . برعکس گاهی با حملات دوپهلو ، زمانی با دلجوئی ، از در تفاهم و دوستی درآمده‌اند . در مواردی صحبت از لغو یک قرارداد و بست " قراردادهای مفید " کرده‌اند . بعضی اوقات بر احتساب ناپذیربودن روابط حتی در زمینه‌های بسیاری ، سلحشاخی و ... به آمریکا تأکید نموده‌اند . مثلاً در روزنامه ۵۸/۲/۹ آیندگان چنین می‌خوانیم :

" سخنگوی دولت ایران ، ضمن امیرانتظام ، دعوت دولت از چند مستشار و تکنسین آمریکائی برای تعمیر و نگهداری وسائل پروازی هد از آمریکا و رژیم سابق را تأیید کرد .

این مستشاران عمدتاً " در زمینه ابزار الکترونیک و رادار متخصصاند . که

بقیه از صفحه ۶

آیا اساساً نمی‌شد انتخاباتی داشته باشیم که فاقد این اشکالات باشد!

بقیه از صفحه ۱

این طرز تفکر در اساس فاقد برنامه‌ای سیاسی برای تغییر جامعه میباشد . و تنها کار فرهنگی دراز مدتی را میتواند ارائه کند که در نهایت به آگاهی مردم منجر میگردد . افرادی که از این دیدگاه به مسأله برخورد کرده‌اند یقیناً " موضعی غیر فعال در جریان انتخابات داشته‌اند . منظور از موضع غیر فعال شرکت کردن یا نکردن نیست ، بلکه اساساً " این افراد از کنار این موضوع گذشته‌اند .

عده‌ای دیگر با آگاهی مردم را نادیده گرفته ، وهمه موارد اشکالات وانتقادات را مستقیماً " به مسئولین مملکتی و حزب حاکم بر میگردانند . اشکال این برخورد در این است که به ریشه وچگونگی انجام نقلیات نمیتوان رسید . راه‌حل صحیحی نیز برای مبارزه دراز مدت و کوتاه‌مدت با این نارسائیها نمیتوان ارائه داد . درنتیجه صاحبان این نظرگاه به برخورد های عصبی و گاه برخورد متقابل با مرتجعین و امثالهم خواهند پرداخت ، و چون بهیچ حال مسأله‌ای را نمیتوانند حل کنند ، به یأس و بدبینی کشیده خواهند شد .

جریان انتخابات بصورت یک جریان سالم و سازنده وهمچنین رشد دهنده آگاهی مردم درآید ؟

در این مقاله در صدد علت این موضوع نیستیم که آیا این سیستم حاکم میتوانست انتخاباتی سالمتر از این برقرار کند یا نه ، و تا چه حد این رفتار ملاً از ماهیت حزب حاکم میجوشد ، بلکه می‌خواهیم بگوئیم بر مبنای همین حد از آگاهی مردم چه کارهائی میشد کرد ، تا انتخابات این چنین آرام در نیاید . درجهٔ مردمی بودن سودهائی که یک سیستم برای ادارهٔ اجتماع بکار می‌گیرد، نه بیانگر مشروعیت و حقانیت آن سیستم میباشد.

یک جریان انقلابی با انتخابات چگونه برخورد میکرد؟

برای برگزاری یک انتخابات بالنسبه سالم میتوانست کارهای زیر انجام گیرد :

۱ ـ فاصلهٔ اعلام انتخابات تا روز رأی‌گیری بیشتر میشد ، تا امکان آموزش مردم در این مدت فراهم شود .

۲ ـ وزارت کشور ضوابط انتخابات را به رادیو و تلویزیون میداد ، و از آنها میخواست تا طی برنامه‌هائی آنها را آموزش دهند . مثلاً " درجریان انتخابات عموم مردم حتی نمیدانستند که تبلیغات در روز انتخابات ممنوع است .

آیا ضعف آگاهی مردم علت نارسائیهای انتخاباتی است؟

نقش عدم آگاهی و بهره‌گیری حزب حاکم :

ولی در بررسی واقع‌گرایانه ، موضوع بشکل دیگری بررسی میشود . درست است که عدم آگاهی مردم " مبنای " تقلبات و جوّ غیر دموکراتیک انتخابات میباشد . یعنی درست است که مردم اگر به حقوق واقعی یک انسان در جامعه آزاد و مردمی آگاه بودند ، هرگز اجازه این سوء استفاده‌های وسیع را نمیدادند ، بلکه فرد فرد مردم خود یک بازرس و ضابط برای رعایت حقوق اجتماع میگشتند . ولی عدم آگاهی خلقی که سالها در زیر یوغ استبداد پهلوی کمرش خرد گشته است وحالا تمامی اعتماد خود را نثار میکند ، این اجازه را به قدرت و حزب حاکم نمیدهد تا به هر وسیله‌ای و در هرجهتی از اعتماد و عدم آگاهی او استفاده کند . به عبارت دیگر عدم آگاهی توده‌های مردم علت بلاواسطه و مستقیم نارسائیها و تقلبات و سوء استفاده‌های انتخاباتی نیست ، بلکه اگر حزب و قدرت حاکم را بعنوان "شرط" حرکت اجتماع تلقی کنیم ، آنوقت تا آنجا که به سیستم ادارهٔ انتخابات مربوط میشود ، تمامی اشکالات وانتقادات و سوء استفاده‌ها به همان قدرت و حزب حاکم بر میگردد . اگر بیش از این گناه سوء استفاده ها و تقلبات را به گردن ناآگاهی مردم بیندازیم آنوقت هرکاری و حتی هرگونه خیانتی توجیه‌پذیر خواهد بود . بعنوان مثال اگر کودک خردسالی را بهاین علت که قدرت دفاع ندارد گرگ خورد ، آیا گرگ را نخواهند کشت ؟ و یا بطور مثال اگر درخانه‌ای بازبود و دزدی خانه را بتاراج برد ، ممکن است صاحب خانه را سرزنش کنند ، ولی دزد را نیز یقیناً " به کیفر گناهش خواهند رساند .

در رابطه با انتخابات هم سؤال این است که آیا تمام تقلبات وسوء استفاده‌ها و ... اجباری بود؟ یعنی سیستم حاکم نمیتوانست بگونه‌ای عمل کند که

۳ ـ حدود آزادی‌ها مرتباً بمردم تأکید میشد ، تا اگر عده‌ای بوسیله بلاکارت دیگران را پاره میکنند ، وبگویند آزادی است ، مردم بگونه‌ای درون جوش تاسع این کار شوند .

۴ ـ رسماً " اعلام میشد که نیروهای نظامی وشبه‌نظامی حق دخالت نظامی به نفع هیچ گروه وحزبی را ندارند. درنتیجه برخوردهائی بین پاسداران و افراد کمیته‌ها از یکطرف و مردم از طرف دیگر پیش نمی‌آمد .

۵ ـ ازکاندیداها خواسته میشد و امکانات رادیو تلویزیون کافی دراختیار آنها قرار میگرفت ، تا برنامه‌ها و نقطه نظرات خودشان را بگویند . باین طریق کمکی به انتخاب آگاهانه و آزادانهٔ مردم میشد . در جریان این انتخابات تعداد معدودی از کاندیداها نقطه نظر های خودشان را بیان کردند ، آنهم فقط با استفاده از امکانات مردمی . حزب برنده هم برنامه‌ای ارائه نداد .

۶ ـ برای مردم تشریح میشد که همانطور که همهٔ مردم امام را پذیرفتند، متقابلاً " امام هم متعلق به هیچ فرد یا حزب یا دسته بخصوصی نیستند . بنابر این سوء استفاده از جاذبهٔ مردمی امام ممنوع است . این کار را آگاهانه نکردند . فقط برای آنکه بعدها مسأله‌ای پیش نیاید ، روز انتخابات و موقعی که کار از کار گذشته بود ، رادیو چندین مرتبه اعلام کرد . اما درحوزه‌های رأی‌گیری آنها که باید به کار خود پایان دادند .

ممکن است اینطور بنظر آید که در شرایط کنونی جامعهٔ ما انتخاباتی با توضیحات فوق امکان ندارد . اگر در این نظر قاطع باشیم باین معنی است که حضور بنیادی امپریالیسم وارتجاع وابسته بآن مانع تحقق آزادی ارادهٔ ملت میباشد و بایستی فعلاً " مبارزه ضدامپریالیستی را ادامه داد . و تدوین قانون اساسی مردمی در این شرایط امکانپذیر نیست .

مجلس بررسی قانون اساسی

براستی فاقد نمایندگان طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است ؟

بقیه از صفحه ۱

انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است . مجلس که طبعاً نخواهد توانست چنانکه باید به حیاتیترین خواسته‌های توده انقلابی مسلمان درچهارچوب تدوین یک قانون اساسی اسلامی ومردمی پاسخ دهد .

حضرت امام :

استدعا داریم گمان نفرمایند که امضاء کنندگان نامه حاضر که بغایت درجه به سرنوشت وحیثیت انقلاب ومکتب و شخص خودشما عشق میورزند ، از این مطالب خدای ناکرده قصدکارشکنی وتلافی جوئی دربرابر عدم انتخاب خوددارند . خیر ، سوابق مبارزاتی درخشان تک تک مردگروههای ما آنچنان بر همگان روشن است که دامن جمیع آنها را از هرشائبهٔ مقام‌پرستانه منزه میسازد ، بخصوص که ما فرد فرد آنها را با خدا کثراً حاضر و اکراه به چنین نامزدی که از پیش بی نتیجه بودن آن روشن بود وادار نمودیم . علیهذا این تنها برنامه مصالح مکتب و انقلاب وخلق ورهبری است که ما را به نوشتن این سطور کشانیده است .

ازاینرو وظیفه خود دیدیم که مهمترین اصول ومواضعی را که بایستی درقانون اساسی آینده گنجانیده شود (ودربرنامه حداقل همه گروههای امضاء کننده حاضر ازمدتها پیش عنوان شده است) تحت موارد ذیل باطلاع آن حضرت برسانیم ، باشد که تحت رهبری وارشادات وسفارشات خودشما قانون اساسی داشته باشیم که مردم بویژه جوانان انقلابی بتمام وکمال از آن استقبال نموده واسباب سربلندی همه وبخصوص شخص شما در برابر خدا وخلق ونسلهای آینده باشد .

۱ ـ تأکید وتصریح بر محتوای ضد استبدادی وضد استعماری جمهوری اسلامی که بارها مورد تأکید آن حضرت قرار گرفته وطبعاً آگاهی حصول به جامعه‌ای فارغ ازهرگونه بهره کشی واستثمار خواهد بود .

۲ ـ فرم حکومتی دولت اسلامی نظام شورایی است . شوراها درتمامی دوایر وقسمتهای مملکت بایستی عهده‌دار مسئولیتهای مختلف گردند . برهمین اساس امور داخلی هرمنطقه بایستی بدون هیچ محدودیت تماماً توسیله شوراهای محلی مردمی همان منطقه وناحیه اداره شده وانتصابات محلی نیز زیرنظر وبه تائید شوراهای محلی باشد .

۳ ـ مبنای ارزش وحق بهره‌وری وتصرف درنظام جمهوری اسلامی تنها وتنها کار راست و لا غیر .

۴ ـ زمین ومحصول از آن کسی است که کار کرده وکشته است .

۵ ـ کارگران ودهقانان ایران ازهرگونه مالیات و پرداخت دولتی معاف بوده واز بیمه وبهداشت وتحصیل رایگان بهره‌مند بایدباشند .

۶ ـ زنان به لحاظ سیاسی واقتصادی با مردان متساوی‌الحقوقند .

۷ ـ تا مرز قیام مسلحانه آزادی همه احزاب ، جمعیتها و مطبوعات کاملاً تأمین ومحاکمات احتمالی آنها درحضور هیأت منصفه انجام میشود . کما اینکه بهر نحو تحت هرعنوان مخل آزادی های مزبور باشد باید کیفر ببینند .

۸ ـ هرنوع شکنجه به هر اسم وبهرعنوان مطلقاً ممنوع است .

۹ ـ جزدرموردجرائم شغلی ویژه نظامی ارتشیان ، هرگونه دادرسی درعهده دادگستری است وصلاحیت قضائیه را هیچ چیز دیگر محدود نخواهد ساخت .

۱۰ ـ حقوق حقهٔ ملیتها مبنی برتعیین واداره امور داخلی خوددرچهارچوب وحدت وتمامیت تجزیه‌ناپذیر جمهوری اسلامی محفوظ وازهرجهت به آنها اعاده خواهد شد .

۱۱ ـ ارتش ما یک ارتش اسلامی ، مردمی ، ضدامپریالیست وضداستبداد بایدباشد که درخدمت دفاع ازانقلاب وحقوق مستضعفان بوده ودردرون مرزهای ایران از هرگونه درگیری ممنوع شود .

ارتش مستقل وملی که عاری ازهر گونه وابستگی به قدرتهای خارجی بوده ومستشاران امپریالیست را هرگز بخود راه ندهد . وازاین طریق به سمت ارتش اسلامی که داوطلبی میباشد حرکت نماید .

۱۲ ـ ژاندارمری و شهربانی دریکدیگر ادغام شده و بعنوان ضابط عدلیه تحت اختیار وفرماندهی دادگستری قرار گیرند . درمورد فرهنگ ، سیاست خارجی ، دفاع ازحقوق کارگران ، رادیو وتلویزیون و محافظت ازتولیدات وبازار ملی نیزهریک ازگروههای امضاء کننده نقطه نظرهای مشخصی دارند که انشاء الله حضوراً معروض خواهد گردید .

حضرت آیت اله :

مجدداً امیدواریم با رعایت این نقطه نظرهای اسلامی و مردمی قانون اساسی ما شامل حداقلهای لازم گردیده واساس سربلندی وروسفیدی دربرابر تمام جهانیان ونسلهای آینده باشد . چراکه ما بیادهمهٔ شهدای گلگون کفن این میهن هیچگونه خدشه‌ای را به حرمت اسلام و حیثیت رهبری خوش نداریم . به همین دلیل خودرا موظف دیدیم که هیچ حقیقت اساسی را در مقابل شما کتمان نکنیم منجمله مبرمترین مسأله کنونی سیاست کشور مسأله ملیتها ومناطق کردستان ، گنبد ، بلوچستان و خوزستان است که متأسفانه تا کنون کمتر درایت وکفایتی در دستگاههای مسئول رسیدگی به این قضایا دیده‌ایم . بحدی که دیر نیست با دخالت ارتش یک فاجعهٔ ملی وجنگ داخلی سر بگیرد حال اینکه به شهادت تمام تاریخ این مسائل هیچگاه با دخالت ارتش وبقید خونریزی قابل حل نیست . وانگهی کدام ارتش است که در عین خونریزی وکشتار مردم بی پناه بازهم از مشروعیت برخوردار باشد . حال اینکه اگر با یک دیدگاه واقع گرایانه مردمی وانقلابی و اسلامی ، مسئله ملیتها نگریسته شود ، مشکل را میتوان بدون کمترین دخالت ارتش وقوای قهریه به جانب حق سوق داد . راه‌حل در قالب تمامیت ارضی خدشه‌ناپذیر جمهوری اسلامی وعاری از هرصبغه تجزیه‌طلبانه که بی تردید تمام نیروهای انقلابی نیز درمسیر آن بهرگونه کمک و همکاری آمادگی خواهند داشت .

با احترام

جنبش جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) جنبش مسلمانان مبارز ، سازمان اسلامی شورا (ساش) وسازمان مجاهدین خلق ایران

نقش امپریالیزم در روستاها

درحاشیه اردوهای آموزشی ـ عمرانی سازمان جوانان

در شماره‌های قبل گزارشهائی از اردوهای عمرانی ـ آموزشی سازمان جوانان در روستاها داشتیم و امیدواریم که بتوانیم در آینده نیز خوانندگان عزیز را در جریان کار دیگر اردوهایمان قرار دهیم.

در این رابطه آنچه ما را بر آن داشت تا به طرح موضوع فعلی بپردازیم، پاسخ به این سئوال است که ریشهٔ این همه نابسامانی در روستاها و انبوهه فقر و بدبختی چیست؟ این سئوالی است که بسادگی در یک گذار ساده از اوضاع روستاها به آن برمی‌خوریم. و ما در کنار گزارشهای فوق خود را ملزم دیدیم که به بررسی این مساله نیز بپردازیم. در هفته نامهٔ گذشته هم این مساله را با سئوال دیگری کامل کردیم. "آیا امکان دارد که بتوانیم بر مشکلات عظیم روستاها پیروز شویم؟ از چه طریقی؟" جواب این سئوالات را هنگامی درخواهیم یافت که هرچه بیشتر به ماهیت و عملکرد امپریالیزم، این دشمن اصلی تمام خلقهای جهان پی ببریم، و درک کنیم که برای جنبش خود چگونه به غارت و استثمار توده‌های مردم در کشورهای جهان سوم می‌پردازد و بالطبع روستاهای میهن ما که منبع بزرگی از نیروی انسانی و مواد طبیعی است. از اولین هدفهای این تجاوز بوده و هست. برای روشن شدن مطلب لازم است به بررسی سابقهٔ تاریخی مساله در ایران بپردازیم. اکنون بررسی خود را از قبل از سال ۴۲ آغاز می‌کنیم.

امپریالیزم انگلیس بوسیله اربابها روستائیان را مورد بهره‌کشی قرار میداد

ویژگی این دوره تاریخی حاکمیت فئودالها و زمینداران بزرگ و در رأس آنها دربار و شاه خائن بود. اینان با حاکمیت بلامعارض خود، از هیچگونه جنایت، دزدی، چپاول و زورگوئی ابائی نداشتند. اربابان معتقد بودند که باید با رعیت جوان یک برده رفتار کرد. و او را از اولین و ابتدائی‌ترین امکانات زندگی از قبیل حمام، مدرسه و ... محروم ساخت. و در صورت سرکشی، او را به زندان انداخت، شکنجه کرد، یا او مانند برده‌ای مطیع و رام فقط برای ارباب خود بودآور باشد. سر ارباب این بود که اگر کشاورز جان بگیرد دیگر اطاعت نمی‌کند!

در همان حال فئودالهای درباری، این نوکران دست به سینهٔ امپریالیزم انگلیس، با بهره‌برداری از امکاناتی که بهرهٔ خون ورنج هزاران روستائی بود، به زندگی اشرافی و مجلل خود در شهرها و یا حتی خارج از کشور مشغول بودند، و دستورات سیطانی و ضدانسانی خود را از طریق مباشرین و معاونین به اجرا درمی‌آوردند. وحتی بخش قابل توجهی از سهم رعیت را بعناوین مختلف بنفع مالک می‌گرفتند. در حالیکه سهم رعیت بسیار ناچیز و ظالمانه تعیین شده بود.

به لحاظ سیاسی، ریشهٔ ناپاک فئودالیزم بر کلیهٔ ارگانهای مملکت گسترده شده بود. مجلس بطور عمده در دست مالکین بود، و آنها با برگزاری انتخاباتی که فقط نامی از انتخابات داشت، و در حقیقت رایهای از قبل مشخص شده به صندوق ریخته می‌شد، در مجلس حائز اکثریت بودند. آوردن روستائیان با ارعاب و تهدید به پای صندوق انتخابات، از عادی‌ترین کارهائی بود که انجام می‌گرفت. شاه و دربار نیز وابسته به سیستم فئودالیزم حاکم بر ایران بودند. و مجریان بی‌ادعای دستورات ارباب بزرگ خود امپریالیزم انگلیس بسیار مترقی بود. و طبیعی بود که مورد تأیید و حمایت ارباب هم باشند.

امریکا روش جدید بهره‌کشی از روستائیان را به شاه خائن می‌آموزد

در اوایل دهه ۴۰ فقر وفشار بیش از اندازه به روستائیان، روستاهای ایران را آمادهٔ انفجار عظیمی کرده بود. وهر آن امکان انقلاب عظیم روستائی در ایران میرفت. از طرف دیگر امپریالیزم تازه‌نفس آمریکا تلاش داشت که با رشد سرمایه‌داری وابسته نفوذ ایران نفوذ خود را در کشور ما توسعه دهد و جای انگلستان را بگیرد.

آمریکا با تجربه‌اندوزی از انقلابات چین و کوبا بیش از پیش تلاش می‌کرد، با اجرای طرحهایی چون اصلاحات ارضی تضادهای حاصله در جامعهٔ روستائی ایران را تخفیف بخشد. ولی در این راه موانع انگلیس مانع اجرای این طرح بود. و مهمتر آنکه شاه و دربار نیز وابسته به انگلیس و فئودالها بودند. مبارزات آزادی خواهانه مردم در این سالها شاه خائن را بوحشت انداخت. او درصدد جلب نظر امریکا برآمد تا با کمک و حمایت آن جنبش مردم را سرکوب کند. سرانجام بعد از سفر شاه در سال ۴۰ به آمریکا و انگلیس، یک توافق جدید صورت تحقق گرفت. و شاه اجرای طرح آمریکائی اصلاحات ارضی را دراین به همکاری اعلام، فئودال بزرگ و غلام حلقه بگوش خود، بعهده گرفت. از این پس فصل جدیدی در تاریخ روستائی ایران آغاز شد.

مضمون اساسی تحولات آمریکائی و رفرمی که در دههٔ ۴۰ انجام گرفت عبارت بود از، جلوگیری از ظهور جنبش رهائی‌بخش انقلابی، و استثمار هرچه بیشتر و روستاها توسط سوروزاری وابسته به امپریالیزم جهانی و در رأس آن آمریکا.

وجود مناسبات تولیدی فئودالی، که در آن اکثریت توده‌های مردم تحت تسلط یک اقتصاد بسته و خودکفا قرار داشتند، جائی برای رشد سرمایه داری وابسته باقی نمی‌گذاشت. چرا که سرمایه داری وابسته نیاز به بازارهای مصرف و در نتیجه آب کردن کالاهای امپریالیستها دارد. و هم جنبش موفقیت آمیز یک ایران که در منطقهٔ حیاتی خلیج قرار گرفته، و ذخائر نفتی بیکرانی دارد و در معادلات جهانی قدرت، مهرهٔ ارزشمندی است. و باعث میشود که هرتحول انقلابی در آن، معادلات جهانی را تهدیداً بهم بزند. مجموعه این شرایط منجر به اجرای یک رفرم ارضی البته با محتوای ضدخلقی و ارتجاعی شد. نفس استثمارگر امریکا وقتی روشن‌تر می‌شود که هرگونه کمک به ایران را مشروط به اجرای رفرم ارضی نموده بود. نه تنها این باصطلاح اصلاحات، زمینداران به تنها ضرر ندیدند، بلکه با خرید سهام کارخانه‌ها در کنسرت سرمایه‌داران، دست خود را در استثمار و غارت خلق بازتر یافتند.

با رفرم ارضی روابط فئودالی تضعیف گردید. و جنبهٔ مسلط خودرا از دست داد. ولی نه تنها اوضاع واحوال روستائیان بهتر نشد، بلکه به لحاظ کشاورزی وضع بسیار وخیم‌تری پیدا کرد. و بدلیل نبودن امکانات کشاورزی و ضرر کردن کشت و کار، تورم و گرانی، نیروی کار روستاها مجبور به گریختن از روستاها و هجوم به شهرها میشود. و در شهرها به جنبل بیکاران آشکار و پنهان می‌پیوندند. بطوری که می‌بینیم پس از گذشت حدود ۱۵ سال ایران بصورت یکی از عمده‌ترین وارد کنندگان مواد غذائی و کشاورزی درمی‌آید.

بهرحال بعد از رفرم، استثمار غیر مستقیم سرمایه‌داری جای استثمار ساخته شدهٔ فئودالی را گرفت. و روستائیان می‌دیدند که سایهٔ اربابان برسرشان برداشته شده، و صاحب زمین شده‌اند، ولی هم‌چنان محروم وگرسنه‌اند مساله به اینجا هم ختم نمی‌شد. بلکه بعد از رفرم، سرمایه‌داری وابسته شروع به بردن کالاهای صنعتی به روستاها نمود، و به اشاعهٔ فرهنگ مصرفی در روستاها پرداخت. و این خود باعث از دست رفتن درآمد ناچیز آنها و یا حتی وام‌هائی گشت که در واقع از طرف بانک به آنها تحمیل شده بود.

فشار در روستاها به نهایت میرسد

رژیم برای تکمیل این استثمار دست به تشکیل شرکتهای تعاونی زد. شرکتهای تعاونی درواقع جای کمک ارباب به روستائی را گرفته‌اند. در اکثر موارد خرده‌مالکان، مرفه‌ترین روستائیان و مقربان سابق درگاه مالک درهیات مدیرهٔ شرکت تعاونی و نیز انجمن ده عضویت دارند. خوش‌نشینها یا فقیرترین قشر روستائی که فاقد زمین زراعی هستند، از عضویت در شرکت تعاونی محرومند. و باید نان بخور و نمیری را بشکل کارگر روزمزد کشاورزی در بخشی از سال بدست آورند. از آنجائیکه اکثر کشاورزان نمی‌توانند وام خود را به شرکت بپردازند، یعنی فاقد قدرت پرداخت هستند، روانهٔ زندانها می‌شوند. یا اینکه تمام دار و ندار خود را فروخته و وام خود را می‌دهند. و از شدت فشار روانهٔ شهرها شده، و بشکل کارگر روزمزد استثمار می‌شوند. طی سئوالات متعددی که از روستائیان کرده‌ایم، وقتی در رابطهٔ با نهادهای رژیم گذشته مثلاً با سازمان عمران روستائی و دستگاههای دولتی گرفته‌اند، اکثراً نارضایتی خود را از همکاری با آنها ابراز کرده‌اند.

مثلاً یک مرد کشاورز ۴۰ ساله که سالها کشاورزی کرده است، شش ماه بطور روزمزد ۱۰ تومان از سازمان عمران مزد می‌گرفت اما روزهائیکه کار نداشت مستمری نمی‌گرفت.

آن مرد روستائی اظهار می‌داشت، سازمان عمران سیب‌زمینی را برای کشت بذر کیلویی ۱۵ ریال با ما حساب می‌کرد ولی در موقع برداشت از بین کلیهٔ سیب‌زمینی‌های درجهٔ ۱و۲و۳ فقط درجه یک را برمی‌داشت و کیلویی ۳ ریال به ما پول می‌داد. تازه وقتی حساب می‌کنیم می‌بینیم پول برداشت ما برابر است با پول بذر سیب‌زمینی که کاشته‌ایم. و باید مخارج کود و سم و غیره را از جیب خود به عمران بپردازیم. یعنی یک مقداری بیگاری می‌شویم. ضمناً می‌گفت که ما رادیو را گوش می‌کنیم و برنامهٔ دهقان را می‌شنویم آنها دهقان را مسخره می‌کردند و هی می‌گفتند: رعیت آزاد شده، کجا رعیت آزاد شده؟ و ...

جهانخواران بین‌المللی در روستاها خود را نشان میدهند:

رژیم آریامهری به اینجا هم بسنده نمی‌کند و دست سرمایه‌داران داخلی و خارجی را در بهره‌برداری از این جوان نیز باز می‌گذارد. این سرمایه‌داران، شرکتهای کشت و صنعت تأسیس میکنند، که بهترین و حاصلخیزترین زمینهای کشاورزی را بقیمت بسیار پائین، و در موارد زیادی با ارعاب و تهدید می‌خرند. و به کشت محصولاتی میپردازند که مصرف داخلی ندارد. (نه عنوان مثال مارجوبه). و دهقانان بیکار شده را روی این زمینها به عنوان کارگر با حداقل مزد مشغول کار می‌کنند. و در نتیجه ثروت بیکران میهن ما و دسترنج کار برادران و خواهران روستائی ما را به جیب سرمایه‌داران جهانی و امپریالیستهای جهانخوار سرازیر می‌کنند. نمونهٔ آن صدها و هزاران هکتار از بهترین زمینهای کشاورزی زیر سد دز است که در واقع پول سرمایه داران آمریکائی است.

این است ره‌آورد امپریالیسم برای روستاهای ما. و این است که می‌بینیم در کشوری که روزانه دهها میلیون دلار روانهٔ جوانهٔ امپریالیستها و سرمایه‌داران داخلی و خارجی می‌کند، درآمد سرانهٔ روزانه در بسیاری از روستاهایش ۴ الی ۸ ریال است. یعنی یک روستائی تا این مقدار درآمد باید خوراک، لباس و همه چیز خود را تأمین نماید و خانواده‌اش را هم ارضاء نماید و ... حال چه انتظاری از اوضاع روستاها داریم؟ اینها همهٔ مسائلی است که در یک سفر به روستاهای اطراف میهن‌مان به سادگی خواهیم دید. اوضاعی که برادران ما در اردوهای عمرانی ـ آموزشی همه‌روزه با آن روبرو هستند.

بار می‌گردیم به این کلام زیبای علی (ع) که: "و ما اخذ الله علی العلماء ان لا یقاروا علی کظة ظالم ولا سغب مظلوم".

و ... خدا از روشنفکران پیمان گرفته است که گرسنگی مظلوم و سیری ظالم را تحمل نکنند و به مبارزه‌ای بی‌امان علیه هرگونه استثمار و ظلم و نابرابری دست بزنند.

آیا برای حل این مشکلات راهی به جز یک مبارزهٔ همه‌جانبه در زمینه‌های اقتصادی ـ اجتماعی ـ سیاسی علیه امپریالیسم وجود دارد؟

به امید محو هرگونه استثمار ونابرابری

پیش بسوی جامعهٔ بی‌طبقه توحیدی

باسلام.

(پاورقی ـ برای اطلاعات بیشتر راجع به اوضاع روستاهای ایران به کتاب "مطالعات روستایی در ایران" نوشتهٔ سازمان مجاهدین خلق مراجعه شود.)

****

****

بسم الله الرحمن الرحیم

بدعوت انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران نوادر مجاهد

مسعود رجوی

در شبهای ۱۹، ۲۰، ۲۱ ماه رمضان (نکته دوشنبه ۲۱ ۲۲ ۲۳ مرداد)

در ساعت ۹/۳ بعدازظهر، تحت عنوان:

حکومت علی و قانون اساسی دولت اسلامی

در مسجد دانشگاه تهران، سخنرانی میکند.

انا انزلناه فی لیلة القدر و ما ادریک ما لیلة القدر

روابط و نهادهای شورائی (قسمت چهارم)

نقش عملی شوراها در بالا بردن کیفیت مبارزه کارگران

دستاورد شوراها در زمینهٔ آگاهی‌های سیاسی ـ ایدئولوژیک کارگران

در شماره‌های قبل پس از بیان ضرورت تشکیل شوراهای کارگران کارخانجات به بررسی اهداف و وظایف شورا پرداختیم.

اکنون بدنبال قسمتهای گذشته، گوشه‌هائی از دستاوردها و عملکرد شوراها را در کارخانجات از زمان پیروزی انقلاب تاکنون می‌آوریم. با نفس این نهاد کارگری را در عمل ببینیم. ازقدرت کارآئی آن آگاه شویم. از یکطرف تکوینیم تا در گسترش این نهاد در سطح جامعه مؤثر باشیم. و از طرف دیگر در عمق بخشیدن و افزایش کیفیت آن گام برداریم.

دستاوردهای اقتصادی و رفاهی شوراها

راه‌اندازی کارخانه‌ها گامی در افزایش تولید

۱ـ شورای جهان چیت:

در زمینهٔ صنفی و رفاهی شورای کارخانهٔ جهان چیت اقدامات مفیدی انجام داده که نمونه‌هائی از آن را می‌آوریم

الف. افزایش حقوق کارگران: این افزایش از یکطرف شامل ازدیاد حقوق کارگران جمعاً به میزان ماهیانه یک میلیون و هشتصد و هشتاد هزار تومان (۱۸۸۰٬۰۰۰ تومان) شده است که بخشی از آن با جلوگیری از یک سری سوءاستفاده‌های مالی به مبلغ ۶۰ هزار تومان و کم کردن مبلغ ۵۴۰ هزار تومان اضافه‌کاری زائد در ماه، برای اضافه دستمزد فوق، تأمین گردیده است. و از طرف دیگر توزیع دستمزدها نیز جریان حقوق را بنفع کارگران دگرگون نموده است. بدین ترتیب که دارندگان حقوق کم تا ۱۲۰٪ و حقوق متوسط ۳۰٪ و حقوق بیشتر از آن ۱۰٪ به تناسب به دستمزدشان اضافه شده. به کسانیکه حقوق مکفی داشته‌اند هیچ اضافه نشده است. حقوقهای بیش از ۷۵۰۰ تومان نیز بنفع دیگران تا این حد کاهش داده شده. همچنین از بین بردن تبعیض‌های حقوقی بین افرادی که دارای سابقه کار یکسان و شغل مشترک هستند از دیگر اقدامات شوراست.

ب. تقسیم سود سالیانه: با فرمول جدید انبارکاری شورا، و بر خلاف فرمولهای وزارت کار سود سالیانه تقسیم گردید. چون با فرمول وزارت کارعده‌ای از کارگران پس از حسابرسی بدهکار هم می‌شدند.

ج. پرداخت حقوق از دست رفته کارگران زن، مانند حق اولاد، که در مواردی حتی بمدت ۱۹ سال پرداخت نشده بود. و بصورت پرداخت حقوق کامل برای ایام تعطیلی و مرخصی.

د. تقسیم عادلانه کار مناسب با نیروی جسمانی کارگران در حد متعادل، و استخدام ۱۳۰ نفر از کارگرانی که بجرم دفاع از حقوق کارگران اخراج شده‌بودند. حالت اینکه با توجه به اینهمه دگرگونی سریع تولید نسبت به گذشته بیش از ۵۰٪ افزایش یافته است.

هـ. نظارت بر امور داخلی کارخانه و شروع به اقدام برای ساختن بعداد ۳۰۰ دستگاه خانهٔ کارگری از دیگر کارهای شورا می‌باشد.

۲ـ شورای سیمان تهران ـ شمال

الف. از طریق کمیسیونهٔ فنی شورای کارکنان اقدام به راه‌اندازی واحد ۴۰۰۰ تنی جدید شده است. این واحد بعلت جدی نبودن سرپرست مربوطه راه‌نیفتاده بود. البته اشکالات بعدی که ایجاد شده، راه‌اندازی آنرا عقب انداخته.

ب. رسیدگی شورا بوضع ۱۰۰ تن سیمان در روز که کارگران شاغل میتوانند دریافت دارند. توضیح اینکه، کارگران در صورت احتیاج می‌توانند مجموعاً" روزی ۱۰۰ تن سیمان بقیمت تجاری خریداری کنند. در صورتیکه قبلاً" از طرف کارخانه با پارتی بازی این مقدار به افراد دیگری تحویل می‌شد.

بعد از این اقدام شورا، سهمیهٔ مزبور بدون دلیل قطع شده است، که شورا در تلاش برای برقراری مجدد آن است. در این کارخانه چنانچه ملاحظه میشود، تلاشهای ضدکارگری شورا را با مشکلات متعدد مواجه ساخته است.

۳ـ شورای بنزخاور

کارفرما یک نماینده با حق امضاء انتخاب کرده، ولی شورا وی را نپذیرفته است. در مورد اضافه حقوق، شورا روش تقسیم اضافه حقوق به نسبت عکس درآمد را جایگزین افزایش یکسان ۴۴۰ تومان به حقوقهای تا ۱۰ هزار تومان کرده است. با این حساب هرکس حقوقش کمتر است اضافه حقوق بیشتری دریافت می‌دارد. موقعی هم که کارفرما می‌خواسته بورسانتار را روی حقوق بکشد شورا آنرا رد کرده است.

۴ـ شورای اونیورسال

بین شورای کارگری با کارفرما درگیریهائی پیش آمده بود. برای حل اختلاف طرفین به دفتر آنها، بطالقانی مراجعه می‌کنند. اینان ضمن برخورد قاطعی با کارفرما، مساله را بنفع شورا و پرداخت سود ویژه بمبلغ ۶۰۰/۰۰۰ تومان به کارگران تمام می‌کنند.

عملکرد سیاسی ـ اجتماعی شوراهای کارگری

شوراها سنگر مقاومت در برابر جریانات ضدکارگری

۱ـ شورای جهان چیت

شورای جهان چیت در اسفند ماه گذشته با انحلال سندیکای فرمایشی تشکیل شد. شورا در اولین فرصت پرونده‌های موجود در دفتر حفاظت را که رئیس آن سرهنگ بصیری از ماموران ساواک بود ضبط کرد. از این طریق شورا موفق به شناسائی رابطین و عوامل ساواک در کارخانه شد.

۲ـ شوراهای وابسته به سازمان گسترش صنایع

شوراهای کارکنان کارخانجات وابسته و تابع سازمان موفق به تشکیل یک اتحادیه سراسری شدند. این اتحادیه که در ماه گذشته در تهران تشکیل شد در نوع خود بزرگترین اقدام سیاسی تشکیلاتی کارگران است. در گذشته راجع به اتحادیه و اساسنامه و فعالیت آن توضیح و به موضوعات مورد بحث در جلسات کنگره اشاره کردیم.

۳ـ سندیکای آزمایش

حتی کردن کارگرفریبی‌های کارفرما با افشاگری وسیع در میان کارگران. تا اینکه کارفرما در ابتدا با دعلکاری وابسته بود، طرح بعضی کارگران را جلب کند ولی بعد از آگاه شدن کارگران، وی مجبور به استعفا می‌شود. پس از استعفاء حساب بانکی وی بوسیله نمایندگان کارگران بسته شده، تا نتواند به سوءاستفاده‌های گذشته ادامه دهد. این سندیکا در عمل در حد یک شورای کارگری توانائی کار دارد.

(بقیه در صفحهٔ ۴)

ملی کردن سرمایه‌های عناصر وابسته در شهرک اکباتان

تنها راه حلی که شورای اسلامی کارکنان ارائه می‌دهد:

شهرک اکباتان یکی از بزرگترین پروژه‌های خانه‌سازی است که با سهام دارانی چون حسین دانشور آجودان کوری شاه، و عناصر وابسته به دربار پهلوی افتاده است. آنان با غصب زمینهای عمومی در جاده کرج و بهره‌کشی شدید از کارگران و چپاول دسترنج مردم محروم جامعه، و استفاده از روابط و امکانات دولتی در گذشته ساختمانهای شهرک را برافراشتند.

بعد از پیروزی قیام خونین مردم، این وابستگان به دربار سعی داشته و دارند در پناه حمایت برخی از کمیته‌ها و سپرتا بهره‌گیری از برخی عناصر سازشکار، شهرک و ده شرکت وابسته به آن مانند الکترولوکس، ساختمان مجدو... را مجددا به تصاحب درآورند.

کارکنان هوشیار شهرک با مبارزات مداوم خود این خواب و خیالهای شیرین سرمایه‌داران را آشفته میسازند. آنها که در حدود ۴۷۵۰ نفر میباشند، با تشکیل یک شورای عمومی ۷۸ نفره و شورای هماهنگی مرکزی ۸ نفره از نمایندگان واقعی منتخب خود یکی از فعالترین و متحدترین شوراها را سازمانده کرده‌اند.

در اتحاد و همبستگی آنان همین شاهد بس است که تا بحال عوامل کارفرما، ۳ کمیته برعلیه آنان ساخته‌اند، و در مقابل مبارزات آنها کاری از پیش نبرده‌اند.

آخر چرا باید بعد از آنهمه جانبازی و شهید دادن، حالا در حکومت جمهوری اسلامی هزاران کارگر ما همچنان در مشکلات بسیاری باشند که عوامل وابسته به دربار سابق بیشتر آن خوابیده‌اند؟ چرا شورای واقعی کارکنان شهرک اکبتان با بسی در جبهه‌های مختلف با کارفرماهای فراری، عوامل و طرفداران آنها در سیستم اداری و کمیته درگیر باشند؟ از طرف دیگر کارگران شهرک به زحمت نان شب خود و خانواده‌شان را تامین میکنند. و علیرغم آن تلاش میکنند تا شهرک از فعالیت نیفتد و به کار خود ادامه دهد. در چنین شرایطی حمایت مقامات رسمی از مالکیت سهامداران وابسته و فراری شهرک با نماینده‌های آنان چه مفهومی میتواند داشته باشد؟

راستی آیا وقت آن نرسیده که با ملی کردن واقعی این قبیل سرمایه‌ها تحت نظارت شوراهای کارکنان و مدیریت دولت به حقوق حقه کارگران رسیدگی شود. و علاوه بر مصادره ۴۵٪ سهام شرکت بقیه آن نیز ملی گردد.

نامه زیر که به امضاء شورای اسلامی کارکنان شهرک اکباتان میباشد. گویاترین دلیل بر ضرورت ملی کردن واقعی تمامی شهرک است.

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگاه ملت ایران و رهبر انقلاب

ما کارکنان شهرک اکباتان در مسیر انقلاب با تلاشهای فراوان از تعطیل شدن شهرک، که از خواسته‌های کارفرمایان ضد انقلابی آن بود، جلوگیری کرده، و به این ترتیب باری از بیکاران بعد از انقلاب که وبال گردن وزارت کار بوده برداشتیم ولی سهامداران عمده این شهرک یکی سام حسین دانشور با ۴۵٪ سهام قبل از انقلاب بار خود را بست و فرار کرد، و سهامش نیز بوسیله دولت مصادره شد، سهامدار دیگر این شهرک بنام گلزار با تمهید و حیله و اعمال نفوذ فراوان در صدد بازپس گرفتن خود برآمد تا بحال تلاشهای خود مجددا* حکومت جور را برقرار کنند. ولی بالاخره در مقابل خشم و انتقام کارگران شمشیر بدست مقاومت سیاورده و فراری گشت، به ما استفاده از بادی دینفوذ خود از ایران خارج شد. وی با نفوذی که داشت برادر خود بنام گلشنی را وکیل خود کرده و منتظر است تا بگیر و ببندهای حمایتکاران تمام شود و حمایات او نیز فراموش شود، آنوقت برای بهره‌وری از سرمایه‌های خود که شورخون مستضعفین است با فراغ بال به ایران برگردد.

... در ورا رتخانه‌ها بجای مصادره اموال گلزار و دستگیری برادر حمایتکارش که شریک جرم او نیز بوده، مالکیت او را محترم شمرده و این وکالتنامه را قانونی قلمداد میکند. و این در حالی است که ما کارکنان شهرک همه نوع مصقه را بجان پذیرا شده ایم، تا این پروژه با حداقل هزینه به اتمام برسد، و هر ماه برای حقوقمان کاسه گدائی به دست میگیریم.

آقای گلشنی برادر و موکل گلزار یکی از ساختمانهای این شرکت را که در شهرآرا واقع است با پرداخت رشوه‌های کلان به کارسازهای وابسته به چندین میلیون تومان میفروشد.

ما به اطلاع رهبر انقلاب و ملت ایران میرسانیم:

در جائیکه به کارگران ما فقط حقوق میدهند، و پول برای تهیه تدارکات نمیرسد، و به این جهت راندمان کار پائین است، محترم شمردن مالکیتهای کذائی خیانت به اسلام و مسلمانان است. فروش اموال شرکت بنفع گلزار حمایت از استعمارگران غاصب است و موجب کم‌کاری کارکنان این شهرک میشود. چون نمیخواهند همزمان با خائنین دیگر آب به آسیاب حمایتکاران بریزند.

لذا ما کارکنان شهرک با به مسئولیت ایمانی خود در مقابل امت اسلام و رهبر عزیز خود میخواهیم:

۱ - اموال گلزار بنفع مستضعفین مصادره گردد.

۲ - فروش ساختمان شهرک را با پس گرفته شود.

۳ - گلشنی دستگیر و به سزای اعمال خود برسد.

شورای اسلامی کارکنان شهرک اکباتان

۵۸/۵/۱۰

چگونه سرمایه‌داران وابسته، کمیته شهرک را در برابر کارگران قرار میدهند:

با همه اقدامات که کارگران و شورای شهرک در رابطه با وزارت خانه‌های مسئول انجام داده‌اند و مبارزاتی که طی چندماه اخیر با عوامل کارفرما داشتند، تلاشهای ضدکارگری از مجاری گوناگون همچنان ادامه دارد.

متلاً هنوز هم کمیته برای ضربه زدن به شوراهای واقعی کارکنان کارشکنی میکند. اکرامی رئیس کمیته بین کارگران شرک و کرد تبعیض قائل شده و تفرقه میاندازد. از کارگران مبارز با زجوئی کرده و یا به نمایندگان شورا ناسزا میگوید.

حتی بخود این اجازه را میدهد که در مقابل خواسته‌های بحق کارکنان تیربار آورده و یا شلیک هوائی کند. گویا نمیدانند که اگر با تیربار مشکلات حل میشد شاه خائن با توپ و تانکش خلال همه مشکلات بود.

عدم رسیدگی به خواسته‌های هزاران نفر از کارکنان شهرک طی چندماه اخیر، و تحریکاتی که علیه آنان و بخصوص برای از هم پاشیدن شوراهای عمومی و هماهنگی میشود، باعث شده، در تاریخ سه‌شنبه ۵۸/۵/۱۶ شورای مرکزی ضمن اعلام یک حرکت اعتراضی جمعی خواستهای زیر را مطرح نمایند.

کارکنان و افراد شهرک اکباتان در روز سه‌شنبه ۵۸/۵/۱۶ در محوطه شهرک مورد تهاجم افراد کمیته مستقر در شهرک قرار گرفته‌اند، و اهانت کلی به اعضاء شورا و نمایندگان قسمتها نموده، و حکم جلب نمایندگان شورا صادر نموده‌اند. و اینک با آنها برخورد میکنند.

... در ورا رتخانه‌ها بجای مصادره اموال گلزار و دستگیری برادر حمایتکارش که شریک جرم او نیز بوده، مالکیت او را محترم شمرده و این وکالتنامه را قانونی قلمداد میکند. و این در حالی است که ما کارکنان شهرک همه نوع مصقه را بجان پذیرا شده ایم، تا این پروژه با حداقل هزینه به اتمام برسد، و هر ماه برای حقوقمان کاسه گدائی به دست میگیریم.

آقای گلشنی برادر و موکل گلزار یکی از ساختمانهای این شرکت را که در شهرآرا واقع است با پرداخت رشوه‌های کلان به کارسازهای وابسته به چندین میلیون تومان میفروشد.

ما به اطلاع رهبر انقلاب و ملت ایران میرسانیم:

در جائیکه به کارگران ما فقط حقوق میدهند، و پول برای تهیه تدارکات نمیرسد، و به این جهت راندمان کار پائین است، محترم شمردن مالکیتهای کذائی خیانت به اسلام و مسلمانان است. فروش اموال شرکت بنفع گلزار حمایت از استعمارگران غاصب است و موجب کم‌کاری کارکنان این شهرک میشود. چون نمیخواهند همزمان با خائنین دیگر آب به آسیاب حمایتکاران بریزند.

لذا ما کارکنان شهرک با به مسئولیت ایمانی خود در مقابل امت اسلام و رهبر عزیز خود میخواهیم:

۱ - اموال گلزار بنفع مستضعفین مصادره گردد.

۲ - فروش ساختمان شهرک را با پس گرفته شود.

۳ - گلشنی دستگیر و به سزای اعمال خود برسد.

شورای اسلامی کارکنان شهرک اکباتان

۵۸/۵/۱۰

نتیجه فعالیت‌های کارگران

شورای کارکنان شهرک در ادامه فعالیتهای خود برای رسیدن به خواستهای کارگران و کارمندان در تاریخ ۵۸/۵/۱۷ با مدیریت شرکت و کمیته مرکزی مذاکره برداخت.

مدیریت شهرک که از طرف وزارت مسکن تعیین شده است به مهلت یکماهه شورا برای مصادره بقیه اموال و ملی کردن تمامی شرکت وعده مثبت داده است. هم چنین قول داده است که دیگر اکرامی را بعنوان رئیس کمیته شهرک برسمیت نشناسد.

هر چند که تا این تاریخ مقامات بالاتر کمیته مسئله برکناری اکرامی را تحت بررسی میدانند، شورای کارکنان برکناری وی را حتمی تلقی کرده و عملی غیرقابل برگشت میداند.

نتیجه، بگر مذاکرات وعده اخراج ۳ نفر با مذاکراتی که در مقابل کارگران بپا داری نموده‌اند، از طرف کمیته مرکزی میباشد.

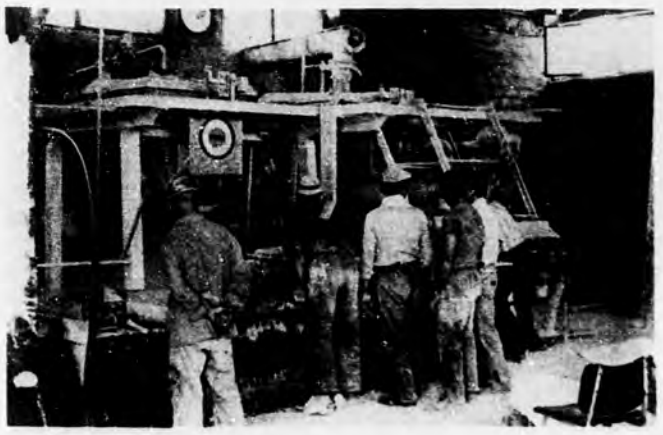

۱ - خروج فوری و بدون قید و شرط مسئول کمیته محمد اکرامی از شهرک بعلت نداشتن صلاحیت.

۲ - تشخیص و شناسائی افراد مهاجم و بازخواست از ایشان.

۳ - تصفیه قسمت حفاظت و کارگردن این قسمت زیر نظر کمیته انتظامات، منتخب شورای کارکنان شهرک.

۴ - موظف داشتن افراد شورا و نمایندگان قسمتها از هر جهت.

حل این مسائل بستگی به رفع نیازهای واقعی کارکنان بر اساس خواستهای اعلام شده آنان از روز کارگر تا حال دارد. بنابر این تا زمانیکه با ملی کردن تمامی شهرک و واگذاری اداره امور آن بعهده شورای کارکنان تحت نظارت دولت عملی نشود، و به نیازهای صنفی و سیاسی مواردچهارگانه زیر را خواستارند: کارکنان رسیدگی نگردد، نه تنها مشکلات حل نخواهد شد، بلکه روز بروز افزایش خواهد یافت.

هرگز فشاری اجتماعی روش خلی دارد، و راه حل روش مسائل شهرک اکباتان همین است.

ونیز امید است مسئولین شورا با قاطعیت از منافع کارکنان شهرک دفاع کرده و مسئولیتی را که عهده‌دار شده‌اند بخوبی انجام دهند. تا جائی برای اعمال صد کارگری عناصر سازشکار و ارتجاعی باقی نماند. در اینصورت مطمئنا "شورای عمومی و هماهنگی از پشتیبانی کارکنان پشتگرم خواهد شد.

نقش عملی شوراها در بالا بردن کیفیت مبارزه کارگران

بقیه از صفحه ۳

۴ - شورای کارخانه اوسورسال

یکی از افراد صفوی اجرائی اوسورسال بهمراه یک روحانی نماینده کارخانه میآید، با مشغول کار شود. نماینده شورا آنها را راه نمی‌دهد. بر اعتراض پیش از یک درگیری لفظی بار میگردند. پس چند نفر از کمیته محل می‌آیند، و ابتدا از نمایندگان شورا میخواهند که برای افتتاح کلانتری محل با آنها بروند. نمایندگان که می‌فهمند کاسه‌ای زیر نیم کاسه است، حاضر به رفتن نمی‌شوند. مامورین کمیته حکم جلب نمایندگان را رو می‌کنند. نمایندگان کارگران برای رسیدگی به مسئله به شهربانی تلفن زده و از طرفی کارگران را نیز مطلع می‌کنند. برخی کارگران به پشتیبانی از نمایندگان خود با آچار و پیچگوشتی و ... از راه می‌رسند. افراد کمیته مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند.

۵ - شورای ارج

شورای کارخانه موفق به دستگیری رئیس سابق حفاظت کارخانه و کشف اختلاسی بمبلغ ۲۸۰/۰۰۰ تومان میشود.

عملکرد فرهنگی شوراهای کارگری: آگاهی ایدئولوژیک و انقلابی

۱ - شورای جهان چیت

ایجاد کتابخانه، تشکیل کلاسهای ایدئولوژیک، و اجرای سخنرانی در قسمتهای مختلف برای آگاهی و آسائی کارگران با حقوقشان جزو کارهای کمیته فرهنگی شورا است.

۲ - شورای بوتان

گرامیداشت سالگرد شهادت دکتر علی‌شریعتی، و سالروز خلع بدار شرکت نفت ایران و انگلیس از نمونه‌کارهای فرهنگی شورا می‌باشد. این مراسم همراه با سخنرانی اساتید حلال گنجه‌ای و فرائت گزارش فعالیتهای انجمن اسلامی کارخانه بوتان بوده است.

۳ - شورای نوانیر

برگزاری یک سخنرانی در باره امپریالیسم و عملکرد آن، و تشکیل یک نمایشگاه عکس از شهدای انقلاب که به وسیله یک کارگر به شکل زیبائی نقاشی شده بود از اقدامات فرهنگی شورای نوانیر می‌باشد. این مراسم با شعار "انقلاب انقلاب پیروز است - آمریکا، آمریکا نابود است"، در میان استقبال گرم کارگران پایان یافت.

نکته قابل توجه: در زمینه نقش فرهنگی شوراها، باید زمینه فکری کارگران را برای استمرار مبارزه ضد امپریالیستی ارتقاء دهند. آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک آنان را برای شکل و سازمان یافتگی در مسیر انقلاب بالا برند. و دید درازمدت آنان را برای استقرار جامعه بی‌طبقه توحیدی و نفی استثمار انسان از انسان جهت دار سازند. بلحاظ ایدئولوژیک جامعه بی‌طبقه توحیدی مضمون اجتماعی اهداف مکتبی کارگران می‌باشد. و راه وصول به آن در این مرحله از انقلاب خلق ما از یک مبارزه قاطع با امپریالیسم و نفاق پوسیده آن عبور می‌کند. در این انقلاب و در راه تحقق اهداف بلند مدت مکتب توحید کلیه زحمتکشان بخصوص کارگران نقش اساسی بازی می‌کنند. و از نظر تاریخی کارگران باید با کسب آگاهی لازم، آمادگی خود را برای قبول رسالت اجتماعی شان بالا برند - **تامین تحقق آرمانهای توحیدی**

در سومین نماز جمعه، اسناد محمدی شمسری:

صراحت، اعتماد و وحدت ضامن پیروزی انقلاب

● همبستگی خلقهای ایران و فلسطین پیروزباد

همه فیل نمایندگان جنبش خلقهای ایران و فلسطین، آیت‌الله طالقانی و برادر هاشم الحسن، در نماز فلسطین بودند و امروز (جمعه) قلب مردم مادر دانشگاه تهران با شعار پیروزی خلق فلسطین می‌تپید.

شعارهائی چون "نورد توره حتی النصر" (انقلاب انقلاب تا پیروزی)، امریکا، صهیونیسم دشمن مستضعفین و نکته جمعی پس شوی وجد... فضائی از خشم علیه صدامپریالیستی - ضد صهیونیستی را با کلام خدا در هم می‌آمیخت. و ایمان آیات قرآن بصورت واقعی ضد استبدادی و ضد استعمار را خود را که در این شرایط لازمه وحدت نیروها است می‌یافت.

سخنرانی استاد محمدی شمسری بار بار در همه، بدور از کلی گوئی، رهنمودهای سیاسی و ملموسی به مردم میداد. یک سال گزارشهائی که از دو نماز جمعه اول و دوم داشتیم، بخصوص و محتوای سخنان استاد شمسری را در موضع شعار وحدت می‌آوریم.

انحصار طلبی به اعتماد مردم لطمه میزند

در این شرایط که امپریالیسم و صهیونیسم و عوامل ضد انقلاب روز به روز بر علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند، بایستی در جهت جلب اعتماد مردم نسبت به رهبری و نیروهای سیاسی و بالعکس حرکت کرد. و اعتمادی اصولی را پایه ریخت، نه اینکه با تخلیه‌های گوناگون مردم را فریفت. مگر چند بار میتوان مردم را دروغ گفت. یکبار، دوبار، ولی بار سوم مسلما" دیگر آن گروه ما همیشه رو میشود، و لو اینکه خود را در پشت چهره‌ای اسلامی هم پنهان کند، نمیتواند روی اعتماد مردم حساب کند. آن چیزی که بنام اسلام با اعتماد توده‌ها ضربه بزند، به اسلام، به وحدت مردم و به وحدت ضربه زده است.

برای حفظ وحدت بایستی با مردم صریح بود.

انبیاء در طول تاریخ یکه و تنها، ولی با بیانی صریح، پاک و صادق، اعتماد توده‌های مردم را جلب کردند. و به اتکای همین اعتمادها نظامهای فاسد حاکم را سرنگون نمودند.

خلق فلسطین با صراحت و وحدت خویش احترام و اعتماد تمامی جهانیان را برانگیخته است. تا آنجا که در هفته آخر ماه رمضان، قهرمان امام تمامی مسلمین جهان، هفته قدس را برگزار میکند. و ما بایستی با برگزاری هرچه پرشکوهتر این روزها، همبستگی و احترام خود را نسبت به خلق قهرمان فلسطین نشان دهیم.

در اردوگاههای فلسطین ارتجاع بزرگ سنی و برخی طلبی‌های انحصار طلبانه جریان نیست. آنجا جائی نیست باید صفحه تاریخ بنگارد. خلقی متحد رزمندگی و مبارزه آنان بما درس صراحت، اعتماد و وحدت می‌آموزد.

بقیه در صفحه ۷

"مردم و مجاهدین"

امیدواریم با انتقادات و پیشنهادات خود ما را یاری دهید

با انتشار اولین شماره‌ی نشریه مجاهد، نامه‌های زیادی دریافت کردیم. حاوی تشویق‌ها، انتقادات، سئوالات، اشعار و مقالات و پیشنهادات.

اینها همه مایه دلگرمی ما است، ولی برای ما نامه‌های حاوی انتقادات و پیشنهادات، ارزشمندترین و تشویق‌آمیزترین نامه‌هاست، چرا که برادر یا خواهری که به ما انتقاد می‌کند و یا پیشنهادی طرح می‌کند، آنقدر به سرنوشت مجاهدین و نشریه مجاهد علاقمند است که می‌خواهد در "بهتر شدن" و "ارتقاء آن" شرکت کند.

امیدواریم بیش از پیش با "انتقادات" و "پیشنهادات" خودمان را یاری دهید. درست بهمین دلیل سعی خواهیم کرد این ستون در درجه اول منعکس‌کننده انتقادات و پیشنهادات شما باشد. البته انتقادات عمومی‌ای که طبعاً در حد گنجایش همه نامه و سوال خودمان باشد. ولی بدون شک سعی خواهیم کرد کلیه انتقادات شما را بدقت مطالعه کنیم و آنچه را که وارد می‌بینیم در رشد کمی نشریه خودمان بکار بگیریم و بدین سان سیاس و پاسخ عملی را بعدیمان کنیم.

امیدواریم با گسترش این ستون نشریه، بیش از پیش منعکس‌کننده، نظرات، مقالات و اشعار شما برادران و خواهران باشیم.

ـ درباره قیمت نشریه

برادری ضمن بررسی بعضی آگاهی‌کننده نشریه مجاهد و یادآوری این نکته که نشریه، سرمایه‌ای که بخاطر بهروزی مستضعفین مبارزه می‌کند باید دارای شرایطی باشد که بدست طبقات کم‌درآمد برسد، از قیمت نشریه انتقاد کرده و پیشنهاد کرده بود که یک‌شماره مجاهد ۱۰ ریال فروخته شود.

در این مورد باید یادآور شویم که یکی از شیوه‌های فشاری که بر ما اعمال میشود رمیده مالی است. ما بسیار مایل بودیم که قیمت نشریه را به حداقل ممکن تقلیل دهیم. ولی در شرایطی که حتی برای پاریس گرفتن کوچکترین امکانات مالی که ما در زمان طاغوت و در جریان مبارزه صدد یکنانوری بدست آورده‌ایم، بیشترین فشارها برما وارد میشود. وحتی ساده‌ترین وسائل موجود در ساختمان حبس بتدریج پاریس گرفته میشود و عملاً منبع مالی جز حمایت‌های صادقانه توده‌های حامی سازمان نداریم، تصدیق می‌کنید که توان تحمل هزینه مستمر و همگی تقلیل قیمت نشریه را نخواهیم داشت.

به امید آنکه حمایت‌های همه‌جانبه خواهران و برادران، ما را از مضیقه مالی برهاند، تا بتوانیم امتیازات خود را با شرایط سهل‌تری در اختیار توده‌ها قرار دهیم.

ـ درباره خبر حمله به مسجد جامع خرمشهر

خواننده‌ای در مورد نحوه نقل این خبر در نشریه انتقادی داشت که عیناً دکر میشود:

"... برادران در شماره اول نشریه مجاهد صفحه ۷ در مورد خبر حمله به مسجد جامع خرمشهر و وقایع آن شهر خبر را عیناً مانند خبری که در آیندگان و پیغام امروز و ... چاپ‌شده بود منتشر کردید. چون واقعیت اینست که عده‌ای مزدور به مسجد جامع حمله نموده و تاریخک به مسجد پرتاب می‌کنند، که عده‌ای هم شهید و زخمی می‌شوند. و کاری که حتی آریامهر جلاد هم مرتکب آن نشده بود، انجام می‌دهند. ولی شما نوشته بودید "بدنبال انفجار تاریخک در مسجدی در خرمشهر"! در صورتیکه این مسجد حمله شده بود. و شما، یعنی دائم از "یک درصدی‌ها" حساب می‌برید و از آنها وحشت دارید که اخبار را بنفع طبع آنها منتشر می‌کنید! با اینکه این موضوع را باور ندارید که به مسجد حمله شده، اگر شق دوم را قبول دانسته باشید وای به حال ملت مسلمان که مساله گروهی از مبارزین مسلمانش جعلی باشد.

درباره مشکل بودن زبان نشریه مجاهد برای کارگران

نامه‌هائی داشتیم از برخی برادران و خواهران که از مشکل بودن زبان نشریه برای کارگران و یا افرادکم‌سواد انتقاد کرده بودند که یکی از آنها را عیناً نقل میکنیم:

"... این سخن یک کفاش از یکی از بخشهای ایران است نشریه مجاهد را مطالعه کردم ولی باید بگویم فکر نکنم شما با دیگر ارگانها، روزنامه‌های خودشان را اختصاص به قشر خاصی از جامعه داده باشند. مثلاً نمیتوانید بگوئید که نشریه ما، فقط اختصاص دارد به روشنفکران. در اولین نشریه سازمان مجاهدین خلق فکر کنم انتقادها و پیشنهادها از همه جا سرازیر شده و یا میشود چرا؟ و به چه علت؟ روزنامه و یا هفته‌نامه باید همگان فهم باشد. همه اقشار از آن استفاده کنند. و قابل درک باشد من که یک کارگر هستم باید بفهمم که مطلب شما چه میگوید آنقدر پیچیده مطلب را بیان کرده اید که برای افرادی از دیپلم به پائین قابل فهم و درک و برداشت صحیح نیست..."

در این مورد باید یادآور شویم که سعی شود نشریه را بشکلی منتشر کرد، که چه بلحاظ محتوی و چه بلحاظ زبان نشریه نیازهای تمام اقشار و طبقات را یکجا برآورد. و بهمین علت در غالب مواردسازمانهای انقلابی، با بوجودآوردن ارگانهای ویژه، نشریات خاصی نیز برای اقشار مختلف اجتماعی منتشر میکنند، تا بتوانند پاسخگوی نیازهای فرهنگی و سیاسی جامعه باشند.

لیلة القدر یا مرحلهٔ جهش

برداشتی از سورهٔ "قدر" و تفسیر "شب قدر"

بمناسبت شبهای پرارج ماه رمضان

بقیه از صفحه ۱

از مفاهیم و مقولات بسیار ژرف و انگیزنده است. قدر و تقدیر به معنی اندازه و اندازه‌گذاری از جمله این مقولات ارزنده می‌باشد. جالب اینست که قرآن در هر موردی که یکی از این مفاهیم یا مقولات بسیار مهم اشاره می‌کند، اهمیت آن را با جمله "وما ادریک ما..." تاکید می‌کند. مثل: "وما ادریک ما العقبه" (و چه میدانی که عقبه چیست) و یا در این سوره: "وما ادریک ما لیلة القدر" (و چه میدانی که شب قدر چیست) و امثالهم. و این نشان آنست که مطلب فوق‌العاده مهم و حیاتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اکنون در این سوره ضمن چند آیه بسیار کوتاه مسئله و مقوله "قدر" (که سوره سر بهمین نام نامگذاری شده) مطرح گردیده است، و ما درصدد آنیم که برداشت‌های انقلابی خود را در این مورد منطبق با فرهنگ اصیل توحیدی قرآن باختصار هرچه تمامتر در اینجا ارائه دهیم.

قبل از ورود به اصل مطلب شایسته است از تفسیر آیت‌الله طالقانی از سورهٔ قدر سر که راهگشای ما در این مورد بوده است و از هرجهت خواندنی است نام ببریم.

توضیح قدر بعنوان هم ریشه قدّر

پیش از ورود به بحث "قدّر" بی‌مناسبت نیست ابتدا مختصری درباره "قَدَرْ" (قضا و قدر) که با این کلمه هم‌ریشه است توضیح دهیم تا ریشه مشترک هر دو بحث روشن گردد.

با اعتقاد به آزادی اراده نوع انسان که یک اصل اجتناب ناپذیر انسان شناسی توحیدی است، تفاوت کیفی عظیم میان برداشت انقلابی قرآن از مساله "قضا و قدر" با استنباط عامیانه و جبرگرایانه از این موضوع وجود دارد. در استنباط جبرگرایانهٔ مطلق از "قضا و قدر" آزادی و حریت ذاتی نوع انسان و اینکه انسان می‌تواند باذن خدا (با استفاده از سنن و قانونمندیها) جبرهای کور را شکسته و طبیعت و جامعه و خودش را مطابق آنچه که می‌خواهد (البته بطور نسبی و مرحله‌ای) نظم و سامان دهد، فراموش می‌شود. بدین ترتیب انسان پیوسته غلام و اسیر و بندهٔ جبرهای کور غریزی، طبیعی و اجتماعی است و هرگونه قدرت و توانایی را برای سمت‌دادن آنها بجانب مطلوب فاقد است. بنابراین بایستی اساساً بنشیند و صبر و انتظار تسلیم للبسانه پیشه کند. پیداست که این استنباط که در بطن خود مسئولیت و وظیفه‌مندی فرد انسان را منکر است، یک استنباط شرک‌آمیز می‌باشد که انسان را در جهانی کور و بی‌مقصد، بله و رها و بلاتکلیف تلقی می‌کند. تجسم عینی این طرز تفکر در توده‌های تحت‌ستم اسلام، اثاثه‌پرستی است. آنان با استناد صوری به برخی از آیات قرآن، مانند آیهٔ "ما رمیت اذ رمیت" (سورهٔ انفال ـ تو نبودی که تیر می‌انداختی بلکه خدا تیر می‌انداخت) جبرگرایی کور و شرک‌آمیز خود را توجیه می‌کردند. آنها نمی‌دانستند که درمتن همین جمعبت‌ها و تقدیرات و ضرورتهای اجتناب ناپذیر آفرینش، آدمی بطور نسبی صاحب اختیار است. بطوریکه در عین انقیاد به ضرورتها و قانونمندیها، پیوسته بر توانائی و اقتدار جبر شکننده انسان تصریح داشته و اصولاً "انقیاد به جمعیت و قانونمندی و اندازه‌گذاری را از این زاویه مطرح می‌سازد که انسان را پس از پیش به مقابله انقلابی با نابسامانیها و تغییر دنیای کهنه به سوی نو تشویق کند.

این تذکر را در ابتدای ورود به تفسیر سورهٔ قدر از این جهت لازم شمردیم که از همین اول مرز دیدگاه توحیدی خودمان را از استنباط عامیانه شرک‌آمیزی که بر مبنای آن "در شب قدر خدا وضع همه جبر را روشن و مشخص می‌کند"، جدا کنیم. همان استنباطی که حایل مهمی میان توده مردم ما و ادراک انقلابی واقع‌گرایانه از قرآن است. متاسفانه هنوز هم توده مردم ما رسوبات یک اسلام ستمگرای طبقاتی و جاهلی را که در طی سالیان دراز جهل و بندگی و تحریف، شکل گرفته است، یدک می‌کشند. چنانکه می‌دانیم در فرهنگ عامیانه شب قدر را اینطور تفسیر می‌کنند که "در یکی از شبهای ماه رمضان که ضمناً شب نزول قرآن هم هست خدا سرنوشت و تقدیر همه کس و همه چیز را تا سال بعد معین می‌کند... سرنوشتی که هیچ گریزی هم از آن نیست..."

روایات و اخبار متعددی که بر اهمیت این سوره تاکید دارند و از جمله سفارشاتی که در مورد قرائت این سوره بهنگام وضو گرفتن و یا هنگام افطار شده، اهمیت مطلب را (در هر جهت که تفسیر شود) بالا برده است.

اکنون سعی داریم با مدد گرفتن از یک فرهنگ توحیدی خالص و انقلابی تا جائیکه برایمان امکان دارد معنی "قدّر" را بزبان ساده تشریح کنیم. روش برداشت و تفسیر ما از قرآن همان روش منقی تفسیر شیعه و ائمه است که "تفسیر قرآن بوسیله و با کمک خود قرآن" نامیده می‌شود.

۱ـ شب قدر منحصر به یک شب نیست

چنانکه از روال و معانی آیات سوره پیداست، شب قدر بطور انحصاری فقط همان شبی که قرآن در آن نازل شده نیست. چرا که قرآن خود در یک شب قدر نازل شد، به اینکه منحصراً "موقع نزول قرآن" شب قدر نامیده شده باشد. بعبارت دیگر در حالیکه شبانگاه نزول قرآن بطور اخص یک شب قدر بوده، لیکن شب قدر بطور اعم نیز مطرح است. یعنی سلسله شبهایی که یکی از آنها به نزول قرآن تخصیص یافته است.

۲ـ شب به معنی مرحله بکار رفته است

معنی دقیق "شب قدر"، "مرحله قدر" است. اگرچه قرآن بزبان ساده آنرا با کلمه "شب" خاطرنشان می‌نماید. به عبارت دیگر هیچ لزومی ندارد که کلمه "شب" را دقیقاً به شبانگاه تعبیر نمائیم. کما اینکه در بسیاری موارد دیگر نیز شاهد هستیم که منظور قرآن فی‌المثل از کلمه "روز" (یوم)، نه یک روز خورشیدی بلکه یک "مرحله" یا "زمان" و "گاه" و "قدم" مورد اشاره است. بعنوان مثال وقتی در فرهنگ قرآن به واژهٔ "یوم الفصل" (زمان جدائی و گسست از مرحله‌ای به مرحله دیگر) برخورد می‌کنیم و یا وقتی در سورهٔ معارج از "روز" ی صحبت می‌شود که مقدار آن پنجاه هزار سال است و یا وقتی در سورهٔ یونس اشاره میشود که خدا آسمانها و زمین را در ۶ روز آفرید، معلوم است که منظور ۶ روز خورشیدی نیست و بلکه ۶ گاه یا مرحله است.

۳ـ مرحلهٔ قدر سرفصل کیفی حرکت پدیده‌ها

نخستین نشانه‌ای که خود سورهٔ قدر از معنی قدر بما میدهد اینست که شب یا مرحله قدر از هزار ماه گزیده‌تر و بهتر است. باین معنی که بعد از تاکید روی اهمیت قدر (و چه میدانی که شب قدر چیست؟) چنین تشریح شده که مرحلهٔ قدر از همهٔ آنها گزیده‌تر است. مرحله‌ای که علی‌القاعده با تمامی فرجام یا سرفصل مسیر تحولات چندین ماهه را (که به عدد کثرت هزار خاطرنشان شده) در برداشته باشد. بنابراین مرحلهٔ قدر آن مرحله و نقطه‌ای است که مشخص یک سرفصل کیفی در مسیر حرکت و تحول پدیده‌هاست. مرحله‌ای که سرانجام یک نیروی مراحل قبلی و سرآغاز یک نیروی مراحل بعدی است که ضمناً "در چارچوب کلی تقدیرات و ماهیت پدیده‌ها صورت می‌گیرد.

۴ـ در مرحلهٔ قدر کلیت هر امری مشخص میشود

نشانه بعدی که از قدر در این سوره بدست داده می‌شود اینست که در آن مرحله ملائکه و روح باذن پروردگار تکامل بخش خود، کلیت هر امری و یا کل امور را فرومی‌آورند. "ملائکه" مطابق تفسیر آقای طالقانی همان مبادی و مبانی قوا نیروهای طبیعی و هستی می‌باشند. در مورد "روح" بخاطر پیچیدگی مطلب و نیاز به شرح و بسط مفصل آن (برای پرهیز از انحرافات مبتذل ادیان شرک‌آمیز و مکاتب نوین) فعلاً از تفسیر آن صرفنظر می‌کنیم و آن را به بحث مبسوط‌تری وا می‌گذاریم. همین قدر باید متذکر گردید که در رابطه با بحث حاضر آنچه بسیار روشن‌کننده است اینست که مرحلهٔ قدر مرحله‌ای است که مبادی و مبانی قوا و روح و جوهر و جان مایه امور و پدیده‌ها در آن فروفرستاده و معین می‌گردد. به عبارت دیگر این سرفصل تغییرات کیفی نقطه‌ای است که در آن مطابق اذن خدا (که همان نوامیس و قانونمندیهای نظام خلقت باشد) نیروها و مبادی قوای طبیعت و خلقت، روح و جوهر و طبیعت هر شیئی و بالاخره "کل امر" با کلیت مسیر حرکت پدیده‌ها و اشیاء را معین و مقرر می‌سازند.

۵ـ در جهان بینی توحیدی "تضاد" در دامن "وحدت و سلام" معنی و موجودیت پیدا می‌کند

آخرین نشانه و رهنمودی که در این سوره از مرحلهٔ قدر بدست داده شده این است که: آن، سلام است تا گاهی که سپیده دم برآید.

"سلام" این شعار رسای توحیدی واحد آنچنان معنای ژرفی است که بی‌مبالغه می‌توان گفت که یک جهان معنی و فلسفه توحید را به نهایی در خود دارد. توضیح اینکه در جهانبینی توحیدی که وجود را با مقصد و معنا تبیین می‌کند جوهر حرکات و تضادهای عینی، سلام و وحدت است. در این جهان بینی، وحدت هدف مبارزه اضداد و تضاد وسیله نیل به وحدت و یگانگی و سلام است. بنابراین در جهانبینی توحیدی "تضاد" در دامن "وحدت و سلام" معنی و موجودیت پیدا می‌کند. اصالت هستی نشانه از آن سلام و وحدت است که سمت حرکت و حل تضادها را نهایتاً مشخص می‌دارد. یعنی که اگر نبود، جهان در تاریکی ابدی کشاکش اضداد فرو می‌رفت و هستی از هر مقصد و معنائی تهی میشد. لیکن فلسفه سلام و وحدت همچون سپیده دمی است که رساننده پیام روشنایی و نجات و رستگاری است. یک روشنایی هستی‌شناسانه که در پایان هر شب تیره و تار دمیدن فجر صادق را بطور حتمی وعده میدهد. سپیده دمی مبین آشتی و سلام و صلح و جاودانگی که جان مایه و روح از پیش دمیده شده همه هستی و اشیاء و امور است. نهایتی مشخص که در ورای همهٔ کشاکشها و فراز و نشیب‌ها و جنگ اضداد رخ می‌نماید. انتهای خط تضادها، همان آغاز سلام و وحدت جاودانهٔ فردوسی است که بخوبی در این پیام قرآنی ترسیم شده است. "ادخلوها بسلام آمنین" (بدان وارد شوید با سلام و باکمال ایمنی). کما اینکه می‌بینیم در وصف فضای بهشتی جهان اخروی در قرآن آمده است که: "تحیتهم فیها سلام..." (تحیت و زنده‌باد گوئی آنها در آن، سلام است). چراکه "زنده‌باشی" (با جنبه شاهی) کفش ما در این جهان، بدان خاطراست که زندگی و آسودگی پیوسته در معرض تضادهای اجتناب‌ناپذیرشان یعنی مرگ و جنگی است. لیکن در جهان برترینی که بنا بر آیات سورهٔ محمد، آشوبی و کهولت و تضاد را در آن راهی نیست (آب نمی‌گندد و طعم آن تغییر نمی‌کند) همه تحت‌ها به سلام و آشتی و صلح جاودانه ارتقاء می‌یابند.

ناتمام

مراسم تجلیل از مجاهد شهید سعید صفار

توطئه‌هائی که از ناحیه مرتجعین بر علیه انقلابیون مسلمان و مجاهد صورت میگیرد محکوم است.

یکشنبه شب هفته گذشته ۱۴ مرداد بمناسبت هشتمین سالگرد شهادت مجاهد شهید سعید صفار مراسم تجلیلی از طرف خانواده وی، در منزل آن شهید برپا گردید در این مراسم که با تلاوت آیاتی چند از قرآن آغاز گشت، ابتدا شرح زندگی انقلابی شهید سعید بوسیله خواهرا و خوانده شد. سپس پیامی از جانب انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران قرائت گشت. همچنین در این مراسم پیامی از سوی بازماندگان کمیته نجات (واقع در خیابان منیرالدین شهید) بوسیله یکی از برادران باسدار قرائت گردید. در این پیام ضمن تجلیل از خاطره مبارزات پرشور و جانفشانی مجاهد شهید سعید صفار، از دستاوردها و تلاشهای جوشان شهدای مجاهد در مسیر احیاء اسلام انقلابی قدردانی بعمل آمد. در همین پیام ضمن تاکید بر ضرورت مبارزه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع، توطئه‌هائی که از ناحیه مرتجعین بر علیه انقلابیون مجاهد و مسلمان صورت میگیرد، محکوم گردید. سپس استاد حلال گنجه‌ای پس از تجلیل از خصوصیات مردمی و توحیدی برادر مجاهد شهید، مطالبی پیرامون ارتباط گسست‌ناپذیر میان "اعتقاد به خدا" و "عشق به خلق" ایراد نمود. در خلال این مراسم سرودهای "شهادت زخون" و "۴ خرداد" از مجموعه سرودهای سازمان مجاهدین خلق ایران بوسیله شرکت‌کنندگان بطور دسته جمعی خوانده شد.

آیت‌الله طالقانی در دیدار با هیئت کوبایی...

بقیه از صفحه ۱

بر اساس ایدئولوژی توحیدی هرگز مجاز نیستیم نقاط قوت دیگران را انکار کنیم

بکامل و در جهت مبارزه با دشمن اصلی یعنی سدکننده راه خدا و خلق در هر مرحله تاریخ قدم برمی‌دارد. بهمان اندازه شرقی و انقلابی و قابل تأیید است. بنابراین برای نیروهای انقلابی و اصولی، بخاطر مبارزه‌ای که بر علیه امپریالیسم و ارتجاع و استعمار می‌نمایند، و نیز در جنگ رسالتی که در دفاع از حقوق طبقه کارگر (این مستضعفین زمان ما) بردوش گرفته‌اند، باید احترام قائل بود و تأیید شان کرد. بطور کلی این شیوه برخورد صحیح با هر ایدئولوژی و طرز فکر است. یعنی بایستی هر ایدئولوژی را تا آنجا که عملاً ودر زندگی اجتماعی خود در مواضع حق قرار دارد تأیید کرد. ما با القاء ایدئولوژی توحیدی از یکطرف موظفیم که حرکتهای ضد دیکتاتوری، ضد استعماری را که با آرمانهای مکتبی ما سازگاری دارد حمایت کنیم. و از طرف دیگر هرگز مجاز نیستیم که توانائی ها و نقطه قوت های دیگران را انکار کنیم. هرکز نباید حق را نپوشانیم، در هرکجا که خود را نشان دهد و بهر درجه‌ای که وجود داشته باشد. در اینصورت با هرگونه حق‌پوشی (مفهوم عمیق کفر) این خود ما هستیم که در درجه‌ٔ اول بخاطر موضع غیرواقعی و کفرآمیزی که در برابر یک واقعیت برحق اتخاذ کرده‌ایم، از مواضع یکتا پرستانه پائین آمده، و به موضع های ارتجاعی و گذشته‌گرا رانده شده‌ایم. اصولاً از اردوی ضد خلق که بگذریم، در میان نیروهای خلقی که بر علیه امپریالیسم نبرد می‌نمایند، بطورحتم عنصری از حقیقت و حق طلبی وجود دارد، که سیاستی آنرا نادیده گرفت. بدترین نظرات درست دیگران و قبول کارآیی های سیاسی و عملی آنان، خود مبین اصالت و خلوص موضع توحیدی ما است. برعکس، رنگی و برخوردهای تنگ نظرانه در این رابطه همانطور که بارها حضرت آیت الله طالقانی در مورد آن تذکر داده‌اند، هرگز نمی تواند متضمن دفاع از دین و اسلام و ملت قهرمان باشد. هم چنین هر اقدامی که بنحوی از انحاء دیگران را در بیان نظرات و عقایدشان که محتوایی از حق داشته باشد محدود سازد، دقیقاً ضد توحیدی است. در اینصورت همانطور که ایشان در نطق تاریخی خود درمدرسه فیضیه اعلام داشتند، "اگر ما اسلام را اینقدر ضعیف بدانیم که درمقابل مکاتب دیگر جیزی برای عرضه کردن نداشته باشد. یا آنرا ناقص دانسته‌ایم و یا نشناخته‌ایم."

واقعیت نیز همین است. تنها آنهایی که در میدان حق طلبی مشت‌هایشان خالی است، از طرح نظرات مخالف و مواجهه با عقاید و افکار دیگران هراس و وحشت دارند. با این توضیح جای هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که ما بحکم وظیفه‌ٔ ایدئولوژیک توحیدی خود ناگزیر از تأیید جنبه‌های درست و برحق هر مکتب و یا حزب و نیروهای سیاسی هستیم. این جنبه ها از کجا معلوم می‌گردند، و معیار تشخیص ما در این مورد چیست؟

بر اساس جهان بینی اسلامی معیار تشخیص هر ایدئولوژی و یا نیروها و احزاب "عمل اجتماعی" است. بر این اساس جنبه‌های حقیقت جویانه و مواضع درست نیروهای انقلابی نظیر مارکسیست ها در خصوصات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی و ضداستثماری آنان تحلیل می‌یابد. یعنی در آن نقاطی که حضرت آیت‌الله طالقانی در نطق معروف خود در ۳۰ تیر بعنوان نقاط اشتراک تمام نیروهای انقلابی اعم از مسلمان و غیر مسلمان انگشت گذاردند. و در آن شعارهای مرحله جدید انقلاب را روشن ساختند. بی مناسبت نیست در اینجا عین بیانات پیرامون آنها را بیاوریم:

گروهها و جمعیتها چه می‌خواهند؟ چه می‌گویند؟ عیار عدالت؟ عیار قسط؟ عیار آزادی؟ ... بین مسلمانان یک خدا، یک مبدأ، یک معاد و یک قرآن حاکم است. گروههای غیر مسلمان هم قسط می‌خواهند، عدالت می‌خواهند، نفی استعمار و نفی استثمار می‌خواهند ... مگر اسلام موافق با استعمار و استثمار است؟ ....

ملاحظه می‌گردد که اسلام راستین نهایت احترام را برای عقاید مترقی و انقلابی قائل است. بخصوص درمرحله‌ٔ کنونی که ما درگیر یک نبرد ضد امپریالیستی هستیم، وحدت تمام نیروهای ضدامپریالیست یک امر ضروری است. و هرگونه تلاشی در جهت نقض این اصل به مثابه‌ٔ یک عمل انحرافی و ارتجاعی و ضداسلامی است. بنابراین حرکاتی نظیر محدودکردن آزادیهای صاحبان ایدئولوژیهای مختلف، و تهاجم به مراکز و دفاتر آنان، و اقداماتی نظیر پاره کردن اعلامیه‌های سازمانهای ضدامپریالیست جز به ضرر نیروهای خلق و به سود دشمن تمام خواهد شد.

عاملین آن جنایت آقای طالقانی در خطبه نماز روز جمعه هفته گذشته بیان داشتند "با مسلمانهای ناآگاه هستند و یا آلت دست".

با دیدگاههای دیگر چگونه برخورد کنیم؟

در اینجا لازم است که اشاره‌ای هم به نقطه‌نظرهای آیت‌الله طالقانی در زمینه‌ٔ شیوه‌ٔ برخورد صحیح با ایدئولوژی های دیگر بنمائیم.

اساس دیدگاه و فشرده نظرات ایشان نسبت به مسأله فوق، همانطور که در متن صحبت با نماینده‌ٔ هیئت کوبائی بیان شده، چنین است:

"ما در نفی استعمار و استثمار و دفاع از آزادی با مارکسیست ها عقاید مشترکی داریم. آنچه ما قبول نداریم اصالت ماده است. ما به اصالت خدا معتقدیم. به اصالت یک مبدأ با شعور و آفریننده". این تمام آن چیزی است که بر مبنای آن، موضع ایدئولوژی اسلامی را در قبال ایدئولوژی مارکسیسم از دیدگاه ایشان، مشخص می‌گرداند. بر مبنای این موضع معلوم می‌شود که چه رابطه‌ای بین ایدئولوژی اسلامی و مارکسیسم وجود دارد و نقاط وحدت و تضاد ایدئولوژی اسلام با مارکسیسم کدامند. بعبارت دیگر از چه موضعی باید با مارکسیسم برخورد نمود، و اسلام را در این رابطه در کجا بایستی قرار داد. البته لازم است خاطرنشان سازیم که این اولین بار نیست که آیت‌الله طالقانی این مواضع را پیرامون نحوه‌ٔ برخورد با مارکسیسم و مارکسیستها بیان می‌دارند. ایشان قبلاً در نطق معروف مدرسه‌ٔ فیضیه نیز صریحاً گفته بودند که: "مسأله کمونیزم غیر از مسأله غیر علمی مادیالیسم است. کمونیسم در معنای اصل لغوی یعنی زندگی خانوادگی را اسلام بنیانگذاری کرده است. درصدر اسلام این چنین بوده زندگی پیامبر و صحابه و مهاجرین و انصار چنین بوده. ... این منهای آن مادیالیسم و اصالت ماده است که باید آنرا از این جدا سازیم."

با مختصری دقت در بیانات آیت الله طالقانی در اینمورد کاملاً مشخص میشود که ایشان مارکسیسم را در کلیت آن بعنوان یک مجموعه و سیستم فکری، یک ایدئولوژی النقاطی تلقی کرده‌اند که از دو جنبه ترکیب یافته است:

یک جنبه آن، موضع‌گیری این ایدئولوژی بر علیه ظلم و استثمار و دفاع از طبقات محروم و مستضعف است که در جوهر آن مسأله "نفی استثمار" قرار دارد و کوششی است برای یک زندگی خانوادگی و بدور از روابط طبقاتی و خصمانه. ایشان این بخش از مارکسیسم را وجه‌مشترک مارکسیسم و اسلام و بطور کلی ادیان توحیدی دانسته‌اند. مهمتر از آن اسلام و مکاتب انبیاء راستین توحید را پیشتاز طرح چنین شعاری می‌دانند. این قسمت از مارکسیسم در واقع جنبه "حق" و درست مارکسیسم است.

اما جنبه‌ٔ دیگر مارکسیسم بنیاد فلسفی آن یعنی "مادیالیسم" است که در بخش فوق "باطل" اعلام شده است. زیرا که جهان بینی توحیدی، جهان را هدفدار و با مقصد و معنا بینی می‌کند. و در نتیجه با فلسفه مادیالیستی که هستی را کور و بی‌هدف می‌داند، بکلی در تضاد است. نگذریم از اینکه پیروان انقلابی مارکسیسم در عمل هنگاه باین فلسفه پای بند نبوده، و خودشان قبل از هرکس دیگر، وقتی با واقعیات سر سخت مواجه می‌گردند این چارچوب فلسفی و مادی را می‌شکنند. بنابراین از دیدگاه ایشان مارکسیسم را بعنوان یک سیستم متناقض و التقاطی بایستی تجزیه کرد، جنبه حق آنرا تأیید کرد (نفی استثمار) و جنبه باطل این را رد نمود (مادیالیسم). این رمز اصلی کشف واقع‌گرایانه ایشان در این زمینه است. تمام مکاتب و دیدگاههایی که در موضع‌گیری نسبت به مارکسیسم به انحراف و ارتجاع افتاده‌اند، اشتباهشان از همین جا آغاز شده است. اینها مارکسیسم را بجای آنکه تجزیه کنند، و با هریک از دو جنبه حق و باطل آن برخورد کنند، آنرا بعنوان یک کل و در مجموع مورد انکار و تردید قرار داده‌اند. و درنتیجه جنبه‌های حق و باطل آنرا باهم نفی کرده‌اند. ولی بهمان نسبت که نفی جنبه‌ٔ باطل فلسفی و مادیالیستی آن درست و واقعی است، ضدیت با جنبه‌ٔ ضد استثماری آن نادرست و گمراه کننده است. ما بهرحال هنگامیکه در برابر امر درست و برحقی بایستیم و ارزش نقطه مثبتی را نفی نمائیم، خودمان از مواضع حق طلبی دور می‌شویم و سقوط خواهیم کرد.

اتفاقاً بعضی جهانی و جانبه مارکسیسم در میان روشنفکران نیز دقیقاً بنابراین ماهیت چیزی جز عنصر بازسازی و ارتجاع و رفرمیسم نیست که البته خطر مهم و اساسی هم در همین است.

اگر می‌پذیریم که بدنبال سقوط دیکتاتوری شاه، مبارزه ما بایستی قاطع‌تر از گذشته پایگاههای امپریالیسم را هدف قرار دهد، هرگونه مماشات و کوتاه‌آمدن در قبال آمریکا، ما را از مسیر انقلاب و آرمانهای خلقی و اعتقادی مان بازمی‌دارد، و به سمت تائید مناسبات استثماری و امپریالیستی می‌کشاند. به عبارت دیگر بدون حرکت قاطع و بنیادی بر علیه این دشمن، چشم‌انداز جامعه ـ مان بدون شک تیره خواهد بود. آینده‌ای که همچون گذشته بیگانگان را برما مسلط خواهد کرد. آنهم بیگانگانی که منافع و منابع خلق ما را به یغما خواهند برد و ما را جزو اقمار خود بهر سو که بخواهند هدایت خواهند کرد ...

از اینرو در تشخیص ماهیت روابط فعلی ایران و آمریکا چندان هم دچار مشکل نیستیم. اینگونه رابطه‌ها بارها تجربه شده است. حتی سیاستهای روشنتر و قاطع‌تر از این هم در عمل آزمایش منفی خود را پس داده‌اند. زیرا تحقق آزادی و استقلال و رشد اجتماعی ـ اقتصادی یک جامعه‌ٔ زیر سلطه به عناصری نیازمند است و با مسائلی در رابطه می‌باشد، که هرگونه نقصی درآنها مرهون همین جنبه‌ٔ ضد استثماری و عملی (انقلابی) آنست به خاطر فلسفه مادیالیستی آن. زیرا مارکسیسم همواره بعنوان حامی طبقه‌ٔ کارگر و زحمتکشان در عصر حاضر پرچمدار نفی استثمار و مبارزه با بهره‌کشی گردیده است. و نیز بخاطر همین مسأله است که همراه وقوین جنبش‌های انقلابی جهان محبوب شده است. والا مارکسیسم منهای این جنبه‌ٔ آن و درنتیجه صرفاً فلسفی و مادیالیستی‌اش هیچگونه جاذبه و نفوذی ندارد.

همرزمندی مکتبی و توحیدی:

بسیاری از متفکران اسلامی که به نقد مارکسیسم پرداخته‌اند، کوشیده‌اند این ایدئولوژی را در تمامیت و کلیت آن رد کنند. در حالیکه بایستی آن را تجزیه کرده و جنبه‌های حق و باطل آن را جدا سازند. در نتیجه عموماً موفق به ایجاد یک موضع واقع‌گرایانه و توحیدی در قبال آن نشده‌اند. و همان اندازه از اسلام اصیل و انقلابی فاصله گرفته‌اند که عبارت دیگر آنها از موضع ارتجاعی و پائین‌تر از مارکسیسم به تضادی آن پرداخته‌اند. و بدور از موضع مترقی و بالاتر از آن. تنها با قرار دادن اسلام در نقطه ضد و بالاتر از مارکسیسم است، که اصالت و غنای محتوای توحیدی بارز می‌گردد. و دقیقاً در همین جا است که شعار "الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه" تحقق عینی می‌یابد. والااگر در قبال مارکسیسم موضع واقع‌گرایانه‌ای ایجاد نکنیم، در اینصورت جنبش اسلامی که لاجرم در نقطه راست مارکسیسم قرار گرفته، دیگر از محتوای حقیقی آن تهی گشته، و چیزی جز یک توحید بی محتوای مدافع استثمار (ولو در ابعاد کوچک آن) نخواهد بود. اسلامی که کیفیتاً از اسلام راستین و انقلابی که برتر از هر ایدئولوژی دیگر است متمایز بوده، و فی‌الواقع جز در شکل ظاهری و صوری هیچ مشابهت دیگری با آن ندارد. روشنفکران جامعه ما بخوبی با چهره‌ٔ اسلام سطحی و سنتی، چه در جامعه‌ٔ خودمان، و چه در نمونه‌ها و عملکردهای فراوان آن آشنا بوده، و عجز آن را در تطبیق با امر انقلاب ضد امپریالیستی و نفی استثمار و حل مسائل پیچیده مبارزه، بعینه مشاهده کرده‌اند. این روشنفکران عدم توانایی چنین ایدئولوژی جزمی را برای ارائه یک تئوری راهنمای عمل و پاسخگو در همه زمینه ـ ها بخوبی دریافته‌اند. هنر سازمان مجاهدین خلق ایران در آغاز تولد ایدئولوژیکی خود در سال ۴۴ بنیاد بود که توانست مرزها و خط فاصل خویش را با چنین برداشتهای سنتی و سطحی از اسلام مشخص ساخته، و اسلام اصیل را در موضع راستین و واقعی آن یعنی بالاتر از هر ایدئولوژی دیگر قرار دهد. و آنگاه مرزهای این توحید ناب را با ایدئولوژیهای دیگر و مارکسیسم بازساند. این همان هویت مجاهدین خلق است.

(برای آگاهی از این موضوع یعنی موضع مجاهدین در قبال مارکسیسم و مارکسیستها، و تحلیل‌های ایدئولوژیکی سازمان در این مورد از سند و تاسیس سازمان در سال ۴۴، به کتاب "تشریح و آموزش اطلاعیه تغییر مواضع مجاهدین ..." رجوع کنید.)

ماهیت روابط فعلی ایران و امریکا

موضع تردیدآمیز جناحهای حاکم در قبال امریکا:

بقیه از صفحه ۲

در حال حاضر برای مراقبت بیشتر از مرز ایران و عراق اهمیت بسیار دارند."

یا در کیهان ۵۸/۲/۱۶: دکتر یزدی صحبت از "رفتار آشتی‌جویانه ایران با آمریکا" بمیان آورده است.

و یا در هنگامیکه سنای آمریکا وقیحانه علیه خلق ما به حمله و هجوم پرداخت، و خشم یکپارچه مردم ما را برانگیخت، دکتر یزدی به تشکیل مردم ما پرداخته و قطعنامه‌ٔ ما را جدا و بی‌ارتباط با سیاست رسمی آمریکا عنوان می‌نماید. در حالیکه همان زمان امام خمینی شدیدترین نطقها را علیه آمریکا ایراد کردند.

حتی برای بسیاری از مقامات فعلی مسأله "امپریالیسم" و "امریکا" عملاً مسأله‌ای نیست. و شاید در بین آنها باشد کسانیکه اثری از امپریالیسم آمریکا نمی‌بینند. و بنابراین از تأکید انقلابیون ایران بر پایگاهها، عوامل و بالاخره توطئه‌های امپریالیستی و ... کاملاً متعجب می‌شوند و چه بسا صادقانه بخواهند که دست امپریالیزم را گرفته و بدست آنها بسپاریم، تا به حسابش برسند!!

درعین‌حال گاه بیگاه همین مقامات و سایر جناحهای حاکم از "مطامع دشمنان و خرابکاری ها و مفسده‌جوئی‌های امپریالیسم رجم‌خوده" صحبت می‌کنند. و اینکه "آنها به این زودی دست از سر ما برنمی‌دارند" و ...

حتی مشخصاً در بسیاری موارد سیستم حاکم اقداماتی انجام می‌دهد که برای آمریکا خوشایند نیست. از حمایت معنوی جنبشهای انقلابی گرفته تا پذیرفتن کانلر به عنوان سفیر آمریکا در ایران و ...

لکن بهرحال یک موضع روشن، مشخص و واحدی در قبال آمریکا اتخاذ نشده و یا حداقل اعلام نشده است.

کیفیت رابطه با آمریکا جهت خاصی دارد

مشخص نشدن چگونگی رابطه ایران و امریکا گرچه برای مردم ما بدون اشکال نیست، اما محتوای این رابطه و جهت حرکت آن برای عناصر آگاه روشن میباشد. زیرا اولاً در ورای نوسانات، زیگزاگها، تناقضات، رابطه موجود بین ایران و آمریکا، دارای ماهیت مشخصی است که در طول زمان بارزتر خواهد شد.

ثانیاً این ماهیت چیزی جز عنصر بازسازی و ارتجاع و رفرمیسم نیست که البته خطر مهم و اساسی هم در همین است.

اگر می‌پذیریم که بدنبال سقوط دیکتاتوری شاه، مبارزه ما بایستی قاطع‌تر از گذشته پایگاههای امپریالیسم را هدف قرار دهد، هرگونه مماشات و کوتاه‌آمدن در قبال آمریکا، ما را از مسیر انقلاب و آرمانهای خلقی و اعتقادی مان بازمی‌دارد، و به سمت تائید مناسبات استثماری و امپریالیستی می‌کشاند. به عبارت دیگر بدون حرکت قاطع و بنیادی بر علیه این دشمن، چشم‌انداز جامعه ـ مان بدون شک تیره خواهد بود. آینده‌ای که همچون گذشته بیگانگان را برما مسلط خواهد کرد. آنهم بیگانگانی که منافع و منابع خلق ما را به یغما خواهند برد و ما را جزو اقمار خود بهر سو که بخواهند هدایت خواهند کرد ...

از اینرو در تشخیص ماهیت روابط فعلی ایران و آمریکا چندان هم دچار مشکل نیستیم. اینگونه رابطه‌ها بارها تجربه شده است. حتی سیاستهای روشنتر و قاطع‌تر از این هم در عمل آزمایش منفی خود را پس داده‌اند. زیرا تحقق آزادی و استقلال و رشد اجتماعی ـ اقتصادی یک جامعه‌ٔ زیر سلطه به عناصری نیازمند است و با مسائلی در رابطه می‌باشد، که هرگونه نقصی درآنها در یا رود مسیر حرکت و سرنوشت انقلاب را تغییر خواهد داد.

یک سیاست مستقل و انقلابی در زمینه روابط خارجی مستلزم چه چیزهایی است؟

قبل از هرچیز باید خاطر نشان کنیم که سیاست خارجی هردولت، ادامه‌ٔ طبیعی سیاست داخلی آن است. یعنی نه به اینکه چه طبقه و قشری و چه سیاست و ایدئولوژی بر جامعه حاکم باشد، روابط خارجی آن نیز منعکس خواهد بود. به عبارت دیگر بین روابط خارجی و مناسبات داخلی هر نظام، یک ارتباط ارگانیک و منطقی وجود دارد. مثلاً از زمیر ضدخلقی شاه نمی‌توان یک سلسله مناسبات انقلابی و خلقی با دیگر کشورها انتظار داشت. رژیمی که در داخل کاملاً "نیروی و دشمن همه خلق است، ضرورتاً" بایستی آلت دست یا مدافع آمریکا، اسرائیل، اعربستان سعودی، رودزیا، سلطان عمان و ... و مقابلاً "دشمن خلق‌های ستمدیده‌ای نظیر فلسطین، ظفار، ویتنام و ... باشد! بنابراین برای داشتن یک سیاست انقلابی با دیگر کشورها از جمله دشمن اصلی خلقمان، امپریالیسم امریکا بایستی در داخل سیاستها و خواستهای حاکم انقلابی باشد.

> "مثلاً" اگر بخواهیم در زمینه‌های سیاسی ـ اقتصادی، نظامی و فرهنگی وابسته باشیم، اجباراً" ناچاریم به سوی خلق رو کنیم و آنرا فعالانه در سرنوشت و مسیر خود دخالت دهیم. در این رابطه است که می‌توان با تکیه بر خلق و در نیرو بسیج توده‌ها از سرمایه‌های خارجی و دیگر کمبودهای اقتصادی بی نیاز شد. و قاطعانه به تسلط منابع و سرمایه‌های خارجی پایان داد" اما وقتی در داخل چنین مناسباتی حاکم نیست، طبیعی است که باید جلاء توده‌ها را کمکهای خارجی و سرمایه‌ها و قرار دادهای امپریالیستی ـ امریکائی پرکند. والا جرخهای اقتصاد می‌خوابد .... در اینصورت چگونه میتوان آمریکا را به عنوان دشمن اصلی تلقی کرد و در مقابل آن ایستاد.

۲ـ با تشکیل ارتش خلق و به کمک آموزش‌های سیاسی ـ ایدئولوژیک انقلابی به آن، میتوان با قاطعیت بیشتر به جنگ بقایای ارتجاع و عناصر وابسته و پایگاههای امپریالیستی (از جمله ارتش ضدخلقی) شتافته و مهمتر از آن خود را از شر سیارهای کادب به سلاحهای پیچیده و مستشاری و ارتباطهای پیوسته به آن نجات داد. آنوقت سخنی هم از فرار ـ دادهای تسلیم طلبانه در زمینه تسلیحات یا مستشاری یا اطلاعاتی برای مراقبت از مرزها بمیان نخواهد آمد.

۳ـ بدیهی است که دنبال کردن چنین سیاستی مستلزم جذب نیروهای مترقی و انقلابی و کوتاه کردن دست مرجعین و فرصت‌طلبان از راه رسیده است. چنین سیستمی احتیاج به مانیفست عقاید و طرد بیماران و مدافعین خلق ندارد. از انتقادات نمی‌هراسد. و برخواهان ضدامپریالیست را به جوش و خروش نمی‌بندد. حقوق خلقها را پامال نمی‌کند. و ارزش ضدخلقی گذشته را تحت عنوان‌های جدید به جان مردمی خواهد طلب که فقط حق تعیین سرنوشت خود را می‌خواهند نمی‌اندازد.

این ره که تو می‌روی ...

برعکس وقتی سیاست به سرکوب خلق مطرح باشد، تقویت و تسلیح و آموزش ضدخلقی ارتش هم مطرح میشود. آنوقت بایستی با آمریکا مناسبات جنبه داشته باشیم. در جنبشهایش شرکت کنیم، یا بتوانیم از کمکها و تجربیاتش استفاده نمائیم. و راه نفوذ او را هموار کنیم. و این درست در شرایطی است که نیروهای انقلابی جامعه‌مان را بند می‌نمائیم. و از ارتباط با کشورهای اسلامی و مترقی نظیر لیبی بر سر مسائل فرعی سخت می‌گیریم.

این طبیعی است که وقتی مرجعین حاکم باشند، شکار انقلابیون و حقوق خلق هم باید در دستور قرار گیرد. آنوقت سیاست به نیروهای اطلاعاتی ضدخلقی پیش می‌آید. و سپس سیاست به تجربه و همکاری عناصر متخصص و مجرب سیکاه!!! و برای رسیدن به اینگونه هدفهاست که در قدم اولین، عناصر ساواکی رژیم شاه بخدمت جمهوری اسلامی درمی‌آیند. و سپس نوبت احیاء ضداطلاعات ارتش به عنوان "تداوم انقلاب" می‌رسد. آنگاه اداره هسته راه می‌افتد. و احتمالاً "آخر الامر هم سیا و موساد و ... طراح معالجه اصلی ما می‌شوند آنهم به عنوان متخصص. اینست ماهیت و سرانجام روابط کنونی ما با آمریکا.

بر اساس این برداشتی است که نمی‌تواند در مقابل آمریکا ایستادگی کرد. مطامع او را سرکوب نمود. و در مناسبات جهانی در قطب مخالف آن قرار گرفت. و درست مهمترین دلیل است که علیرغم شعارها و مخالفتهای لفظی و رسمی با آمریکا میتوان آینده‌ای رایش‌بینی کرد، که در آن بار اقتصاد و سیاست و ارتش و سرویسهای اطلاعاتی و ارگانهای امنیتی ما با صد رشته محکم به بقایای سیستم آریامهری و امپریالیسم آمریکا وابسته خواهد بود.

تنها یک راه برای رهایی وجود دارد و آن اینستکه مناسبات و نهادهای سیاسی ـ اجتماعی ما بطور بنیادی و به شکل انقلابی آن زیر و رو شود و درجهت مبارزه علیه امپریالیسم و وابستگان داخلی و شیوه‌ٔ نفوذی آن مبارزه شود.

****
****

****
****

****
******
****
**

درسومین نمازجمعه: همبستگی خلقهای ایران و فلسطین پیروزباد

بقیه از صفحه ۴

بگوشیم با نماز جمعه ما محتوای سیاسی اصیل توحیدی را داشته باشد. یعنی در عمل به وحدت مردم کمک کند.

شما به ظاهر و شکل نپردازیم. اگر صفوف جماعت ما بتواند آثار نفرت انگیز ۲۵ قرن نظام شاهنشاهی را که هنوز بناح شوم آن در میان ما است، از میان برد دارد، فایده‌ای نخواهد داشت.

اگر توسط گروهی به آزادی نماز منجر شود، نه هر شکل و در هر لباس، باشد همه گروههای سیاسی، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، به این عمل اعتراض کنند. چون شما در راه آزادی است که گروههای سیاسی واقعاً مردمی میتوانند رشد کرده و با توده‌ها پیوند بخورند. نه در شرایطی که بخاطر دروغها و بهتانهای ناروا، اعتماد مردم از گروههای سیاسی سلب شده باشد.

سپس آقای مهندس بازرگان بخشی از تفسیر ۵ آیه اول سوره بقره، خواستار کمک مالی مردم به حسابهای دیدگان حوادث دوران انقلاب شدند، با گفته ایشان با تأمین مبلغ لازم از سوی دولت و مردم حفظ شود!

آیت‌الله طالقانی: توجه اسماعیلیها، زیانبارتر از قبول آنهاست

آنگاه آیت‌الله طالقانی ضمن تأیید برنامه‌هائی که قبل از ورود ایشان برگزار شد، در خطبه اول نماز، مردم را به وحدت دعوت کردند. ایشان در تفسیر آیاتی از قرآن هشدار دادند که، اگر گروهی اعمال سوء خود را در جهت‌دار کردن آزادیها برطرف نکرده، و توجه نماید، ضرری نه گروهی خاص نمی‌رسد، بلکه برای همه مردم زیانبار است. در این صورت ضد انقلاب را تقویت کرده‌اند. چون بدنوامی اسماعیلیها و استبداد مسیحائی که رسید در حاکمیت نظامهای شاهنشاهی دارد، کمر خود به دست ضد انقلاب می‌دهد، با توجه کردن این اعمال.

شما یک قانون اساسی تصریح و روشن، که ضد استبداد و ضد استعمار باشد محتوای انقلابی دارد، و می‌تواند پاسخگوی نیازهای مردم ما باشد.

مسئولیت‌های انسان در جریان تکامل

آیت الله طالقانی در خطبه دوم، در ادامه تفسیر هفته قبل پیرامون "حرکت تکاملی و تسخیر" به تبیین مسئولیتهای انسان در این جریان تکاملی پرداختند. انسانی صاحب اراده و آگاهی اجتماعی، که در تکامل نوین و عالی به حرکت تسخیری سنت الله گام برمیدارد.

در خاتمه، امیدوارم که، با احترام به نظرات وحقوق افراد وگروه‌های دیگر، برای کمکهای مادی و معنوی به خلق قهرمان فلسطین قیام کنیم، و به خبری فراتر از شعار شما بپردازیم. مانع تبلیغ را بر مانع گروهی تقدم داریم. و در مسیر مبارزه ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی، این شعارهای وحدت را از مرحله حرف به عمل درآوریم. به امید آنکه صفوف متحد خلق از نیروهای انحصار طلب، ارتجاعی و وابسته که به لباس مردم درآمده‌اند جدا شود. تا نیروی خود هرکه در او غش باشد.

نکته:

"وحدت کلمه فقط برای بهره‌گرفتن از حادثه مردمی امام"

روحانیون بسیاری را می‌بینیم که در مقابله با نیروهای انقلابی مسلمان با یکدیگر نزدیک میشوند و بقولی وحدت کلمه پیدا میکنند. همین روحانیون حتی با حکم صریح امام هیچکدام در نماز جمعه با امامت صریح حضرت آیت الله طالقانی حاضر نمیشوند. حتی محض نمونه هم یکنفر از ایشان را نمیتوان یافت. گویا چیز دیگری غیر از وحدت کلمه و حکم امام راهنمای عمل آنهاست!!

* * *

احزاب انقلابی و مردمی تنها پس از عبور از فراز و نشیب های اجتماعی و مبارزه طولانی قوام میابند. آنها معمولاً کاروانی از شهدا همراه خود دارند. اصول و مبانی فکری و عقیدتیشان کاملاً مشخص است عناصر ناخالص که دارای وحدت عقیدتی (ایدئولوژیک - سیاسی) نیستند در طول زمان تصفیه شده‌اند. بالاخره از این طریق پایگاه مردمی و اجتماعی کسب کرده‌اند.

احزاب دیگری نیز هستند که یکشبه در شکل وظاهر (و نه در محتوی) راه طولانی را می‌پیمایند. همین.

* * *

- آزادی تا آنجا محترم است که به آزادی دیگران لطمه وارد نیاید.
- آزادی تا سرحد هرج و مرج قابل قبول است.
- آزادی حد و مرز هم دارد.
- سوء استفاده از آزادی ممنوع است.
- همیشه آزادی با عبارت کاملاً صحیح فوق نقض میشود. هیچکس (حتی شاه) نمیگفت چون من دیکتاتورم آزادی نمیدهم.

* * *

به همسر و خانواده سید محمدرضا سعادتی در این هفته ملاقات ندادند. معلوم نیست که آیا حقوق بشر هم در اوضاع و احوال فعلی بوضعیت روز مربوط میشود؟

سوال اینست که آیا این نتیجه انتخابات است که به ملاقات سعادتی هم کشیده شده است؟

* * *

دریکی از شهرهای شمال، فردی که برای بیسوادان اسامی کاندیدها را می‌نوشته از آنها سوال میکرد: "آیا اسلامی باشد یا کمونیست؟" وچون جواب می‌شنید که اسلامی باشد سوال میکرد که "آیا مسلمان واقعی باشد یا منافق؟" وسپس اسامی کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی را برایش مینوشت.

* * *

دریکی از شهرهای شمال فردی که برای بیسوادان اسامی کاندیدها را می‌نوشته از آنها سوال میکرد: "آیا اسلامی باشد یا کمونیست؟" وچون جواب میشنید که اسلامی باشد سئوال میکرد که "آیا مسلمان واقعی باشد یا منافق" وسپس اسامی کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی را برایش مینوشت.

نگاهی به مطبوعات درهفته گذشته

ارتش وکردستان

کیهان ۱۳مرداد - مصطفی چمران: دولت مصمم است بهر قیمت که هست در مناطق کردنشین صلح وآرامش را برقرار سازد.

آیندگان ۱۳مرداد - فرمانده زاندارمری کل کشور اعلام کرد که طرح خلع سلاح عمومی تهیه شده است.

کیهان آزاد ۱۵مرداد - ارتش با کارگذاشتن سلاحهای سنگین در نقاط حساس و مشرف به شهر، کنترل مریوان را بدست گرفته و علیرغم اعتراض مردم به بازرسی مسافران پرداخته است.

کار ۱۵مرداد - دو افسر و ۱۱ سرباز با دکانیکرمانشاه، بعلت اعتراض در پادگان، بوسیله کمیته دستگیر و در زندان بسر میبرند.

کیهان آزاد ۱۵مرداد - حزب دمکرات کردستان در نامه سرگشاده‌ای اعلام داشت: کردستان در آستانه جنگ داخلی است.

اگر ارتش روی خلق اسلحه بکشد، ساکت نمی‌مانیم.

کیهان آزاد ۱۵مرداد - ابراهیم یونسی استاندار مستعفی کردستان، کردها برای تحویل اسلحه‌شان و آزادی میخواهند.

* * *

قیادة موقت در مریوان

سپاه منصور ۱۹مرداد - ارتش در مورد قیادة موقت سوال شد که با وجودی که آنها هم مسلح هستند، چرا کاری نمیکنند؟ و دولت از آن ها حمایت میکند؟ وی جواب داد: "قیادة موقت میهمانان ما هستند!"

آیندگان ۱۶ مرداد - شورای انقلاب مریوان به قیادة موقت اخطار کرد.

آیندگان ۱۶ مرداد - قیادة موقت خواستار کنترل مریوان بدست قیادة‌ای ها شد.

بامداد ۱۷ مرداد - مردم مریوان خواستار اخراج قیادة موقت از ایران شدند.

ندای آزادی ۱۸ مرداد - دو جاده منتهی به مریوان توسط قیادة موقت بسته شد.

* * *

سوء حل مسئله زمین از نظر یک لایحه قانونی

بامداد ۱۳مرداد - در درگیری مالکان وکشاورزان دیواندره ۳ نفر کشته، و چند نفر مجروح بجای گذاشت.

پیغام امروز ۱۶مرداد - در پلیس چیان هرجائی مامور سرکوب و چپاول منطقه خودشده است.

جمهوری اسلامی ۱۶مرداد - کشاورزان یک روستای آمل علیه عده‌ای زمیندار ان بزرگ، که چماقدار اجیر کرده‌اند، در فرمانداری این شهر دست به تحصن زدند.

ندای آزادی ۱۷مرداد - بدنبال پاتش کشیدن چند هکتار محصول گندم مردم خلدیان در اطراف

جنبش مسلمانان مبارز در یک مصاحبه مطبوعاتی:

با حسن نیت وصداقتی که بخرج دادیم، پاسخ ما متاسفانه نقض آزادی بود

به نظر از مسئولین جنبش مسلمانان مبارز در یک نشست مطبوعاتی در تاریخ پنجشنبه ۵۸/۵/۱۸ نقطه‌نظرات سازمان خود را پیرامون اساسی ترین مسائل روز توضیح دادند. که در محورهای زیر محتوای آنها را بیان میکنیم.

الف - دلایل شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی

ابتدا درباره طرح جنبش مسلمانان مبارز برای شرکت نیروهای انقلابی مسلمان و نمایندگان واقعی مردم در مجلس صحبت شد. یکی از مسئولین گفت:

بخاطر وحدت بخشیدن نیروهای خلقی، وبیشبرد انقلاب که ضروری حتمی بوده، ما مساله انتخابات را با شرایطی قبول کردیم ...

برای اینکه بخواهیم در پیشنهادات خود به یک وحدت نظر برسیم با چهار گروه دیگر، نمایندگان مشترکی انتخاب کردیم. و این نمایندگانی که اعلام شده همگی افراد مسلمانی هستند که در دوران استبداد گذشته بنحوی مبارزه کرده، و عملاً مبارزبودن خود را در صحنه استبداد نشان داده‌اند...

اما ما معتقدیم این حسن نیت و صداقتی که بخرج دادیم، و با وجود اینکه همیشه هدف ما این بوده که از اصولی دفاع کنیم که در جهت پیشبرد انقلاب و آرمانهای خلق باشد، خواست مردم پسندی دریافت نکردیم. پاسخی که در طول انتخابات گرفتیم، نقض آزادیهائی بود که بطورکنرده شاهد آن بودیم. یعنی ما همیشه برای بوده که موضعی آزادی داشته‌ایم، هرچندکه در ابعاد وسیع، نقض اصول انقلابی را آگاهانه افشا خواهیم کرد.

ب - نقض آزادی‌ها در انتخابات و موضع ما

خواهر حاکم بر نحوه برگزاری انتخابات را به هیچ وجه با موازین اسلامی و آزادی سازگار نمیدانیم و موارد مهمی از نقض اصول اسلام را می‌آوریم:

۱ - پاره کردن اعلان‌های انتخاباتی احزاب و سازمانها توسط اعضای وابسته به حزب جمهوری اسلامی واعضاء و روسای بعضی کمیته‌ها در سراسر کشور.

۲ - ضرب و شتم، بازداشت و تهدید اعضاء وهمپاتهای سازمانهای دیگر از سوی افراد وابسته به همین حزب.

۳ - سمپاشی، و اتهامات دروغ به نامزدهای غیر از حزب جمهوری و نیروهای اسلامی کاندیداهای این حزب برای بیسوادان که رقم بزرگی از رای‌دهندگان را تشکیل میدادند - توسط اعضاء پاسداران و بازرسان وابسته به این حزب.

۴ - برخوردهای خشونت‌آمیز و دزدیدن صندوق حوزه‌هائی که احتمال میدادند آراء آن به نفع آنها نباشد.

۵ - حذف نام دکتر یمینی از لیست اسامی نامزدها در حوزه‌های رای‌گیری، و در نتیجه عدم قرائت آراء آنان در بسیاری از حوزه‌ها.

۶ - سوء استفاده با شیوه‌های کثیف از نام و محبوبیت مردمی امام، برای تبلیغات انتخاباتی بنفع حزب جمهوری اسلامی. درضمن چسباندن مارکهای ضد انقلاب، غیر مسلمان و مخالف امام و جمهوری اسلامی به دیگران، بطوری که اکثریت مردم تصور میکردند فقط یک فهرست نامزدهای مسلمان وجود دارد و بقیه غیر مسلمان و یا ضد مسلمان وضد انقلاب هستند.

۷ - تغلب در آراء وریختن آراء اضافی در صندوقها در بعضی حوزه‌های رای گیری.

در پایان عکسها و اسنادی گواه بر سوء استفاده در انتخابات بنفع حزب جمهوری اسلامی ارائه داده، و اضافه کردند اگر حزب جمهوری اسلامی مدرک یا سندی برای کاندیداهایش از طرف امام دارد بهتر است آن را نشان دهد تا مسائل روشن گردد.

آنگاه به بیان تعهد مکتبی واسلامی جنبش مسلمانان مبارز در قبال نقض مکرر آزادیها پرداختند. سپس به دولت سه علت بیدفرض مسئولیت در برابر نقض آزادی و کنار کشیدن آن انتقاد کردند. و به انحصار طلبی حزب جمهوری اسلامی که در جریان انتخابات خود را نشان داد انگشت گذاردند.

مسئولین جنبش مسلمانان مبارز با دلایل روشنی جمله به روزنامه آیندگان را عملی که شدیداً" بوی فاشیسم میدهد، خواندند. و از روزنامه انقلاب اسلامی و آقای هاشمی رفسنجانی که موضع مسئول هم دارند، بخاطر سعی در صحنه جلوه دادن جریان انتخابات، انتقاد کردند.

مسائل دیگری که مطرح شد عبارت بودند

۱ - نقش بوده مردم در حفظ دستاوردهای انقلاب از خطرات ارتجاع و امپریالیسم

۲ - تفاوت گذاشتن بین شرکت مردم در سیاست، وسوء استفاده از آنها برای برنامه‌های گروهی خاص.

۳ - بی توجهی مسئولین بخواست مردم برسرنوشت خویش. از جمله عدم رسیدگی به شوراهای کارگری که خواست میلیونها کارگر ایران است.

۴ - بی توجهی به حل مشکلات خلقهای کرد، عرب و... که دچار توطئه‌های ضد انقلاب، ارتجاع و آمریکا هستند.

راه حل این مشکلات و جلوگیری از روندی روز افزون مردم از فعالیتهای سیاسی، بنظر جنبش مسلمانان مبارز، در آزادی مردم و گروهها بیان شده است. آزادی‌ای که در صورت عدم حفظ و تضمین آن، جامعه بسوی فاشیسم خواهد رفت.

ج - وحدت نیروها

واعتصموا بحبل الله جمیعاً "ولا تفرقوا"

امروز گروههائی شعار وحدت می‌دهند در حالیکه درعمل با انحصارطلبی مشغولند. جریان انتخابات حد اقل توانست مرزبندی قاطعی بین نیروهائی که طرفدار قدرت و انحصارطلبی هستند، با نیروهای انقلابی که صرفاً" ارزشها و اصول برایشان مطرح است بوجود آورد و تفاوت این دو را نشان دهد.

ما از طرح مساله وحدت به نتیجه را مورد نظر داشتیم.

۱ - وحدت اصولی احزاب وگروهها بخاطر شرایطی که امروزه پیش آمده است. با توجه به اینکه عدم وحدت نیروهای مردمی در آینده شرایط بحرانی را پیش می‌آورد.

۲ - تحکیم قدرت وحدت، و به دنبال آن تحکیم وحدت خلق برای پاسداری از ارزشهای انقلاب.

۳ - مقابله با توطئه‌های روزافزون امپریالیسم و ارتجاع و سرمایه‌داری وابسته، آنهم در شرایطی که اولاً" قراردادهای نظامی ایران و آمریکا بطور علنی با غیرعلنی ابطال میشود، وثانیاً" محتوای این قراردادها بطور کلی برای ملت فاش نمیشود. در نتیجه ما میتوانیم توطئه روزافزون امپریالیسم را دفعاً" ببینیم. امپریالیسم و ارتجاع در یک ارتباط با گسستی و از موضع طبقاتی سرمایه‌داری وابسته، در شرایط امروز اصلی ترین تضاد ما است.

همبستگی با سایر نیروها

این یک مسأله اساسی است که آیا نیروهای غیر مذهبی میتوانند در این وحدت شرکت داشته باشند یا خیر. همانطور که بارها امام خمینی وآیت‌الله طالقانی تاکید کرده‌اند، برای نیروهای غیر اسلامی به لحاظ سیاسی و آرمان های مکتبی شان بهترین راه همکاری با این جبهه است. اگروافعاً" برای آنها آزادی مردم از مناسبات امپریالیستی و استثماری و استبدادی ارزش وپرنصیب و آرمان است، باید در این جبهه‌وپشت سر این جبهه حرکت کنند.

شرکت نیروهای غیراسلامی در این جبهه، با پذیرفتن رهبری امام ومبارزه در ابعاد ضدامپریالیستی، ضداستبدادی و ضد استثماری اشکالی ندارد. به شرط اینکه رهبری این جبهه در دست نیروهای پیشرو و مترقی مذهبی باشد.

بامداد ۱۵مرداد - وزیرکار: بگذارید دیگران آزادانه حرف شان را بزنند.

کیهان ۱۵ مرداد - قطب زاده گفت: اگر تمام این روزنامه‌های بی‌معنا دست بدست هم بدهند هیچ غلطی نمیتوانند بکنند.

کیهان آزاد (فوق العاده) - آیندگان توقیف شد. با توقیف آیندگان انتشار روزنامه‌های کیهان آزاد، آزادی، ندای آزادی وچند نشریه دیگر با خطر جدی روبرو است.

بامداد ۱۶مرداد - لایحه مطبوعات به تصویب رسید. شورای انقلاب در لایحه چند تغییر داده است.

اطلاعات ۱۷ مرداد - آهنگر توقیف شد.

بامداد ۱۸مرداد - ۴عضو (سه تن تحریریه و یک کارمند اداری) - روزنامه جمهوری اسلامی در اعتراض به سانسور اخبار و مطالب در روزنامه استعفاء دادند.

بامداد ۱۸ مرداد - انتشار پیغام امروز متوقف شد.

ندای آزادی ۱۸مرداد - دکتر ممکن گفت: دولت ووزارت ارشاد ملی از حزبان اشغال آیندگان اطلاع قبلی نداشت.

کیهان آزاد ۱۸مرداد - مأموران مسلح کمیته نیمه شب برای دستگیری یکی از اعضای شورای سردبیر آیندگان در کوی نویسندگان وخبرنگاران مبادرت به تیراندازی کردند.

بامداد ۱۸مرداد - هادوی دادستان انقلاب استعفاء کرد.

* * *

روابط ایران با کشورهای مختلف

ایران در جنبش غیر متعهدها قطعی شد.

اطلاعات ۱۵ مرداد - ایران با کوبا رابطه سیاسی برقرار میکند.

انقلاب اسلامی ۱۵مرداد - به دنبال دیدار روزیرا مورخارجه کویت، شاهزاده سعود الفیصل وزیرخارجه عربستان سعودی به دعوت بزودی از ایران دیدار خواهد کرد. این دیدار نتایج مهمی برروابط تهران و سایرکشورهای عربی خلیج فارس خواهد داشت.

بامداد ۱۶ مرداد - کویت بین ایران وعراق میانجی شد.

جمهوری اسلامی ۱۶ مرداد - ملاقات سفیرسومالی با نخست وزیر.

* * *

بقیه در صفحه ۹

گزارشی از تخلفات و تقلبات انتخابات

از حدود ۲۳۰۰ حوزه اخذرای تهران، مجاهدین خلق ایران کارت بازرسی حدود ۲۰۰ حوزه را دراختیار داشتند. بعلت جو موجود، دخالت و حاکمیت عناصر غیرمسؤل، چندین نفر از بازرسان را خودسرانه درمحل اخراج کرده، ویا اصولا به حوزه محل ماموریت راه ندادند. از ۲۱۰۰ حوزه دیگر اطلاعی دردست نیست.

بازرسان تا بحال حدود ۲۰۰ شکایت مستند تسلیم وزارت کشور کرده اند. برخی از مدارک درشماره فوق العاده چاپ شده و اینک چند نمونه دیگر.

۱ – دو نمونه از رای دادن با شناسنامه کودک ۴ ساله و با کارت تحصیلی.

نمونه رای دادن با کارت تحصیلی با گزارشی همراه است که در آن نویسنده از نقض قانون درهنگام رای گیری در روستای شان یاد میکند. این روستا "نیکنام ده" است که از حوزه های بخش شمیران میباشد. مهمترین اعتراضهای او عبارتست از:

اولا – وجود اعلامیه های حزب جمهوری اسلامی درموقع رای گیری درمحل، منشیان حوزه تنها لیستی از کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی داشتند. رای دهندگان چه با سواد و چه بیسواد مکلف بودند تعرفه های رای را دراختیار منشیان بگذارند. و آنها هم بدون نظر رای دهنده فقط وفقط نام کاندیداهای جمهوری اسلامی را مینوشتند. و بالاخره نقض آن قانون که رای باید همراه با شناسنامه باشد و نه کارت تحصیلی وفتوکپی آن ضمیمه نامه فرستاده میشود.

ثانیا – بازدید برگهای تعرفه بدون رضایت یا اطلاع افراد رای دهنده. کسانی را که رای مخالف حزب جمهوری اسلامی می دادند تهدید میکردند و میگفتند اینها دیگر کی هستند؟ بعد هم یک مارک کمونیستی، دیگر آبروئی برای رای دهنده در ده باقی نمیگذاشتند. فردی از افراد حاضر بر سر شمارش آراء میگفت: آراء مخالف نظر خودشان را نابود کرده اند."

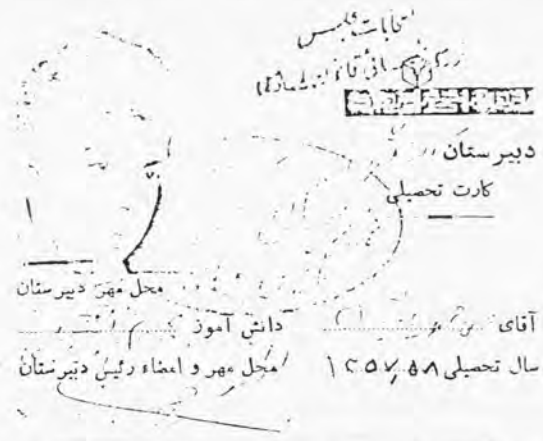

۲ – طبق یک گزارش که به وزارت کشور تسلیم شده است در حوزه کردان واقع درشهرستان کرج تعداد ۶۴ برگ انتخاباتی از بیرون حوزه نوشته شده وبرای ریختن به صندوق بداخل حوزه آورده شده است. هوشیاری بازرس باعث شد که این برگها لو برود. این ۶۴ رای که یک نمونه آن کلیشه گردیده، عینا به وزارت کشور تسلیم شده است.

بسمه تعالی
دولت موقت جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
برگ تعرفه انتخابات رای دهندگان
مجلس بررسی نهایی قانون اساسی
«تعرفه انتخاباتی رای دهندگان»

- نام و نام خانوادگی
- شماره شناسنامه — شماره شعبه اخذرای
- بخش — شهرستان
- حوزه انتخابیه استان
- امضاء منشی شعبه اخذ رای
- امضاء نماینده فرماندار وبخشدار
- امضاء یا اثر انگشت رای دهنده
- محل مهر انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی
- تاریخ

بسمه تعالی
دولت موقت جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور
برگ رای انتخابات مجلس
بررسی نهایی قانون اساسی
«ورقهٔ رای»

- آیت الله سید علی خامنه ای
- آیت الله سید محمود طالقانی
- آیت الله سید محمد حسینی بهشتی
- آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی
- آیت الله شیخ محمد تقی فلسفی
- سید ابوالحسن بنی صدر
- مهندس عزت الله سحابی
- عباس شیبانی
- حاج مهدی عراقی
- علی محمد علی

محل مهر انتخابات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی

۳ – گزارش یک بازرس که عینا به وزارت کشور تسلیم شده ومتن آن دراینجا تایپ گردیده است:

"فرماندار محترم شهرستان تهران

محترما، معروض میدارد، من بازرس شماره ۶۰۹۰ درساعت هشت وربع صبح روز ۵۸/۵/۱۲ دربازرسی که از حوزه انتخابی شماره ۴۷۴ بعمل آوردم، مشاهده کردم که شخصی با سه برگ انتخابی اقدام به اخذرای نموده است.

لازم به تذکر میباشد که هرسه برگ مذکور دارای یک اثر انگشت میباشد. وسه شناسنامه دردست ایشان موجود بود که متعلق به یک خانواده میباشد... سه برگ انتخابی مورد نظر به پیوست میباشد که به کاندیداهای حزب حاکم رای داده است."

۴ – امر راهنمائی ونویسندگی درحوزه ها طبق قانون به افرادی از معتمدین محل بایستی واگذار شود.

ولی طبق نامه فوق که سپاه پاسداران نوشته است فردی به این منظور به حوزه ۱۷۵۳ معرفی گردیده است.

آیا این تنها نمونه میباشد؟ آیا از این نمونه ها بطور غیر رسمی اعمال نشده است؟

۵ – حوزه ۱۳۲۴ طبق اطلاعیه ستاد انتخاباتی در مسجد بلوک شهربانی خیابان پارس مستقر بود ولی بعدا "صندوق دیگری تحت همان شماره در داخل ماشین تویوتا ۵۷۹۶۳ تهران ۲۴ بصورت سیار به جمع آوری رای مشغول بود. وطبق گزارش ناظران عینی وهم چنین بازرس حوزه ۱۳۲۴ هیچ نوع کنترلی روی این صندوق وجود نداشته، و ۴ نفر مستقر درداخل ماشین اغلب رأی ها را خودشان نوشتند و به صندوق ریختند. درصورتیکه اساسا "طبق اعلامیه های ستاد انتخاباتی هم چو صندوقی وجود خارجی نباید داشته باشد.

شماره ۱۷۵۴ — تاریخ ۵۸/۵/۱۲ — پیوست

بسمه تعالی

به وسیله خواهر زهرا قیری عضو کمیته در امر راهنمایی ونویسندگی درحوزه شماره ۱۷۵۴ به هشت نفر پنج نفره معرفی میگردند.

خواهشمند است با ایشان همکاری لازم را مبذول دارید.

ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۵۸/۵/۱۰

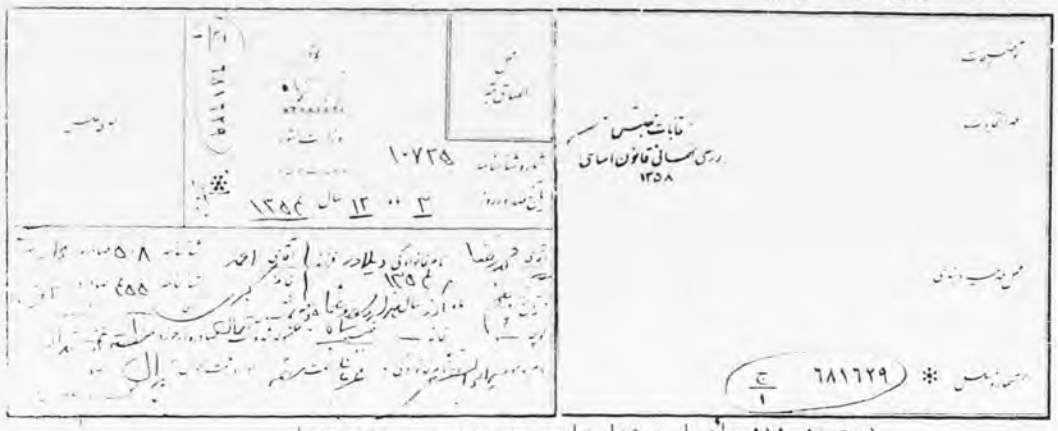

درحوزه ۵۱۵ رأی این شناسنامه به صندوق ریخته شده است.

بقیه در صفحه ۱۱

آیا بازسازی دستگاههای اطلاعاتی...

بقیه از صفحه ۱

یک سیستم اطلاعاتی مردمی، همانگونه که در جریان انقلاب اخیر شاهد آن بودیم توسط خود توده ها بوجود آمده و با مشارکت فعال خود آنها هم به حیات خود ادامه میدهد. قطع این ارتباط بمرلهٔ قطع شریانهای حیاتی آن سیستم وبالمآل تبدیل شدن آن به سیستمی ضد خلقی و در برابر آنهاست. فراموش نمیکنیم در دوران پرشکوه و پرشور انقلاب چگونه مردم ما هرگونه توطئه ای را افشا میکردند، واجازه هیچگونه دسیسه چینی به ضد خلق نمی دادند. نطق کذائی شاه توسط کدام شبکه پیچیده ای به خارج درزکرد؟ وحتی پرسنل آگاه وممارز ارتش، جدید ترین تصمیم گیریها وتغییر و تحولات را چگونه و با چه مکانیزمی در اختیار انقلابیون قرار میدادند؟ همانگونه که در داستان زندگی و مبارزات پیغمبرانی نظیر "موسی" نیز میبینیم که کوچکترین امری حتی در دربار فرعون، از نظر او دور نمیماند.

بنابراین با طرح و ایجاد سیستمی اطلاعاتی این سوال نیز بلافاصله مطرح میشود که کدام سیستم اطلاعاتی، باچه هدفی و در مقابل چه کسی؟ از آنجائی که هرشکلی ناگزیر بنا بسی مستقیم وارگانیک با محتوای خاص خود دارد، پرسیدنی است در سیستم اطلاعاتی که مبنا، تجربه و تخصص است و نه چیز دیگر، چه اهدافی دنبال میشود؟ همان متخصصینی که سالها سابقه جنایت در دستگاههای اطلاعاتی رژیم منفور پیشین را دارند، چه کاری به نفع توده ها میتوانند بکنند. بی جهت نیست که دعوت دوباره آنها برای بازگشت به سر کارهای قبلی، آنهم به این سرعت، برای خودشان سرنسار خیرت انگیز است.

سیستم اطلاعاتی رژیم گذشته:

هرنظام وارگان سرکوبگری در کنار خود احتیاج به منبعی دارد، تا خوراک لازم را برای آن فراهم آورد. ازهمین رو در نظام پیشین، ارتش نیز ارهمان بدو امر اداره اطلاعات و ضداطلاعات را تشکیل داد، تا اولا" فعالیت خود پرسنل را کنترل کند، وثانیا "طرحهای لازم را برای بقاء رژیم وسرکوب خلق فراهم آورد. اختناپوسی که بر تمام ارکان حیاتی جامعه و بر تمام شئون زندگی انسانها پنجه افکنده وکوچکترین روزنه ای را به سوی آزادی بسته بود. امکانات تکنیکی و انسانی که در اختیار آن بود، غیر قابل تصور بود. طبق آمار و برآوردهای خود رژیم تعداد ۱۷۴۸۰ منبع ضد اطلاعات ارتش در گوشه وکنار به کار کثیف وضد مردمی خود مشغول بودند.

مراودات و مشورتهای مکرر ومرتب با مستشاران آمریکائی این امکان را برای آن فراهم میآورد که از آخرین دستاورد ها و شیوه های ضدخلقی سیا و پنتاگون بهره گیرد. واینهمه برای آن بود که کوچکترین ندای آزادیخواهی وحق طلبانه ای را در نطفه خفه کند. اگر ضد اطلاعات ارتش را باقوس شوم سرکوب وعامل تمام بلایا و فشاری بدانیم که طی سالها بر این خلق ستمدیده رفت، سخنی به گزافه نگفته ایم. ساواک از درون همین سیستم منحوس پا به عرصه وجود گذاشت، و چهره کریه آن همواره بعنوان مقدمه و پیش درآمدی قبل از ورود ارتش ودیگر ارگان های سرکوب رژیم عیان میشد. به همین جهت تلاش بسیاری صرف تربیت و پرورش افرادی شد که از یکطرف کلیه روابط و پیوندهای آنها با توده مردم و خواسته های آنها بریده شده باشد، و از طرف دیگر متخصصینی کار آزموده در خدمت اهداف پلید مورد نظر باشند. مجموعه این عوامل دست بدست هم داد و سیستمی را بوجود آورد که با آخرین لحظات حیات نظام گذشته به توطئه و کشتن نقشه و طرحهای ضدخلقی مشغول بود و بهر کوششی برای خنثی کردن تلاش مردم در گسستن زنجیرهای دیکتاتوری دست میزد. طبق اسناد و مدارکی که به دست آمده شبکه های متعددی مثلا" تحت عنوان "ستاد بررسی تهدیدات، شایعات و تبلیغات مضره" و ... سعی در یافتن راه چاره ای برای استحکام رژیم داشت. از طرح کودتا گرفته تا پشتیبانی از دولت بختیار، بررسی وتعیین موضع ارتش شاهنشاهی در مقابل تشکیل دولت سایه (منظور دولت مهندس بازرگان است. به کارنامه مجاهد شهید سرگرد علی محبی مراجعه شود.) همه از اینگونه چاره اندیشی ها است.

پس از انقلاب، ضد انقلاب کجا رفت!

بعد از انقلاب، توده های از بند رسته که هیچ مانعی در پیش پای نمی ساختند، سالها کینه و خشمی را که در سینه انباشته بودند نثار رژیم و تمام عوامل و ایادی و نهادهای آن کردند. از حمله ساواک نیز زیرگام های استوار آنها برابر و درآمد ولی عجیب اینکه دستگاههای ضد اطلاعات ارتش از تعرض مصون ماند، و تحت چتر و حفاظی که از دست نخورده ماندن کل سیستم ارتش ایجاد شده بود به حیات زیر پرده خود ادامه داد. وپس از مدتی تحت عنوان تازه "تداوم انقلاب" و "اداره مشاوره وارشاد" و ... عیان شد. نظامیانی که با آگاهی از اعمال کثیف وضد انسانی خود از ترس بخود میلرزیدند، پس از اندک زمانی با حیرت و ناباوری، با دعوت برای بازگشت به سر کارهای قدیم خود مواجه شدند. اداره هشتم ساواک نیز که عنوان "ضد جاسوسی" را یدک میکشید، همانگونه که همواره مشاهده شده است در ابتدا با شعار و هدف "دفاع از تمامیت ارضی کشور در برابر حملات دشمنان خارجی و فعالیت های سیگانگان" جای خود را در کار ضد اطلاعات ارتش باز یافت. زیرا همانگونه که گفته شد تا زمانیکه به ارتش، ضد اطلاعات آن پیوسته نشود و یکپست معاونت در وزارت دفاع برای آن ایجاد نگردد، کارآئی لازم را ندارد. ولی در ادامه این تلاش سازمان یافته و حساب شده، با حصول نتیجه قطعی هنوز یک قدم اساسی در پیش است. و آن اینکه این توطئه رسوا چگونه بمردم عرضه شود. از طرف دیگر پاسخ پیش بینی شده به خواستهای متنوع خلقها، سرکوب از طریق ارتش است و ارتش نیز بی صرانه مسطر هموار کننده همیشگی راه وسیع بعدی ای است که مقدمات لازم برای تجاوز را فراهم کند. ترکیب فعل از انقلاب آنچنان چهره ای متصنع دارد که همچگونه ضدان عملی در پیش مردم نخواهد یافت.

سوء تازه ای جستجو می شود:

اینجاست که چاره ای تازه اندیشیده و بای افراد غیر نظامی به میان کشیده شود.

همانطور که دیدیم ارتش بتنهائی در شرایط کنونی قدرت عمل ندارد. ودر کنار آن پاسداران انقلاب باید متنوعیت تجاوزات مکرر وی را فراهم کنند. همینطور سازمانهای اطلاعاتی تازه تاسیس نیز با استفاده از عناصر ضد انقلابی گذشته قلل ارائه و عرضه نیست و باید تحت نظر عوامل غیر نظامی ارتجاعی تازه ارتجرح آمده و یا افراد اطلاعاتی سازمانهای ارتجاعی، آغاز بکار کنند. این ترکیبی است که در کلیه نهادهای ضدخلقی تازه تاسیس بچشم میخورد. بدینترتیب دیگر تجمع و آغاز بکار همکاران پالیزبان ها مورد سوال قرار نخواهد گرفت. این سوال پیش نخواهد آمد که آیا دارده ضد خلقی که وظیفه اش حفاظت و حراست از مزرها و جلوگیری از توطئه های سرسپردگانی نظیر پالیزبانها است، آیا میتواند بر علیه همکاران قدیمی خود که درهمان نقاط به تجاوزات آشکار و فعالیت های ضدانقلابی خویش مشغولند، اقدام کند؟ و یا اینکه این سیستمهای اطلاعاتی چرا و از چه رو، اولین آرمایشهای خود را روی نیروهای انقلابی (که خودماهم ازگرند آن چندان بی نصیب نماندیم) پیدا ه میکنند؟ پس یکبار دیگر به نقطه آغاز همان سوال اساسی بازگردیم که:

"آنچه را در این مسیر (که البته جدای از هدفها هم نمیتواند باشد) تعیین کننده میدانیم کدام است؟ تخصص یا ایدئولوژی؟" چرا که بسته بپاسخی که به این سوال میدهیم راه آینده مان را هم مشخص کرده ایم. اهداف ایدئولوژیک ما هیچگاه بر سرکوب خلقها و ایجاد دیکتاتوری و فشار و اختناق نه تنها صحه نمیگذارد، بلکه قاطعانه در مقابل آن خواهد ایستاد. ولی اگر سر دیگر داریم، از تخصص که به عالیترین شکلش نزد مستشاران آمریکائی یافت میشود میتوان استفاده کرد. اما ....

دیدگاههای ایدئولوژیک مجاهدین خلق

برداشتهائی از نهج البلاغه (عمدتاً خطبه های ۹۱ و ۱۹۶)

امام علی میخواهد ستم اجتماعی را بطور بنیادی نابود سازد.

(در مورد این اصول و احکام) هیچ سازی به " مشورت " شما هم نیست . به خدا قسم در این موارد (که پای اصول در میان است) به شما می‌توانید مرا سرزنش کنید و به دیگری غیر از شما . . . " این خطبه در پاسخ به این سؤال طلحه و زبیر ایراد شد که " چرا علی مشورت با ایشان را ترک کرده و در کارها از آنها کمک نمی‌طلبد " . بخوبی روشن است که طلب این مشورت " و تقاضای دموکراسی در امر اداره و رهبری جامعه از چه جایگاه و موضع طبقاتی سرچشمه می‌گیرد . درواقع طلحه و زبیر خواستار یک امتیاز و حق " سیاسی " شده‌اند . آنها " سهم " خویش را در تصمیم گیری از علی طلب می‌کنند . " سهمی " که دقیقاً در جهت برآوردن و تأمین منافع طبقاتی و اقتصادی ایشان و به مثابهٔ بازتاب سیاسی . امتیازخواهی آنان است . (امتیاز دادن به بعضی‌ها در تقسیم بیت‌المال) یک امتیاز سیاسی‌ای است که از یک امتیاز اقتصادی ـ اجتماعی نشأت گرفته ، و در عمق خود و بنیاد امتیاز و فشاری است که می‌خواهد علی را به عدول از مواضع خود وادار کند . و امتیاز ایدئولوژیک بگیرد . اما علی اهل امتیاز دادن و تبارز نیست . تبارز با چه کسانی ؟ . با کسانیکه بوئی از انقلاب و اسلام راستین و مضمون عدالت نبرده‌اند ، و از روی ناچاری و ترس از افکار عمومی با امام بیعت کرده‌اند ؟ آنهائی که دین چیزی جز وسیله دنیائشان نبوده و در امر انقلاب به چیزی جز غنائم و موقعیتی از آن نمی اندیشند ؟ و امتیازدادن به چه قیمتی ؟ چرا به قیمت مایه گذاشتن از اصول و از دست دادن هویت و مواضع یکپارچه خودش ؟ با این افراد و جریانات چه وجه‌شبهی می‌تواند داشته باشد ؟ دیدگاه و منش او اساساً " و از بنیاد با تفکرات بی‌محتوای شرک‌آمیز و سودپرستانه امثال طلحه و زبیر متمایز است . اختلاف و تضادی که بطور آشتی‌ناپذیر منافی بنیادهای ایدئولوژیکی یکدیگرند ، و لازمهٔ اثبات و حیات یکی ، نفی و مرگ دیگری است . اینست که در همان روزهای اول بعد از پیروزی انقلاب خطاب به این عباس صریحاً میگوید : " ابن عباس ! من اهل اینگونه حرفهای تو و مغیره نیستم . . . نظر مشورتی خود را می‌گوئی ، من هم نظری می‌دهم . بعد از اینکه ، نظرت را پیدا برقم ، باید حرف مرا اطاعت کنی . . . " (امام علی جلد ۲) .

در اینجا علی بر اصل رهبری و مرکزیت تأکید می‌نماید ، و حدود " مشورت " را آنجائی می‌داند که اصول نقض نگردند . والا وقتی که مسأله انحراف از اصول در میان باشد ، به هیچ مشاوره‌ای احتیاج ندارد ، و هیچ سازی هم به نظرات تجدیدنظر طلبانه و تعدیل‌های این و آن ندارد . . از دیدگاه علی مشورت با کسانی که از هیچگونه صلاحیتی برخوردار نیستند ، و صرفاً " از یک موضع فرصت‌طلبانه و بخاطر منافع خود درصدد کسب امتیاز سیاسی هستند ، نمی‌تواند کار درستی باشد . آنها در حقیقت مشورت را وسیله‌ای برای تأمین خواست ها و تمایلات طبقاتی خود یافته‌اند . چنین مشورتی در نهایت جز بازتکاری و دست‌نشاندن از " اصول " نخواهد بود . تن‌دادن به شورا با چنین کسانی در واقع به معنای پذیرفتن کادر و خارجوئی است که در آن کادر خط مشی علی از پیش رد شده‌است . بدین علت است که علی قاطعانه در برابر این خواست طلحه و زبیر ایستادگی میکند . والاترین است که مشورت در شکل صحیح آن یک اصل انکارناپذیر است که خود علی بارها بر آن تأکید نموده است ، و در موارد متعددی در نهج‌البلاغه از جمله کلام ۱۵۲ و ۱۶۴ ضرورت آن را خاطرنشان ساخته است . علی بارها در عمل و در جریان اداره امور جامعه این اصل را بکار می‌بسته و از مشورت با مردم و افراد دیصلاح دریغ نمی‌کرده است .

بهرحال مردم چون با علی بیعت کردند . یک روز هم صبرنکرد و آماده الغاء سیستم و نظامی شد که از حدود ۲۵ سال پیش مستقر شده بود .

دوری و پراکندگی برخی نیروها پس از موضع‌گیری قاطع و اصولی امام علی

بسیار طبیعی و قابل پیش‌بینی است که بلافاصله پس از چنین موضع‌گیری ، خشم کسانی که با بخش‌های نظام قبل ممتاز شده بودند ، برانگیخته شود ، و با اجرای آن جنبش‌ها از اطراف علی پراکنده و حمایت خویش را از او قطع کنند . حتی به توطئه‌چینی بر علیه وی دست زنند .

طلحه و زبیر بلافاصله از نزد علی برخاسته و بسراغ سران مرتجع جاهلیت دیروز رفتند ، تا آنها را علیه علی تحریک و متشکل سازند . عده‌ای نیز که با پاکرفتن حکومت علی موقعیت و منافع خود را در خطر می‌دیدند به ایشان پیوستند و بنای ضدیت با او را نهادند .

پیشنهاد امتیازدادن غیراصولی برای جذب افراد و نیروها

درست در همین نقطه است که نصیحت‌گران و توجیه‌کاران زبانشان دراز شده و سرزنش ها و پند و موعظه‌ها آغاز می‌گردد . عده‌ای به علی می‌گویند : سیاست تو عملی نیست و افراطی است ، و موجب افروخته شدن آتش اختلاف در میان کسانی می‌شود که سرآبای دوران اشرافیت از ایشان سلب شده است . (امام علی جلد ۲)

در این مورد موضعگیری و سخنان موعظه‌گرانه معیره بن شعبه بسیار جالب است :

معیره خطاب به علی گفت : " من به تو نصیحت می‌کنم که کارگزاران گذشته را در جای خود ابقا کن . معاویه را از کار خود بکنار . ابن عامر را هم ابقاء کن . دیگر کارگزاران را هم در جای خودشان باقی گذار . آنان با تو بیعت و اعلام همبستگی می‌کنند و کشور را هم امن و آرام نگه می‌دارند ! (امام علی جلد ۲) .

علی نیز در پاسخ وی گفت :

" بخدا قسم اگر شامی از زور مانده باشد در اجرای خط مشی خودم تلاش بخرج می‌دهم . و هرگز افرادی از قبیل آنهائی را که نام بردی والی نمی‌کنم . بخدا قسم معاویه را دو روز هم بر نمی‌گمارم . اگر آنها عزلشان را بپذیرند ، چه بهتر و اگر نپذیرفتند با تشنیر به خدمشان میرسم " .

امام علی برای جذب افراد و نیروها امتیاز نمی‌دهد

او می‌خواهد ستم اجتماعی را بطور بنیادی نابود سازد

علی یک انقلابی معتقد به کار مکتبی است که با مصلحت گرائی و سازشکاری و موضعگیری های سیاسی (بین حق و باطل) بکلی بیگانه است . مثلاً " وقتی رویه‌ای را درست و اصولی تشخیص میدهد دیگر اعتراض و مخالفت این و آن نمی‌تواند تخفیف و تعدیلی در موضع اصولی او ایجاد کند . البته این به معنای عدم انعطاف لازم در موارد تاکتیکی نیست . و نباید از این مسأله درست بودن اقدامات خبرواره را برداشت نمود . بلکه مطلب بر سر این است که علی در اصول هرگز اهل کوتاه آمدن و سازش نیست . روشن است که این موضعگیریهای قاطع با جنبه اداره می‌تواند موجبات نارضائی اقشار ممتاز و طبقه استثمارگر را فراهم سازد . تقابل یک مصلحت‌گرا و یک فرد معتقد به کار مکتبی نیز در همین جا است که اولی در برابر امواج مخالف و فشارهای مزبور تسلیم شده ، و چه بسا ممکن است از تصمیمات خود منصرف گردد . و حال آنکه یک انقلابی معتقد به مکتب و اصول حتی به قیمت فداساختن همه امکانات و نیروی خود و حمایت‌ها و . . . حاضر خواهد شد از آنچه که بعنوان " اصل " بدانها پای‌بند است دست بکشد . قاطعیت علی (ع) در این موارد بسیار قابل توجه است . در نامه‌ای به مالک اشتر نوشت :

" سپس بدان که : حکمرانان را خویشان و نزدیکانی است که به خودسری و گردنکشی و دراز دستی (به مال مردم) و کمی انصاف خو کرده‌اند . ریشه و اساس ایشان را از طریق مبارزه با عوامل و شرایطی که موجب وضعیت ستمگرانه می‌گردید ، از بیخ بر . و ظلم را بطور بنیادی نابود کن ، یعنی هرگز به کسانی از آنان که در اطراف هستند و یا به اهل بیت و خویشاوندانت چیزی از زمین به اقطاع مده و مزرعه و آبادی را به آنان واگذار نکن " .

پس از روی کارآمدن علی ، معیره وقتی قاطعیت و سرسختی او را دید ، با اتخاذ یک موضع پراگماتیستی ظریف و مصلحت‌گرایانه می‌خواست علی را وادار سازد که در رابطه با کارگزاران زمین بطور تاکتیکی هم که شده موضع سرسختانه‌ای نگیرد . معیره به امام نصیحت کرد : " همیشه بیعت آنان و اطاعت سپاهیان از تو ، تثبیت شد ، هر کس را خواستی عوض کن و یا باقی گذار . . . " ولی علی از این سرهم بندیها و جوشکاریها بلد نیست . و اصلاً " اهل خوشکاری نیست . پاسخی که علی باین راه حل معیره می‌دهد بسیار جالب و قابل تعمق است . به او می‌گوید : " . در مکتبم نیرنگ وارد مکن و در کارم خدشه روا مدار . . . "

بقیه از صفحهٔ ۱

یعنی که هرگز اصالت و خلوص ایدئولوژیک‌ام را در ازای کسب منافع تاکتیکی و کوتاه مدت فدا نخواهم ساخت . و از چنین " وسیله "ای برای رسیدن به " هدف " استفاده نخواهم کرد . چرا که می‌داند استفاده از چنین " وسیله‌هایی " وی را در دراز مدت از هدف نیز دور خواهد کرد ، و عملاً " اقدامات او را هم محدوش خواهد نمود . لیکن اگر ایدئولوژی و اصول را مدنظر داشته باشد ، بطور استراتژیک همه چیز بدست خواهدآورد . اگرچه در مقاطعی بطور تاکتیکی در موضع ضعف قرار گیرد . امام علی ، از این نظر یک تجربه طولانی خانه نشینی و انزوای ۲۵ ساله را نیز پشت سر دارد . و کاملاً " بر این امر آگاه است که اقدامات و تصمیمات قاطع اصولی برای حفظ اصالت و خلوص ایدئولوژیک خود ، مستلزم از دست‌دادن چیزهایی نیز هست . طی این مدت ۲۵ سال ، علی بدنبال پاسخ " به " که به عملکردها و خط مشی انحرافی گفت ، گرچه حمایت‌های بسیاری از او دریغ شد و در کوتاه مدت به انزوله شدن او منجر گشت ، اما درست در همین نقطه ، حقانیت و آینده تاریخی او ، اثبات و تأمین گردید . آری ، او طی این مدت در حالیکه چشمانش را خاشاک و گلویش را استخوان گرفته بود (خطبه شقشقیه) پایداری کرد . تا آنکه از " مبرات تاراج رفته‌ای " حراست کند که در معرض مسخ و تحریف قرار گرفته بود .

نامهٔ "سعادتی" خطاب به خلق قهرمان ایران

مردمی مسلح به سلاح ایمان و شهادت، به دفاع و پاسداری از خون شهدا بپاخواسته‌اند

نامهٔ زیر که سعادتی آنرا متعاقب شکستن اعتصاب غذای ۴۵ روزه خود خطاب به خلق قهرمان ایران نوشته است توسط پست بدست همسرش رسیده که بدینوسیله باطلاع عموم میرسد .

"نام خداوند درهم کوبندهٔ ستمگران و نگاهدارندهٔ رهبران"

در چنین شرایطی که حسب الامر حضرت آیت الله طالقانی به اعتصاب غذای خود پایان دادم ، و در ضمن شرایطی فراهم شده تا بالاخره بتوانم چنین رابطه‌ای را برقرار کنم . لازم و وظیفه خود دانستم که چند کلمه‌ای را به محضر خلق قهرمان ایران نویسم خواهران و برادران رزمنده‌ای که بطرق گوناگون نسبت به اسارت این برادرشان معترض بودند ، تقدیم دارم .

بار مادران داغدیده و ستم کشیده‌ای را دیدیم ، که با فریادشان خبر از اسارت فرزندی را می‌دادند . اسارتی مجدد ولی در شهر آزادی . . .

بار صفوف منظم راهپیمایان را دیدیم ، مادران ، پدران ، خواهران و برادران نگران ، که در صفوفی مشکل و با قاطعیتی تمام ، مسلح به سلاح ایمان و شهادت به دفاع و پاسداری از خون شهدا بپا خاسته بودند ، آنها همگی آزادی مجاهدی به بندکشیده را خواستار بودند .

دشمن هیچ فرصتی را برای توطئه‌ـ جنبی از دست نمیدهد

بار وجدانهای بیداری را دیدیم که بطرق مختلف از کلیه اقشار ، اضطراب و نگرانی عمیق خود را نسبت به پایمال شدن خون شهدا ابراز می‌کردند . آنها همگی خواستار آزادی فرزندی به بند کشیده شده بودند . " آزادی سعادتی " اما واقعاً " مسئله تنها در " آزادی سعادتی " خلاصه میشد . این همه فریادها ، این همه تلاش ها و این همه نگرانی ها تنها بخاطر همین بود ؟ طبیعی است که چنین نیست . به بندکشیده شدن فرد خاصی مطرح نیست . در ورای این اسارت و یا در تعقیب در پشت این توطئه ، اسارت و نابودی ارزش هایی است که به بهای خون هزاران شهید و هزاران اسیر بدست آمده است .

فردی دستگیر می‌شود ، شکنجه می‌گردد ، پرونده‌ای ساخته می‌شود و متهم به جاسوسی !! ، جاسوسی سفیر بیگانه !! . . . این فرد اتفاقاً " عضو سازمان مجاهدین خلق ایران است . تبلیغات علیه او شروع می‌شود ، او را آگاهانه "بزرگ" می‌کنند . یکی از رهبران سازمان ! . . فرد سوم سازمان ! . . . و . . . چرا ؟ هدف چیست ؟ هدف برای دشمن روشن است . دشمن هیچ فرصتی را برای توطئه‌چینی و حمله از دست نمی‌دهد . تا بی‌اعتبار کردن این فرد مستقیماً " بی‌اعتباری سازمان متبوعش را دنبال می‌کند . پس "بزرگ‌کردن" و بالابردن مواضع سازمانی این فرد ، تاکتیکی است که در پس چنین استراتژی و با چنین توطئه‌ای قرار می‌گیرد . توطئه‌ای علیه نیروهای انقلابی از طرف عوامل ارتجاع . عواملی که همواره و در نهایت در یک نقطه ـ یعنی ضدیت با نیروهای انقلابی ـ با دشمنان خارجی تلاقی خواهند نمود .

دفاع از تمامی ارزشهای مکتبی

بنابراین در این جریان تمامی ارزشهای مکتبی و انقلابی مجاهدین مطرح است نه فرد " سعادتی " .

دفاع از جنبش سیاسی ـ ایدئولوژیک " سعادتی " دفاع از تمامی ارزش‌های اصیل و انقلابی سازمانی است که موجودیتش مرهون خون پاکترین و عزیزترین فرزندان خلق و تحمل وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها و شهادتهای هزاران مجاهد دیگر است .

خواهران و برادران قهرمان : شما با درک عمیق این مسئله بهترین پاسخ را به این عوامل شاخته شده دادید . پاسخی مطلوب برای هر مجاهد دردمند و متعهد ، و پاسخی دندان‌شکن برای هر عنصر فرصت‌طلب و مرتجع ، آفرین بر شما .

درود بر شما باد که نشان دادید پاسداران واقعی انقلاب پیروزمند ما هستید . و این شما هستید که با دردمندان نبرد با هرگونه توطئهٔ ضد انقلابی و ارتجاعی با سلاح ایمان و شهادت پیکار می‌کنید ، و از دستآوردهای انقلاب پاسداری می‌نمائید .

شما نشان دادید که دیگر تاریخ تکرار نخواهد شد ، و نیروهای انقلابی توسط عوامل کهنه و ارتجاعی و به کمک دشمنان خارجی دیگر به این سادگی از صحنه خارج نخواهند شد . پاسخ خلق قهرمان ایران در این شرایط به هرگونه حق‌طلبانه‌ای خنثی سریع ، قاطع و کوبنده است . درود بر شما پاسداران نهایی دستآوردهای انقلاب .

تمام شرایط عینی و تاریخی برای تحقق واقعی جامعه بی‌طبقه توحیدی فراهم است

شما تبلور راستین تمامی دردها ، نگرانی ها ، کینه‌ها ، خشم‌ها ، و فریادها علیه تمامی توطئه‌های ارتجاع بودید .

شما تبلور راستین اسلام ناب و خالصی بودید که دیگر بلحاظ تاریخی نه به هیچگونه سازشی با ارتجاع خواهد داد . اسلامی که تمام شرایط عینی و تاریخی برای تحقق واقعی آن یعنی جامعهٔ بی‌طبقه توحیدی فراهم است .

درود بر شما دانش آموزان و دانشجویانی که در این آزمایش و امتحان اجتماعی ، هشیاری و تعهد مکتبی خود را نشان دادید ، و تصویری آشکار و روشن از اسلام اصیل و انقلابی عرضه کردید . . . آفرین بر شما تبریزیان و فرزندان این خلق قهرمان .

من هرچند که عواطفی مایل بودند و به وسایلی هم متوسل میشدند ، ولی این فریادها ، این نگرانی‌ها و این عواطف را می‌شنیدم ، و عمیقاً " آنها را احساس می‌کردم . آرزو داشتم که من هم در کنار شما بودم و فریاد می‌زدم ، راه پیمائی می‌کردم و خلاصه با شما گام برمی‌داشتم . ولی تکرار آرزویی نیش نبود . آرزویی که در یکسال قبل هم سرتاسر وجود من و تمامی آنهائی را که در زندانهای رژیم فاشیستی آریامهری بودند ، آشیانه بود . در آن موقع تنها پاسخی که می‌توانستیم به این قیام باشکوه و خونین بدهیم ، احساس و ابراز همدردی و اعلام همبستگی و درنهایت چندروزی اعتصاب غذا بود .

تنها پاسخ من به دردها و نگرانیها

اینبار تنها یک نفر بود . من بودم و سلول . . . و تنهائی و اعتصاب غذای نامحدود . اینبار تنهائی می‌بایستی شکنجه و فشار ناشی از اسارت را تحمل کنم . اسارت در بند کی و در بند چه کسی ؟ اسارت در چنگال توطئهٔ ارتجاع که بار تحمل تمامی فشارهای ملموس این اسارت را بدوش داشت . از شکنجه‌های جسمی گرفته تا انواع و اقسام شکنجه‌های روحی . . . تحمل درک ملموس تمامی ضدیت‌ها با نیروهای انقلابی . در چنین شرایطی پاسخ من ، تنها عکس العمل من به این دردها و نگرانی‌ها و به این فریادهای حق‌طلبانه چند قطره اشکی بود که فرو می‌ریخت . قطراتی که از پیوند عمیق بین من و شما خبر می‌داد ، خبر از درد واحد ، آرزوی واحد و خبر از عشق واحد . عشق به خدا و عشق به خلق خدا . قطراتی که پیام‌آوران امید و روشنی بودند ، نشان از طوفانی را میدادند که میدان را برای هرگونه سکون و نیرو هرگونه تاسی را برهم می‌زدند و امواجی از حرکت و امید ایجاد می‌کردند .

قطراتی که تبلور راستین نیروی حق بر باطل ، انقلاب بر ارتجاع بودند . قطراتی بودند که از وجود و عمق آرمانهای شما خواهران و برادران می‌جوشید ، و پس از لبریز کردن ظرفیت وجودیم از دریچه جسمم به بیرون نیروی و بشارت فتح خارج می‌گشتند .

لحظات باشکوهی بودند که من تمام توان لازم برای حرکت در مسیر شهادت را می‌داد ، و تمامی رنج حاصل از اسارت را از بین می‌برد . و در چنین لحظاتی می‌خواندم : *یا رب قو علی خدمتک جوارحی و اشدد علی العزیمه جوانحی و هب لی الجد فی خشیتک و الدوام فی الاتصال بخدمتک حتی اسرح الیک فی میادین السابقین و اسرع الیک فی البارزین و اشتاق الی قربک فی المشتاقین و ادنو منک دنو المخلصین و اخافک مخافک الموقنین و اجتمع فی جوارک مع المؤمنین . . .*

از خدا می‌خواهم که به من توان را بدهد که بایستگی این را داشته باشم تا بعنوان یک عضو ساده سازمان مجاهدین خلق ایران این همدردی ، این همگامی و خلاصه این پیوند را حفظ نمایم و بتوانم در حد خودم پاسخگوی تعهداتم باشم .

در اینجا تعظیم و تکریم خودم را نسبت به تمام احساسات پاک و خالصانه‌ای که به اشکال مختلف در این مدت سه ماهه از طرف کلیه خواهران و برادران مجاهد و آزاده خودمان تقدیم می‌دارم ، باشد که من هم متقابلاً " بعنوان یک مجاهد ، شایسته این مهر باشم تا مبادا دچار خشم خدا و خلق گردم .

نابود باد توطئه های ارتجاع
مرگ بر امپریالیسم خونخوار بسردمداری آمریکا
سلام بر آزادی ـ در اهتزاز باد پرچم انقلابی اسلام
مستحکم باد پیوند خلق با پیشتاز خلق
سید محمدرضا سعادتی
۸ / مرداد / ۱۳۵۸

نگاهی به مطبوعات

بقیه از صفحهٔ ۷

اسرار نظامی

کیهان ۱۳ مرداد ـ دادستانی ارتش اعلام کرد : فاش کنندگان اسرار نظامی مجازات میشوند .

انقلاب اسلامی ۱۵ مرداد ـ در این روزنامه با چاپ ۶ سند درباره ارتباط سرتیپ خسروی ، جانشین فرماندهی نیروی هوائی ، با اسرائیل و نیز سوابق بوهیدتا مرده و اعلام جانشاری وی در راه شاه سابق ، به تصمیم دادستانی در مورد افشای اسرار نظامی که در بالا اشاره شد اعتراض میکند .

پیغام امروز ۱۵ مرداد ـ سرتیپ شاکر رئیس ستاد مشترک ارتش مدت ۵ سال در دفتر اطلاعات ویژه شاه کار میکرده و رابط بین رکن ۲ و ساواک بوده است .

کیهان آزاد ۱۵ مرداد ـ رحیمی گفت : بردی یک پرشک است . و از امور نظامی بی‌اطلاع میباشد . و با فروش جنگنده‌ها ، آمریکا ما را خلع سلاح میکند ، وی گفت از ارتشبد ۱۵ سال زندان برای " افشای اسرار نظامی " نمی‌ترسم .

آرزوها داشتیم.... آرزوها داریم

دلهایمان پروازها داشت....

"به پاسدارانی که به گرداب فاجعه کشانده میشوند"

آرزوها داشتیم .... همین دیروز بود که وقتی از خانه در می‌آمدیم یادتو، باورمان بود . امید یافتن ترا داشتیم .. ...آرزوها داشتیم . در میان انبوه بی‌پناهی ها ، در رکبارهای بی‌انتها ، به امید روزی که تو پناهمان باشی ، به امید لحظه‌ای که تو خود نیز بی پناه باشی ـ همچو ما ـ زنده ماندیم و تنها بوی تر از کوچه پس کوچه های شب شنیدیم .

وقتی که در قهوه خانه ها از دور می‌دیدیمت و حجاب‌های اجباری نمی‌گذاشت عرق بوسه‌ات کنیم بغضمان را شبانه ، در زیر روپوشی می‌شکستیم ... و آرزوها داشتیم ....

در تهاجم وقیح توهین و تحقیر ، وقتی که چیزی نمی‌توانستیم بگوئیم ، وقتی کار دیگری از دستمان برنمی‌آمد ، به شما شکایت می‌بردیم . امیدمان شما بودید ... آرزوها داشتیم ... و در زیر تازیانه‌ها حتی یک لحظه نیز در حقانیت شما شک نکردیم . هیچگاه درنگ نکردیم .....برادرم جوانیش را با یاد شما پرپر کرد که جوانی شما پرپر بود .

در دیروز فاجعه ،در ظلمت فاجعه ، در تهاجم فاجعه ، در بطن فاجعه آرزوها داشتیم . و ننگ فراموشی شما را نخریدیم . در کنارتان ، بی‌آنکه ما را بشناسید با یکدیگر همسایه بودیم . سبها باهم سفر ها کردیم . دلهایمان پروازها داشت . و وقتی مجبور بودیم که خانه‌ات را ترک کنیم ـ بی‌آنکه خود خواسته باشیم ـ کوله‌بارمان اندوه جدائی‌ها بود ....

وقتی به غرش درآمدی ، وقتی به کوچه‌ها ریختی ، وقتی در پشت بامها بانگ برداشتی ، وقتی فریاد شدی ،وقتی از روزی که مسلح شوید ، گفتی ، وقتی زیر تانکها له شدی ، وقتی بدن مشبکت را در جیبها یافتیم ، وقتی در سوک تو نشستیم اوج پروازمان بود .... آرزوها داشت شکفته میشد . شرمنده بودیم . اما تنهانبودیم . احساس در پوستمان می‌شکفت .....

دردآور است برادر . دردآور... اسلحه برای همه آگاهی می‌آورد و تو از وقتی مسلح شدی فراموش کردی . آرزوهایت را بخاطر می‌آوری؟ آرزوهای سرخ شهادت را به یاد داری ؟ برادرم را فراموش کرده‌ای که چگونه در نیزار سرنیزه از تو دفاع کرد و اعدام شد ؟ و حالا چه کسی اعدام باید گردد .لحظه‌ای درنگ کن ، بخاطر بیآور آیا من و تو هر دو ، همه ، یکصدا فریاد نبودیم ؟

بعد از شاه نوبت چه کسی بود ؟

من ؟ ما ؟ .....؟ .....؟

غیر از این بود که آرزوهای همهٔ مان سرکردن شب و روزی بود در ایران ایران نه در ایالتی ، از کشوری که ، جرثومه بغض و غارت شناخته بودیمش .

امروز نیز آرزوها داریم ... امروز که ترا ببازی گرفته‌اند . امروز که نمیدانی اسلحه‌ات را بکدام سو نشانه روی . امروز که با خشم و کین بما نگاه می‌کنی . امروز که می‌خواهند از تو جلادی خوب بسازند . امروز که به تو گفته‌اند ما بیگانه‌ایم .امروز که بیگانه‌ات کرده‌اند ..... امروز نیز آرزوها داریم .

چهره برافروخته‌ات ، رگهای برآمده و فریاد خشم‌آلودت ما را از میدان بدر نخواهد برد .آرزوها داریم .... خوب می‌دانیم شما از مائید و ما بی شما هیچ .....

حیف از تو .... حیف.مشت گره شده‌ات هوا را به تندی میشکافد ، و تو نمی‌دانی ... نمی‌دانی . و درد همین جاست . تو آرزوهای ما را نمی‌شناسی . .. خود را نمی‌شناسی . حیف ..حیف از تو... حیف از این قدرنشناسی . گویا باز هم خون جرقه آگاهی خواهد بود و آنگاه بلوغ آگاهی در تو جوشه خواهد داد آرزوهایت دوباره زنده خواهند شد . پرسشها خواهی کرد . ... بن بست ها را خواهی دید .

چه کسی بین ما دیوار کشیده ؟

داغ اتهام را بی‌واهمه از تهمت و تصفیه برخواهی گزید . پرسشت تکرار طپش قلب همه دردمندانست ..... دیوار جدائی‌ها باید بر سر سازندگانش ویران شود ....

تحمل خواهی کرد ، خروش خواهی کرد که تو پل نیستی .... که هرگز نبوده‌ای .

* * *

در دیروز فاجعه آرزوها داشتیم .... در فاجعهٔ امروز نیز آرزوها داریم .

"دردوست داشتنت درنگ نمی‌کنیم"

"اما تو در نیاز خشمت بما نزدیک کن"

حیف از تو برادر... حیف

افطار رنجبر

با آنکه در تمامی اعصار همواره ،شعله‌های فروزان انقلاب از استخوان ما، زبانه کشیده است

درکلبه‌ام ولی
دراین غروب ساکت ودلگیر
یک هیمه نیست تا که بیفروزم (۱)

* * *

بس قرنها گذشت
ما خیل روزه‌دار
چشمانمان ،
این خیزگاه صاعقهٔ نفرت
بردورتر منارهٔ تاریخ
تا برکشد دوباره مؤذن
تکبیرهای سرخ رهائی را

* * *

هشدار ،
ای نشسته براین خوان غارتی
وقتی که تندر خشم خلق
بانگ مؤذنان رهائی
درآسمان شهر کند پرواز
آندم ،
افطار گرسنگان شهر
با ننگ ومرگ خصم شود ،
آغاز

۱ ـ ازهمسر پیامبر(ص) نقل شده است ، که ماه رمضان برما گذشت اما درخانهٔ پیامبر خدا از شدت فقر دود بلند نشد .

برخی مراکز قدرت، درمسیر انحصارطلبی، حدو مرزی نمی شناسند

درباره هجوم نظامی به مراکز مطبوعات

بنام خدا
وبنام شهدای گلگون کفن آزادی

گروههای امضاءکننده اعلامیه حاضر در نهایت تاسف و تعجب خبر مهر وموم کردن چاپخانه یادگار (آیندگان) و بازداشت تعدادی از نویسندگان وکارکنان آنرا دریافت کردند . تاسف باین لحاظ که روش های ضد دمکراتیک گذشته که آنچه را در اواخر حکومت پیشین بر مطبوعات آمد تداعی می‌کند و تکرار می‌شود . تعجب باین دلیل که جزاو در چه اوضاع و احوالی مدارکی که از بند و انقلاب در اختیار مقامات مربوطه بوده است ناگهان تحت عناوین کلی بافاسه، علم می‌شود . وانگهی بکدام محور قانونی قبل از محاکمه میتوان چاپخانه‌ای را تعطیل و انتشار روزنامه‌ها و مجلات وابسته به آن را صرفنظر از هر دید ـ گاهی که نسبت به این روزنامه‌ها وجود داشته باشد ، خودسرانه موقوف کرد .

باعتقاد ما این نشان دیگری است از لگام گسیختگی برخی مراکز قدرت که در مسیر انحصارطلبی خود هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد . بدیهی است که هر دادستانی می‌تواند در حدود صلاحیت خود هرجرم احتمالی مستند را به محاکمه بکشاند و پس از طی مراحل قانونی لازم، مجرمین مربوطه را کیفر دهد . اگرچه ما معتقدیم که برای تصفیه جامعهٔ مطبوعات از ایادی رژیم شاه هیچ مقامی صالحتر از خواهران و برادران صدیق مطبوعات نیست . بخصوص که سهم فرد فرد آنها در جریان انقلاب و تحریم مطبوعاتی رژیم شاه ، سهمی است انکار ناکردنی که بارها و بارها نیز مورد تشکر رهبران قرار گرفته است .

علیهذا ما هجوم نظامی اخیر را تعرض علیه آزادی تمام ملت ایران محسوب نموده وبخاطر پاسداری از حرمت انقلاب و حیثیت اسلام و آزادی وتقدس خون شهدای گلگون کفن آن ،رفع ستمی را که بر جامعهٔ مطبوعات رفته است به تاکید خواستاریم و دخالت هر چه سریعتر شخص نخست وزیر و وزرای دادگستری و ارشاد را ضروری می‌دانیم .

همچنین باید خاطرنشان نمودکه :

اولا" ـ بتصریح این ندای قرآنی که کل نفس بما کسبت رهینه (هرنفسی در گرو آنچه خود کسب کرده می‌باشد) گناه داریوش همایون ودارودسته او را به پای احدی غیر از خود آنها نمی‌توان نوشت در همین جا ضروری است متذکر گردیم که بایستی کلیه دست اندرکاران اقدامات ضدملی را در محضر بوده های مردم با تمام اسناد و مدارک مربوطه افشاء نمود .

ثانیا" ـ معرفی و کیفر کلیه ایادی شاه و امپریالیسم و صهیونیسم امر بسیار بسیار پسندیده ایست ، مشروط براینکه نه کسی را (در هر لباسی که می خواهد باشد) از این افشاگری و حسابرسی معاف دارند و نه هم دسته دسته آنهارا آزاد نموده و به همکاری بخوانند .

سلام برآزادی

امضاء جنبش ـ جنبش مسلمانان مبارز ـ جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) ـ سازمان اسلامی شورا (ساش) ـ جنبش ملی مجاهدین

۵۸/۵/۱۷

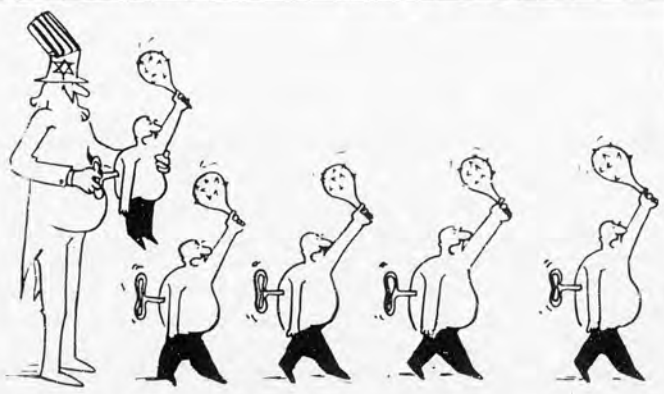

(شب قدر...)

همه عمر درگریزم ، زسجود زاهدانه

شب قدر من برون شو ، تو ز پرده‌های پنهان ....
که دو چشم من براه ، تو زخوابها گریزان
همه عمر موج بودن ، به خروش رود هستی
به امید آن نهایت ، که رسم به وصل طوفان
همه شور و شوقم امشب ، به فضای خون و وحشت
زپیام سرخ بودن ، به ترانه شهیدان
به امید خیزشم تا ، بجهم به بام هستی
که چنین بود نه گیتی ، شب آخر پلنگان
ره خلق گر بود این ، که ز تازیانه خونین
نبود غمی که عمرم ، همه طی شود به زندان
شب من اگر سیه شد ، به سیاهچال دژخیم
دل خود به چنگ گیرم ، چو ستاره‌ای فروزان
به کجا نماز خوانم ، شب قدر چونکه نبود
وجبی زمین که رنگین ، نشده ز خون یاران
همه عمر در گریزم ، ز سجود زاهدانه
که همیشه در قیامم ، ز سرود رهنوردان
شب قدر شد خدایا ، تو مقدّرم بفرما
که نماز خون گذارم ، به اذان تیرباران

به :

سازمان مجاهدین خلق ایران
به مناسبت مصادرهٔ
ساختمان بازرسی در بهمن ماه
۱۳۵۷

ای شهید راه خلق ...

ای مجاهد ای چریک !
ای که قلب گرم خلق
خانه‌های امن تست
می‌کنی تصرفی به حق
قلب خلق وقلب دشمنان خلق را
قلب خلق را به جانفشانی‌ات به راه خلق
قلب دشمنان خلق را به منطق گلوله‌ات
ای مجاهد ای چریک
ای شهید راه خلق
این تصرف دوگانه ،حق تست
خانه‌ات به هردوجا مبارک است

تهران ـ ۲۰ / ۱۱ / ۵۸
م ـ آزرم

به یاد :

مصطفی جوان خوشدل
وهمرزمان شهیدش

ازخاک پرسخاوت، بیرون بیا

آهای
انسان سالهای تلخ
توبامن عهد کرده‌ای
این روز را
از خاک پر سخاوت
بیرون بیا

*

در ، پشت پنجره
دیوار ، پشت در
این را توگفته‌ای :
نه
با آنکه میله‌ها
سرمای سخت زمستان را
هشدار می‌دادند
هی جوان
جوان
جوان
انگار با شنیدن نام تو
جوان میشود
حتی
آنکه بعد سالها
کمرش از پی شکست
تا شده‌ست

*

آهای
بیرون بیا
انسان سالهای تلخ
تو
فریاد کرده‌ای
بافوارهٔ خون هرگلوله :
چون سرخ‌تر شود فلق
سپیده نزدیک تر شود .
توبامن عهدکرده‌ای
این روز را
ازخاک پرسخاوت
بیرون بیا .

****
****
*****
***
*

حماسه یک پایداری بزرگ

بقیه از صفحه ۱۲

می‌کند. پس هرفکروعقیده‌وسیستم تاآنجا معتبروماندنی است که‌باواقعیات جهان خارجی تطبیق یافته‌وبتواند بارهاوکارکردهای ضروری رابرآورده‌سازد. موفقیت و پیروزی جبرهای "نو" آسان وبدون رنج بدست نمی‌آید. سنت آفرینش براین است که "نو" همیشه‌ازمیان درگیری‌وفرسایی، شکفته وفیروزشود تابدینوسیله‌تاسستگی خودرادر جنگ‌اضدادیه‌اثبات‌رسانده‌وصلاحیت بقا احرازکند. "اِنَّ الارضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحون": (بندگان صالح‌وارث‌زمین خواهند گشت) حضرت علی (ع) درباره‌نفس در دشوارتکامل، میسرخواهدگشت:

"یاأَیُّهَاالإنسانُ إنَّکَ کادِحٌ إلیٰ رَبِّکَ کَدْحاً فَمُلاقیه" (ای انسان! بودرتلاش سوی پروردگارت هستی، پس‌اورا‌ملاقات‌خواهی کرد).

این عامض‌ترین مسالهٔ‌فلسفی‌هر مکتب است که‌بخصوص مارکسیسم‌ازپاسخ دادن به‌آن‌سخت عاجزاست. برطبق‌فلسفهٔ توحیدی‌ما، هرمرگ‌انقلابی، مسیرحیات وپیروزی‌ودرجه‌ای است‌که‌به‌روی‌ساهی، بسته میشود:

"اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذینَ خَرَجوا مِنْ دِیارِهِمْ وَهُمْ اُلوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللّهُ مُوتُوا ثُمَّ اَحْیاهُمْ" (آیا ندیدکسانی‌راکه از ترس مرگ، سرک دیارکردندکه‌هزاران‌نفر بودندوخداندبشان گفت، مرگ‌رابسرا شوند و سپس آنهارا‌حیاتی دوباره‌بخشید؟ حتمی است که‌انسان بااررشهائی‌که‌بخاطر آن جان‌باخته‌وبانامی‌وجود "نگاه" می‌شودوبسوشله‌حیات‌واصالت آنهارا گواهی (شهادت) می‌کند: "جَعَلْناکُمْ اُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهیداً" (۱۴۳-بقره). (وبدینسان شمارا‌بهترین امت قرارادادیم، تاالگووشیوه برای‌مردم باشیدوپیامبربرشماگواه‌است).

وحدت‌وتطبیق پذیری‌باحقیقت آفرینش (جهان خارجی) دراین مسیربه‌اوج‌می‌رسد. اوحی که‌حماسه‌ورمزوجوداساسی و ممتازکننده‌اوازدنیای‌حیوانی‌است. اوحی که‌تنهابا "خودگذشتگی" ورنج‌وفداکاری میسراست. این‌است‌عالی‌ترین‌شیوهٔ‌حل تضادبین‌انسان‌وآفرینش. کسی‌گمان‌به وحدتی‌جاودانه‌باعضوی آن‌منتهی‌خواهندشد. از آنجاکه‌درهردرجهٔ‌بالاتری ازتطبیق‌ویگانگی، سلسلهٔ‌حیات فروزاسرمی‌شود، پس بایداین‌اوج‌رامردگی‌وفنا‌نامید، جراکه دروازای این افق مخصوص، خورشیدحیاتی پس‌درخشنده‌ترد‌ریچه‌های‌بزرگ‌وسیع سر طلوع‌می‌کند: "وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللّهِ اَمْواتاً بَلْ اَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُون" (هرگزکسانی‌راکه‌درراه‌خداکشته‌می‌شوند، مرده‌مپندارندکه‌آنهارنده‌اندونزد پروردگارخویش‌ازروزی‌می‌نمایند).

(۱) - (پس‌ازدستگیری اعضای‌ستاد خانواده‌ٔ شهیدفاطمه‌اصلی‌اجازه‌دادند کدازجریانات‌نکبت‌هائی‌کاش‌خلاده فاطمه‌داده‌بودآگاه‌شوند).

* * * * * * *

درباره: فاطمه امینی بانام مستعارمنیر

محترما" باستحضارمیرساند:

ناصرده بالا که درتیرماه ۲۵/۵/۱ ه درسلول خودکشی نموده است قبل ازانهاردانست باعیداله امینی (ازاعضاء متواری گروه مجاهدین خلق بوده ودرمشهد دستگیرگردیده است) ارتباط داشته، وعلاوه برآن درسه منزل تیمی سکونت داشته ودراین منازل باپنج نفرازاعضاء متواری ومسلح گروه باصطلاح مجاهدین خلق (نصرین، حسن ابراری، زنی بانام مستعاراشرف، عروس موحد ومنصوره) نیزدرارتباط بوده که پس‌ازدستگیری بعلت خودداری ازبیان مطالب واطلاعات خود منازل مورد نظرتخلیه گردیده است.

نوصر مجاهد بیشتر شوید

۵/۲۷

قسمتی ازاظهار نظرساواک در مورد خواهر مجاهد شهید پس‌ازآنکه در تاریخ فوق و زیر شکنجه به شهادت رسید.

فراماسونری جدید...

بقیه از صفحه ۱۲

فعال داشته باشد. از طرف دیگر می‌بایستی برای حفظ برتری خودش بر بلوک شرق (بویژه شوروی)، درگیر یک مسابقه پرخرج تسلیحاتی شود. بر اساس بررسی‌های جدید که از کمیسیون سه‌جانبه بدست می‌آید، آمریکا به این نتیجه می‌رسد که بایستی درگیر یک مبارزه همه‌جانبه، با شوروی شود، و این مبارزه در همه زمینه‌های مختلف اقتصادی - سیاسی و نظامی توسعه یابد. البته چنین درگیری، به مفهوم خروج از خط تنش زدائی نیست. و آمریکا همانند گذشته از درگیری نظامی با شوروی پرهیز خواهدکرد. لذا می‌بینیم در خط سیاسی جدید، از ابتدای روی کار آمدن کارتر یک برنامه تبلیغاتی وسیع، در رابطه با مساله حقوق بشر در مورد بلوک شرقی (بویژه شوروی) - به مرحله اجرا در می‌آید. با اینکه در زمینه اقتصادی آمریکا سعی دارد، با تشکیل یک بلوک مستحکم اقتصادی از ملت (آمریکا - اروپای غربی)، شوروی و بلوک شرق را تدریجاً تحت فشار قرار داده، و بطورکلی اقتصاد جهانی را از این طریق بخودش وابسته نماید.

۲- محدودکردن مسابقه‌پرخرج تسلیحاتی

و تقویت نیروی دریائی، بجای نگهداری و حفاظت مستقیم از مناطق خاص که در عین برای آمریکا هزینه زیادی را نیز دربردارد. در همین رابطه است که آمریکا در خط سیاسی جدید خودش، تصمیم می‌گیرد که نیروهایش را از کره بیرون ببرد.

همانطوریکه قبلاً توضیح داده‌شد، آمریکا تصمیم می‌گیرد عوض درگیرشدن در یک مسابقه پرخرج تسلیحاتی، حتی‌الامکان از طریق اقتصادی با نفوذ شوروی مقابله کند.

ج- فراماسونری جدید در راه استحکام سلطهٔ امپریالیزم بر جهان سوم:

۱- وابسته‌کردن حکومتها با استفاده از پیشرفت تکنولوژی

با توجه به برتری‌های تکنولوژیک و قدرت اقتصادی آمریکا در قیاس با بلوک شرق، وابسته کردن حکومتها از طریق وابستگی اقتصادی بجای روش گذشته قرار گرفت. اعمال حیثیت و استفاده از نیروی نظامی، و حمایت از رژیم‌های خودکامه و دیکتاتور پایه سیاست گذشته در کشورهای وابسته بود. در سیاست جدید امپریالیسم میکوشد که با استفاده از روشهای اقتصادی و با بودجه‌ای از برتری تکنیکی خود کشورها را در زیر وابستگی نگهدارد. برای این منظور کافی است که امپریالیسم آمریکا برخلاف سیاست زمان کیسینجر از بلوکه‌کردن اجباری جریان و تقسیم بندی جهان به دو بلوک شرق و غرب اجتناب کند تا فضا و میدان برای نفوذ اقتصادی واستفاده‌ازبرتری تکنیکی این فراهم گردد. بهمین دلیل است که آمریکا اصل‌تنوع حکومتها را میپذیرد شعاری که آندروپاک روی آن تاکید بسیار دارد.

از همان آغاز قدرت‌گیری آمریکا در صحنه جهانی و بین‌المللی (بعدازجنگ جهانی دوم)، یکی از مسائل عمده این جلوگیری از نفوذ شوروی، در مناطق تحت سلطه امپریالیسم بوده‌است. به همین دلیل از همان آغاز بااتخاذ انواع و اقسام تاکتیکها، سعی داشته‌است از رفتن کشورهای تحت سلطه به اردوگاه شرق، جلوگیری بعمل آورد. وبااستفاده از همین بهانه پوچ که آمریکا در گذشته، هرگونه حرکت آزادیخواهانه را تحت شعار مبارزه با کمونیسم کوبیده‌است. و حتی شاهد بوده‌ایم که‌برای‌حفظ منافعش و برای‌اینکه کشورهای تحت سلطه‌نتوانند به اردوگاه متقابل بپیوندند، از ضد خلقی‌ترین و کثیف‌ترین رژیم‌ها حمایت کرده، با بدست خودش پست‌ترین‌افراد را بر ملتی حاکم نموده‌است. ولی‌بر اثر جمع‌بندی‌های بعد از جنگ ویتنام، و تحت تاثیر آثار ناشی از آن (بحران تورم - رکود)، آمریکا به این نتیجه میرسد که دیگر لزومی ندارد، روی این تقسیم بندی‌بیش از حد اصرارورزد. زیرا در گذشته این اصرار آمریکا باعث شد بسیاری از کشورها سریعتر به سمت اردوگاه شرق‌بروند. و اضافه برآن حمایت آمریکا از دیکتاتوری و خفقان درکشورهای وابسته‌نیز باعث شد که کشورهای مزبور را هرچه سریعتر به سمت اردوگاه شرق سوق دهد. تمامی این مسائل در کنار قدرت و توان برتر تکنولوژیکی آمریکا و همچنین بدهم‌پیوستگی عمیق اقتصاد جهانی، آمریکا را برآن میدارد که‌این به بعد برای‌تحت سلطه‌نگاه داشتن کشورها از زمینه‌های اقتصادی‌بیشتر سود جوید. با استفاده از قدرت نظامی و حمایت از دیکتاتورها (**)، بر اساس چنین دیدگاهی، آمریکا میتواند حتی با کشوری ضد وبساورابطه اقتصادی‌داشته باشد، وبیانیسی وابستگی یک کشور به اردوگاه مقابل، لزوماً آمریکا رابموضع‌گیری در قبال آن بکشاند.

۲- حمایت از نیروها وجریانات نیمه‌ملی

درسیاست جدید امپریالیسم آمریکا میکوشد تا در مقابل بوروکراسی و دیکتاتوری حاکم برکشورهای جهان سوم از نیروها و جریانات نیمه ملی حمایت کند. از این طریق میخواهد در جهت انزولاسیون باصطلاح تروریسم (وکمونیزم!) (***) گام بردارد. ودر حقیقت میخواهد نیروهای انقلابی را سرکوب کند، و انقلاب بنیادی و مسلحانه را به بوته فراموشی اندازد.

این نحوه برخورد با مسائل کشورهای جهان سوم، نیز از درون همان دیدگاه کلی درمی‌آید. دیدگاهی که‌ایجاد تحول را در این کشورها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیرمیداند. ولی‌معتقد است‌که بایستی تحولات را ازمسیر هرج‌ومرج‌گونه به مسیر تحول منظم انداخت. تا به منافع امریکا ضربه کاری وارد نیاید. وبر همین اساس‌حمایت یکجانبه ازرژیمهای دیکتاتوری را صلاح نمی‌بیند. بلکه معتقد است که بایستی ازجریانات نیمه‌ملی که تا حدودی دارای پایگاه داخلی میباشند، حمایت به عمل آورد. ودست دیکتاتورها را برای‌انجام هرکاری باز بگذاشت. یکی‌از هدفهای برنامه‌جهانی سرآمریکا، سرهمین مساله است:

"تحت فشار قراردادن رژیمهای دیکتاتور و خودکامه". زیرا امپریالیسم به خوبی دریافته‌است، که‌درشرایط تاریخی کنونی، دیگراین‌طریق نظامی نمیتواند منافع امپریالیستها را حفظ نماید، و اگر راهی وجود داشته باشد از طریق کنار آمدن با جریاناتی است که تاحدودی‌در داخل کشورهای جهان سوم پایگاهی دارند. البته به این نکته توجه داریم که‌امپریالیستها در صورتی که از این طریق نتوانند منافعشان را حفظ کنند، بار دیگر متوسل خواهند شد.

تاتمام

(*) در تقسیم‌بندی مناطق نفوذ، یک خط‌فرضی (تاتمام) وجود دارد، که هر کدام از این دو کشور (آمریکا یا شوروی) به وارد خارج از این خط‌که در حقیقت منطقه نفوذ دیگری است دخالت فعال نمایند.

(**) البته توجه داریم که‌این مساله‌بدین مفهوم نیست که‌آمریکا دیگرازتاکتیکهای‌سابق استفاده نکند. طبیعی‌است برانجام برای حفظ منافعش و در صورت لزوم، از این تاکتیکها استفاده خواهد کرد. بنابراین مطلب فوق بدین معنی است، که تا جائیکه امکان دارد سعی میکندازنمود جدید استفاده نماید.

(***) این خط‌درست نقطه‌مقابل خط قبلی است، که آمریکا از ترس نزدیکی کشورهای تحت سلطه به اردوگاه شرق، از هر گونه تغییری در سیستم‌های‌تحت سلطه جلوگیری میکرد، و در نتیجه ادامه چنین خطی به حمایت از رژیم‌های دیکتاتوری منجر میشد.

گزارشی از تخلفات وتقلبات انتخابات

بقیه از صفحه ۸

۶- فتوای علماء مشهد دائربراینکه‌برهمهٔ مردم وطبقات واجب است که به کاندیداهای مشخص رأی بدهند. درنتیجه‌آزادی - انتخابات جای خودرابه رأی دادن بصورت یک جریان واجب مذهبی داده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

باتوجه‌به اعلامیه تاریخ سوم شهریورماه مذکر ادامه‌ام برطرف‌ام وطبقات مختلف مردم ولایت کرکخصوصات آیات عظام وحجج اسلام ایدهم الله تعالی که ذیلاً اسامی آنان مندرج است رای داده‌اند را برای بررسی قانون اساسی مجلس خبرگان بفرستند خداوند مجدد توفیقات جناب

پنجم شهریورماه مبارک برابر هشتم شوال ۱۴۰۰ ه.ق

۱ حضرت آیت‌الله حاج میرزا جواد تبریزی
۲ حضرت آیت‌الله میرزا علی‌اکبر فلسفی
۳ حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمود حلبی
۴ حضرت آیت‌الله شیخ ابوالحسن شیرازی
۵ حضرت آیت‌الله شیخ مهدی لنکرانی
۶ حضرت آیت‌الله شیخ عباس اسلامی
۷ جناب آیت‌الله دکتر محمود روحانی
۸ حضرت آیت‌الله سید عبدالله شیرازی

۷- سندزیرنمونه دیگری از تخلفات رادرانتخابات‌مجلس بررسی قانون اساسی نشان میدهد، که‌در آن شناسنامه کودک ۲ ساله‌ای مورداستفاده‌قرارگرفته‌است.

۸- نامه‌ای از یک برادرکارگرشرکت وبمانا

"من اعلامیه‌ها وپوسترهای مربوط به‌کاندیدهای مجاهدین رادرکارخانه‌چسانده‌بودم. اما کارفرما (بنام‌طهرانچی) دستور دادهمه‌آنها راکندندویک ورقه ای راکه‌درآن اسامی کاندیدهای حزب جمهوری اسلامی نوشته شده‌بودجلو درکارخانه‌پخش کردندگفت غیرازاین اعلامیه بقیه‌همه‌راپاره‌کنید. اینها اسامی‌یی است‌که‌امام‌داده‌است حال من نمیدانم‌که‌تکلیف ما با این کارها چیست. دیگرازحد افشاگری گذشته. حزب جمهوری اسلامی باحقه‌وکلک همه‌امکانات راازماگرفته‌است. بایدرسما اعلام‌کنندکه‌بغیرازحزب جمهوری اسلامی بقیه‌تامسلمان هستند، تاماتکلیفمان رابفهمیم. چون به‌من بااین سن وسال وسابقه‌ام میگویندکمونیست. به‌مجاهدین هم‌کمونیست میگویند. آخرتاکی بایددرمقابل این تهمتها و فریبکاریها سکوت کرد. بمن بگوئیدچکارکنم."

* * *

۹- گزارشی ازتقلب آشکاردرحین شمارش آراء

"هنگام‌رای گیری وشمارش آراء به‌حوزه ۳۰۲ دبیرستان روشنگرفتم. درموردنحوه شمارش آراء علناوخیلی آشکارا تقلب میکردند، یکی ازآقایان درازای هراسم ازکاندیداهای حزب جمهوری اسلامی یک ✉ میزدولی درموردکاندیداهای مشترک مجاهدین وبالاخص مسعود رجوی باصراحت میگفتند: اینها کمونیست هستندولس کن و..."

وفقط در ازای هرچندتا رای یک خط میکشیدند. بگنه‌خدا آورا اینکه‌آنها درموردآقای ناصرکاتوزیان فکرمیکردند ایشان ارمنی هستند. ورای های اورا هم‌ثبت نمیکردند. ولی وقتی که من گفتم‌که‌اومسلمان است. جلوی اسم ایشان نیز چندین مربع (✉) زدندکه مثلا اینقدررای آورده‌است."

مجاهد شهید فاطمه امینی چگونه در زیر شکنجه به شهادت رسید؟ (آخرین قسمت)

حماسه یک پایداری بزرگ

۲۵ مرداد چهارمین سالروز شهادت مجاهد شهید فاطمه امینی

* * *

در شماره‌های گذشته واقعیت‌هایی از مبارزه یک خواهر مجاهد را با رژیم گوگردیم. موضع ایدئولوژیک سیاسی او را دیدیم. موضع‌گیری او را در برابر منحرفین چپ بوضوح یافتیم. تسلیم‌ناپذیریش را در شرایط سخت شکنجه و ابتلائات گوناگون در برابر رژیم انقلاب متوجه گشتیم. قسمتی از اوراق بازجوئی او را که از دست دژخیمان ساواک در رفته بود ارائه کردیم. اما در شماره گذشته بعلت مصادف بودن با سالروز شهادت برادر مجاهد سعید صفار توفیق نیافتیم به آخرین قسمت زندگی خواهر مجاهد اشاره کنیم. اینک آخرین مقاومتهای قهرمانانه فاطمه امینی.

* * *

حماسه پرشور زندگی انقلابی فاطمه زمانی باوج خود رسید که به سازمان پیوست. در این زمان بود که دیگر شور و شوقش برای مبارزه و پیشبرد اهداف سازمان حد نمی‌شناخت. سراپای وجودش آشنا به عشق به پیکار گشت و جدان از این عشق سرشار بود که همه کسانی که حتی یکبار با او دیدار داشته‌اند عظمت و شکوه آنرا احساس کرده‌اند. او در هیچ شرایطی از مبارزه و تلاش و حرکت باز نایستاد نیاد می‌آوریم زمانی را که سر روی تخت بیمارستان در حالی که توانائی کمترین حرکتی را، حتی غذا خوردن نداشت، از طریق یکی از برادران که او را در همان اتاق بستری کرده بودند، پیامی به همرزمان پرشورش فرستاد که حاوی نکات اساسی بسیار مهم بود.

فاطمه یکی از مقاومترین انقلابیون و افتخار بزرگ خلق قهرمان ایران بوده زمان مبارزه‌اش ماست. پس از ۵ ماه و نیم شکنجه کلیه اطلاعاتش سالم ماند. تا آخرین لحظه حیاتش محفظه‌های هم‌رزمانش را نگفت و نام خواهران و برادران مجاهدش را فاش نکرد. گفته می‌شود که او در لحظه دستگیری آدرس سه خانه تیمی را می‌دانسته است. فاطمه در طول بازجوئی و شکنجه بطور کلی از صحبت با مزدوران امتناع می‌کرد و اغلب جواب آنها را نمی‌داد. و این بیش از هر چیز خشم شکنجه‌گران را نسبت به وی برمی‌انگیخت. مقاومت قهرمانانه فاطمه در زیر شکنجه اوج اعتلای شخصیت انقلابی او بود که پس از عبور از کوره گدازان ۱۲ سال مبارزه خستگی‌ناپذیر بدان نقطه رسیده بود. مبارزه صدیقانه و پرشوری که طی آن همه هستی خود را وقف راه خدا و خلق کرده و هر لحظه آمادگی بیشتری برای بدرود گفتن با رنجهای آن پیدا می‌کرد.

طوبی لنفس أدّت الی ربّها فرضها وعرکت بجنبیها بؤسها (نامه ۴۵ نهج البلاغ)

(خوشا بحال آنکه تعهدات خویش را انجام رساند و با رنجهای آن را بدرود گفت ....).

او چنان در مبارزه و سازمان حل شده بود و چنان با عقاید و اهداف مقدس و انقلابی خود وحدت داشت که لحظه‌ای جدائی از آنها و از یاد بردن این آرمانها در حساس‌ترین شرایط ممکن برایش متصور نبود. آخر او بخاطر همین آرمانها زنده بود و برای تحقق آنها مبارزه میکرد و در همان راه شکنجه میدید و بالاخره برای پیشبرد این همین عقاید، مرگ انقلابی را برگزید و شهید شد.

خاطره برادر، نقل از همان برادری که او را در بیمارستان شهربانی دیده بود بسیار سوزانگیز است. "شب عید ۵۴ بود. در آن شب یکی از افرادی که در اتاقی دیگر بود و بشدت شکنجه دیده بود به شهادت رسید. از ساعتها قبل صدای ناله‌ای از اتاق مجاور بگوش ما می‌رسید. صبح پس از تحویل سال من بطور محفلانه وارد شدم بردم پارا وان به فاطمه تبریک گفتم". فاطمه در پاسخ من چنین گفت:

"برادر! عید حقیقی ما زمانی است که خلقها بر دشمنان خود پیروز شوند و ظلم و بهره‌کشی رخت بربندد. با امید آن روز، پیروزباشی..."

فاطمه زنی بسیار متواضع، صمیمی، پرشور، دقیق، فعال، قاطع و خلاصه جامع تمام خصوصیات و منشهای انقلابی توحیدی بود. در میان کسانی که به خوی او در ارتباط بوده‌اند کمتر کسی است که تحت تأثیر خصائل و ویژگیهای عالی اخلاقی او قرار نگرفته باشد.

خانواده‌های شهدای مجاهدین خلق ایران هرگز خاطره صمیمیت و فداکاری فاطمه و نقش مؤثر او را در به ثمر رساندن فریاد اعتراض حق طلبانه‌شان بر علیه کارگزاران جلاد رژیم شاه فراموش نخواهند کرد. او معلم راستین و انقلابی دانش‌آموزان و یار صمیمی آنان در حل مشکلات فکری و عملی آنها بود. مجاهد شهید فاطمه امینی اولین زن انقلابی ایران بود که در زیر شکنجه به شهادت رسید. تاریخ مبارزات خلق قهرمان ایران، خاطره پایداری بزرگ این مجاهد پاک باخته را در سینه خود ثبت نموده و نسلهای آینده را از آن آگاه خواهد کرد.

این شهدای بزرگوار اگرچه در معرض حملات ناجوانمردانه اپورتونیستی قرار گرفته و اگرچه مرتجعین راست هم اکنون تمام تلاش خویش را برای تهمت زدن و خدشه دار نمودن اعتبار آنان و پایمال کردن خونشان بکار گرفته‌اند. ولی هرگز سیمای پاکشان گرد بیرنگی و فراموشی نخواهد نشست. چرا که دیدیم آنان در راه تحکیم مواضع و ارزشهای انقلابی توحیدی که متضمن جدائی رهائی و بهروزی خلق ماست چه صداقت و فداکاری پرشوری از خود نشان دادند و چه سختی‌ها و شکنجه و رنجهای را تحمل کردند. درست بدین علت است که این شهدا در متن تکامل و در قله آن جای گرفته‌اند و در دل خلق ما جاودانه گشته‌اند.

حضور فعال زن انقلابی و مجاهد خلق ما در صحنه پیکار انقلابی در دوران سیاه اختناق پهلوی، بار دیگر قالب قدیمی و طبقاتی وجود زن را که صرفاً در ادامه نسل و خانه‌داری و یا خودنمائی هوسبازگر جلوه می‌نمود درهم شکست و وجود انقلابی جدیدی را که بلحاظ کمّی معادل نیمی از آحاد انسانی است بر نیروی خیز انقلابی خلقمان افزود. زن مسلمان ایرانی با نگه برای مبارزات برافتخار است که راه خود را سوی رهائی از قید ستم مضاعف می‌گشاید و با شرکت فعالانه در پیکار پرشور خود که نمونه‌های شکوهمند آنرا در جنبش اخیر مردم دیگر نیز دیدیم، نقش انقلابی خود را ایفا می‌نماید. و در این میان الگوها و نمونه‌هائی چون زینب را بعنوان اولین منادی آزادی زن در تاریخ جوشان و سرشار از درس‌هائی خود می‌بینند که در دوران تاریک بردگی با استادگی جسورانه در برابر محروم کردن جباران زمان و عمل پرشور افشاگرانه در برابر انبوه مردمی که از حقایق دور نگهداشته شده بودند عهده‌دار رسالت والائی شد که پس از حسین (ع) بر دوش او بود.

بدینگونه مجاهد شهید فاطمه امینی را بحق بایستی سمبل شرف و وجدان انقلابی زن مسلمان عصر ما دانست.

باشد که نام پاک او و آرادیخواه جهان و خواهران انقلابی و مسلمان وطن ما همواره با الهام از دستاوردهای این پیشگامان راستین خود در راهی که با خون پاک او و همرزمان شهیدش شرح گشته است به پیش تازند و ایمان و قاطعیت و روحیه پرلرل‌ناپذیر و رزمندگی خون او، انسان را در این مسیر بروبخشد.

فلسفه بزرگ

فاطمه این قربانی بزرگ راه آزادی و دهها و صدها قربانی دیگری که در این راه تقدیم نمودیم و در آینده نیز در صورت لزوم خواهیم داد، همه و همه نمایهای لازمی هستند برای کسب پیروزی. ما از آن ابتدا هر آنچه را که عزیز و دوست داشتنی بود، برای فدا ساختن در راه خدا و خلق آماده کرده بودیم. چون یقین داشتیم که راه تکامل جز بدین طریق پیش نمی‌رود. "لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ" (هرگز به نیکی ها دست نمی یابید مگر از آنچه دوست دارید انفاق کنید). تکامل همیشه با درگیری عجین بوده است. مبارزه‌ای سخت و آشتی‌ناپذیر که سر انجام پدیده‌های "تطبیق‌پذیر" را پیروز

بقیه در صفحه ۱۱

"بانوی پاک رهائی"

بایاد: شهید فاطمه امینی

آمد
بانوی پاک رهائی
خشم مجسم مظلومان
پیچیده در ردای صداقت و ایمان
ایستاد
در آستانه‌ی ضیافت گرگان.
کوه بلند پیکر پاکش را
باران زخم پلیدان می‌شست.
از هر شکاف کوه،
جویبار سرخ فام شهامت جاری بود
شطی ز خون
از ابر گیسوان کبودش می‌ریخت
برق نجیب دو چشمانش
پیوند روز و سیاهی بود

* * * * *

گفتند: نام و نشانت؟
گفت:
من یک مجاهدم
فرزند خلق
اهل کدام دیاری؟
گفت:
من زاده‌ی دیار محنت خلقم
پرورده‌ی پلیدی و بدکاری شما
گفتند از کدام ایل و تباری؟
گفت:
بی‌شک، جدا از تبار شمایانم
من،
پژواک خشم خفته‌ی خلقم
همخوابه‌ی مسلسل و باریک
آواز من خروش رهائیست
شعرم حدیث درد خلایق
صد بار اگر به تازیانه بکوبیدم
آواز و شعر من جز این نتواند بود.

* * * * *

زان پس
بانوی پاک رهائی
کوه بلند استواری و ایمان
تن را به تازیانه‌ی گرگان داد
خاموش، پرصلابت و مغرور
در راه خلق
در آن ضیافت خونین جان داد.

* * * * *

بانوی پاک رهائی
ای کوه خفته، جلالت باد
رود روان سلام و درود خلق.
افسانه‌ی صلابت تو امروز
لالای کودکان رسته ز بیداد است
شعر بلند صبوری و ایمانت
آواز هر ترانه و فریاد است.

بانوی خفته،
جلالت باد

۵۸ / ۵ / ۱۱

از علاقمندان تقاضا می شود که کمکهای مالی جهت سازمان مجاهدین خلق ایران را به حساب جاری شماره ۲۱۷۰ بانک صادرات شعبه کشاورز واریز نمایند. و حواله آن را به ستاد مجاهدین واقع در تهران - خیابان مصدق - پائین‌تر از میدان ولی‌عصر، ارسال دارند.

هفته نامه مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
سال اول - تکشماره - ۱۵ ریال
آدرس تهران - خیابان مصدق
جنبش ملی مجاهدین

مبارزه ضد امپریالیستی (قسمت سوم)

فراماسونری جدید راه خروج امپریالیزم امریکا از بحران را ارائه میکند.

نتایج حاصل از جمعبندیهای کمیسیون سه جانبه

طبیعی است که این بررسی ها، در نهایت هدفی جز پیدا کردن راه حل، برای خروج کشورهای سرمایه‌داری از بحرانهائی که با آن مواجه‌اند، ندارد. بخصوص برای امپریالیسم آمریکا که در حقیقت بحران‌های فوق الذکر (چه سیاسی و چه اقتصادی)، او را به طور جدی با مشکلات زیادی مواجه کرده بود. طراحان سیاست‌های امپریالیستی، نتایج بررسی های خود را در رابطه با مسائلی که با آن مواجه بودند، در زمینه‌های مختلف اعم از داخلی یا خارجی (چه از نظر اقتصادی و چه به لحاظ سیاسی) حول سه محور زیر بیان نمودند.

الف - در رابطه با کشورهای اروپائی
ب - در رابطه با بلوک شرق
ج - سیاست جدید امپریالیستها در رابطه با کشورهای جهان سوم:

الف - استراتژی جدید امریکا در رابطه با اروپا:

۱- پذیرش کمونیسم اروپائی

در صورتیکه بتواند به قدرتی علیه نفوذ شوروی تبدیل شود (البته در صورت باقی ماندن این کشورها در درون پیمان ناتو).

همانطوریکه می‌دانیم، آمریکا از همان آغاز، نگران نفوذ شوروی در اروپای غربی بوده است. بدلیل اینکه بخش شرقی اروپا، بطور عمده زیر نفوذ شوروی قرار دارد، و می‌تواند برای نفوذ در قسمت غربی اروپا بعنوان یک پشت جبهه مناسب عمل کند. در همین رابطه آمریکا با اروپای غربی، پیمان ناتو را بوجود آورده، و هرروز نیز در جهت تقویت هرچه بیشتر آن تلاش می‌کند. پیدایی جریانی تحت عنوان کمونیسم اروپائی، که بظاهر سنگ کمونیسم را نیز سینه می‌زند، اگرچه برای خیلی‌ها می‌تواند نگران کننده باشد، ولی آمریکا با توجه به ماهیت این جریان، نه تنها نگران گسترش آن نیست، بلکه حاضر میشود برای جلوگیری از نفوذ هرچه بیشتر شوروی در اروپای غربی، کمونیسم اروپائی را بپذیرد. البته در صورتیکه کشورهای مورد نظر، در صورت بقدرت رسیدن چنین کمونیستهائی، در پیمان نظامی ناتو باقی بمانند.

۲- پذیرش مسئله تقسیم رهبری با اروپای غربی (بطور خاص آلمان غربی)

و دنبال نکردن خط سیاسی قبلی مبنی بر اینکه امپریالیسم آمریکا بایستی به عنوان قدرت بلامنازع امپریالیستی باشد.

بعد از جنگ جهانی دوم که بطور کلی کشورهای اروپای غربی، متحمل ضربات زیادی شدند. امپریالیسم آمریکا، برعکس از این جنگ بهره زیادی برد، و جنگ باعث شکوفایی اقتصادیش گردید. با اجرای طرح مارشال و بازسازی اروپا، آمریکا توانست جایگاه بسیار محکمی، در میان کشورهای امپریالیستی بدست آورد. تمامی این مسائل باعث شد، که امپریالیسم آمریکا به عنوان قدرت بلامنازع امپریالیستی درآید. اما مشکلات اقتصادی آمریکا و بحران تورم رکود از طرفی، و قدرت گیری کشورهای اروپائی بطور خاص آلمان غربی از طرف دیگر همگام با توسعه کشورهای بلوک شرق، آمریکا را از موضع گذشته سقوط داد. مجموعه عوامل فوق ضرورت را ایجاب می‌کرد، که آمریکا در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، و در معادلات بین‌المللی جائی نیز برای کشورهای اروپای غربی باز کند. لذا می‌بینیم که در استراتژی تازه آمریکا، این مسأله مورد توجه واقع شده است.

ب - کمیسیون سه جانبه و مسأله بلوک شرق:

۱- مبارزه همه جانبه و گسترده با بلوک شرق

در زمینه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی و حقوق بشر و ... بجای تکیه بر مسابقه پرخرج تسلیحاتی.

قبل از شکست ویتنام، آمریکا حتی الامکان سعی داشت از درگیری و رویاروئی مستقیم با شوروی پرهیزکند. (جنگ سرد). و یا خط برخوردشان بیشتر بر اساس تشنج زدائی تنظیم شده بود. در همین رابطه تقریباً "امریکا و شوروی، تمامی جهان را به مناطق تحت نفوذ و سلطه خودشان، تقسیم کرده بودند. (*) در سالهای آخر جنگ ویتنام بر اثر مشکلاتی که این جنگ برای آمریکا پیش آورد (و به علت برخورد با خط تشنج زدائی)، ایالات متحده توانست در بسیاری از جریانات دخالت

بقیه در صفحه ۱۱